

درباره

قیام حماسه آفرینان

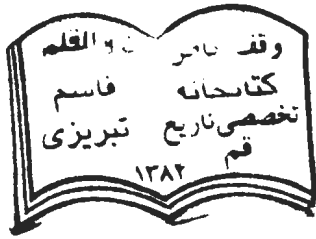
قم و تبریز

جلد اول

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

P.O. Box A Belleville Ill. 62222

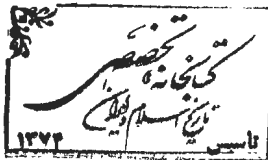
چاپ اول : اسفند ماه ۱۳۵۶ بهای برابر ۱۰۰ ریال



درباره

قیام حماسه آفرینان

قم و تبریز



جلد اول

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۳ - ۱۲	مقدمه
۱۵ - ۱۸	پیام امام خمینی بطن شریف ایران بمناسبت قیام حماسه آفرینان قم
۱۹ - ۲۱	پیام امام خمینی باهالی غیسور آذربایجان بمناسبت قیام حماسه آفرینان تبریز متن سخنرانی امام خمینی
۲۲ - ۳۵	بمناسبت قیام حماسه آفرینان قم دو گزارش:
۳۹ - ۵۸	از قیام خونین ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ در قم
۵۹ - ۷۳	یک گزارش:
۷۴ - ۷۹	از قیام خونین ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ در تبریز اعلامیه مراجع عظام در قم:
۸۳	آیت الله مرعشی نجفی
۸۴	آیت الله مرعشی نجفی
۸۵	آیت الله سید محمد وحیدی
۸۵ - ۸۶	آیت الله سید کاظم شریعتداری
۸۶ - ۸۷	نامه آیت الله گلپایگانی به آیت الله خوانساری
۸۸	آیت الله سید کاظم شریعتداری
۸۹	آیت الله گلپایگانی
	اعلامیه های:
۹۳ - ۱۰۸	طلاب حوزه علمیه قم
۱۰۹ - ۱۱۳	جنبش مسلمانان ایران

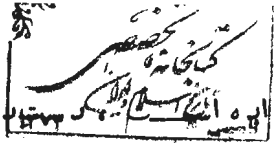
۱۱۵ - ۱۱۴	اساتید و فضلی حوزه علمیه
۱۱۷ - ۱۱۶	علماء و وعاظ تهران و حومه
	اعلامیه های :
۱۲۳ - ۱۲۱	دانشجویان مسلمان دانشگاهها
۱۲۶ - ۱۲۴	دانشجویان مبارز دانشگاه
۱۲۸ - ۱۲۷	دانشجویان دانشگاه شهید
۱۳۰ - ۱۲۹	دانشجویان دانشکده علم و صنعت
۱۳۵ - ۱۳۳	نامه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر اعلامیه بازگسانان :
۱۳۶	آذربایجانیهای بازار تهران
۱۳۷ - ۱۳۶	شیرازیهای بازار تهران
۱۳۷	بازرگانان و پیشه وران اصفهانی مقیم مرکز
۱۳۹ - ۱۳۸	یک نامه از بازار تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

برای رهائی از نظام شرك و تحول به نظام توحیدی، برای رهائی از هر آنچه انسان و انسانیت را از خدایگونگی اش تهی میسازد و او را بسه درنده ای سلطه گر و یا برده ای تحت سلطه و دور افتاده از فطرت اصیل خویش بدل میسازد، میبایست آتش ایمان و آگاهی را در سطح وسیع توده های محروم شعله ور ساخت. ایمان بمعنی حقیقت پرستی و اعتقاد و گرایش راسخ به ارزشهای متعالی که در انسان مسئولیت میآفریند و ایثار او را جهت تحقق ایده آلهای انسانی اش توجیه گراست. و آگاهی بمعنی شناخت دقیق واقعیتهای موجود در جامعه، واقعیتهایی که منطبق بر حقیقت نیستند و لذا زوال پذیر و مستحق نابودی اند و واقعیتهایی که بیانگر حقیقت اند و لذا الگو و حجت و شایسته بقا و تدوم و هدایت کنندگی.

در جامعه ایران که تحت ظلمت حاکم نظام شاهنشاهی، انسان و انسانیت مقام والای خویش را از دست داده است و صاحبان زور و تزویر دست در دست هم، همه روزه با خدعه ای و فریبی، در تلاش انهدام تمامی بنیادهای مردمی و تدارک افلاس اقتصادی و گسترش دیکتاتوری و حذف و مسخ اسلام محمدی اند و هرند ای آزاد یخواهانه ای را که زبان اعتراض بوضع موجود میگذارد در حلقوم خفه میکنند، در چنین حالی مسئول ترین موظف ترین، شایسته ترین، و توان مند ترین گروهی که قادر است در امر آگاهی دهی و ایجاد ایمان راستین در سطح توده های محروم، پیشگام باشد، علمای اسلام اند. بخصوص با توجه باین واقعیت که اکثریت قریب باتفاق مردم ایران مسلمانند و تاریخ نشان داده است که هرگاه درخیم استبداد قلبهای آکنده از شور حق طلبی آنان را آماج گلوله های خود قرار



در این راه از شیخ الاسلام و دیگر بزرگان و علمای اسلام دراز کرده اند .
درست بخاطر همین توان مندی بالقوه علمای اسلام جهت بسیج توده های
مردم برای برانداختن نظام شاهنشاهی و سرنگونی دربار پهلوی ، و نفوذ
عمیق ایشان در بین طبقات و اقشار گوناگون مردم است که رژیم شاه پیوسته
میکوشد مرحله به مرحله با استفاده از امکانات و موقعیتهای مختلف ایشان
را خلع سلاح کرده و آنان را به انهدام کشاند .

جهت اجرای این برنامه رژیم در ابتدا ای امر با احتیاط و با وحشت
آغاز بکار کرد ، اما از آنجا که اکثر مراجع عظام ، بعنوان مسئول ترین
مقامات مدعی حفظ اسلام نه خطری احساس کردند و نه مقاومت
راستینی از خود نشان دادند و نه به هشدارهای آگاهان مورد مندانه
و مسئولان نه امام خمینی و دیگر علمای راستین که در وحشتناک ترین
شرایط و وحشیانه ترین شکنجه ها را تحمل کردند ولی ننگ سکوت و سازش
را بر جان نپذیرفتند ، توجهی کردند ، امروز وقاحت رژیم بدرجه ای
از بی هردگی رسیده است که آشکارا با گامهایی سریع تر و با شدت و خشونت
هرچه بیشتر کمر به هدم اسلام بعنوان سرچشمه زلال کارآئی انقلاب
و حوزه های علمی بعنوان پایگاه گسترش آگاهی و ایمان توده ها بسته
است . از سویی علمای راستین اسلام را همچون سعیدی ها و غفاری ها
در زیر شکنجه های قرون وسطائی بشهادت میرساند و یا همچون
طالقانی ها و منتظری ها در سیاهچالهای تاریک خود آنان را به بند
گرفته و یا با توسل به تبعید ایشان مذبحخانه میکوشد تا توده های مردم
را از این مشعل های فروزان هدایت جدا سازد و از سوی دیگر با جعل
و تحریف و مسخ اسلام محمدی و تبلیغ ذهنیات مخدر خود
ساخته بنام اسلام از طریق رسانه های جمعی و از زبان روحانی
نمایان مزدور میکوشد انگیزه راستین حرکت و خیزش را در توده های مردم
بخشگاند . در این رابطه بعیزانی که علمای اسلام سستی ورزنند ،
دشمن گستاخ تر خواهد شد ، همانطور که امام خمینی فرمودند :

" نقشه آنستکه قدم بقدم پیشروی کنند ، هر قدر شما عقب "

- " نشینی کنید آنها پیشروی میکنند . آنها کمر بنا بودی شما "
- " بسته اند . گمان نکید با ملامت دست بردار هستند "
- " بلکه با استقامت و ایستادگی و اظهار حقایق و فریاد "
- " مظلومانه عقب می نشینند . "

اگر امروز که مجاهد شهید آیت الله سعیدی بخاطر فریاد اعتراض به سرمایه گذاری های غارتگر خارجی در ایران تحت سبعمانه ترین شکنجه های مزدوران شاه بشهادت رسید ،

اگر آن هنگام که مجاهد شهید آیت الله غفاری بخاطر پاسداری از حریم تشیع علی (ع) به در منتهانه ترین شکنجه های شاهنشاهی گرفته شد و سرانجام در دیگ گداخته روغن زیتون پاهایش را سوزاندند و بشهادتش رساندند ،

اگر در رابطه با حملات وحشیانه مزدوران سلطنتی به حوزه های علمیه و دانشگاههای ایران که در این ۱۵ سال اخیر پیوسته رو به فزونی بوده است و هر بار مردم ما شاهد کشتار و اسارت عزیزترین و پاکترین فرزندان خویش بوده اند ،

اگر در مقابل با به بند گرفتن ها ، شکنجه کردن ها و کشتارهای سبعمانه رژیم که تنها در این چند سال اخیر منجر به شهادت صد هانفر از پاکترین و صادق ترین آزاد مردان و شیر زنانی شده است که بخاطر تحقق بخشیدن به آرمانهای اسلامیشان و بخاطر وفادار ماندنشان به راه رسول امین خدا (ص) و امام راستین بشریت علی (ع) جان برکف بسیار خاسته بودند ، مراجع عظام یکپارچه ، بحکم رسالت اسلامیشان ، فریاد اعتراض بر می آوردند و با تکیه بر توده های مردم مسلمان ایران به ندای امام خمینی که فرمودند :

- " اکنون سکوت در مقابل این نقته ها و فجایع در حکم انتحار "
- " است و استقبال از مرگ سیاه و سقوط یک ملت بزرگ می باشد . "
- " تا فرصت از دست نرفته لازم است که سکوت شکسته شود و "
- " استنکار و اعتراض آغاز گردد . "

- " سکوت در مقابل ستمکاری ، اعانت به ستمکار است . "
- " سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به "
- " دشمنان اسلام است . ایران بیش از صد و پنجاه "
- " هزار معمم دارد ، آنهمه عالم ، مرجع ، حجة "
- " الاسلام و آیت الله دارد ، اگر اینان دسته جمعی "
- " اعتراض کنند ، مهر سکوت را بشکنند و این امضا "
- " را که با سکوت خود به پای جنایات دستگاه "
- " گذاشته اند ، بردارند آیا پیش نمی برنید ؟ "

لبیک گفته و پیشاپیش مردم به هدایتشان همت میگذارند و به عوض پرداختن به معلولها ، ذهن مردم را همچون امام خمینی به علت العلیل تمام نکتتهای حاکم بر جامعه ایران که همانا نظام شاهنشاهی و رژیم پهلوی و شخص شاه - بعنوان عامل درونی - و استعمار و امپریالیسم و صهیونیسم بین المللی - بعنوان عامل برونی - آگاه می ساختند ، و آتش ایمان را در درون وجودشان شعله ور می ساختند و بسوی کسب استقلال و آزادی ایران رهنمونشان میگشتند ، امروز مردم مسلمان ایران از امکانات وسیعتری جهت دست یافتن به استقلال و آزادی کامل برخوردار بودند .

اگر آن هنگام که رژیم جبار شاه صد ها میلیون تومان از سرمایه مردم محروم ایران را صرف جشن های ننگین دوهزاروپانصد ساله شاهنشاهی کرد ، سایر مراجع نیز هم فریاد با امام خمینی که فرمودند :

- " ملت مسلمان ایران موظفند از شرکت در این جشنهای "
- " غیر مشروع خود داری کنند و . . . از دائر کنند ." "
- " این جشنها بهر وسیله ممکن اظهار تنفروانزجار نمایند "
- " شرکت در این جشن ها ، شرکت در خون ملت ستم "
- " کشیده ایران است . برپا دارندگان این جشنها باید "
- " بدانند که منفور جامعه اسلام و ملت زنده دنیا "
- " میباشند . دنیای آزاد از آنان نفرت دارد . "

" دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت "
 " شریف و مسلمان ایران نیست و د اثرکننده و شرکت "
 " کننده " این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران "
 " می باشند . "

موضع خود را در رابطه با این عیاشیها و اعمال ضد انسانی و ضد اسلامی بیان میداشتند و مقلدین خود را دعوت به مقابله و نفی این جشن ضد انسانی و ضد اسلامی میکردند ، امروز رژیم شاه قادر نبود که هزاران نفر از طلاب کبیر علوم اسلامی و هزاران خواهر و برادر دانشجو و کارگر و دهقان و کسبه ، مجاهد راه خاک و خون کند و بر مزار شهدای راه حق و حقیقت به رقص و پایکوبی و جشن گرفتن دست یازد .

اگر آنروز که شاه با تأسیس حزب رستاخیز رسماً اعلام کرد که ایران یعنی زندان شجاع مردان و غیور زنانی است که شرف انسانی شان اجازه نمیدهد ، نظام ننگین شاهنشاهی را پذیرا شوند و رسماً اعلام کرد که توده مسلمان ایران یا باید طوق بردگی ظفوت عصر و فرعون زمان را برگردن نهد و خویشتن آزاد انسانی خویش را در پای آستان ذات شاهنشاهی قربانی کند و طبیعتاً دیگر نه خدا را قادر متعال و نه اسلام را مکتب هدایت کننده بداند و به عبارت دیگر خدا یگان آریامهر را خدا بداند و دیا لکتیک شاهنشاهی را مکتب اعتقادی ، و یا اگر میخواهد آزاد باشد و به عبارت دیگر مسلمان ، جایش در سیاهچالهای شاهنشاهی و وضعیتش شگجه شدن و به شهادت رسیدن است .
 اگر در چنین شرایط اختناقى سایر مراجع نیز به همراه قائد زمان امام خمینی فریاد برمی آورند که :

" نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلم "
 " شرکت در آن بر عموم ملت حرام و مکمل به ظلم و استیصال "
 " مسلمین است و مخالفت با آن از روشنترین موارد نهی "
 " از منکر است . "

"بر مراجع اسلام است که ورود در این حزب را تحریم"
 "کنند و نگذارند حقوق ملت اسلام پایمال شود"
 "بر خطبای محترم ، محصلین و طبقه جوان دانشگاهی"
 "و طبقات کارگر ، زارع ، تجار و اصناف است که با"
 "مبارزات پیگیر و همه جانبه و مقاومت منفی ، اساس این"
 "حزب را ویران کنند و مطمئن باشند که رژیم در حال"
 "فرو ریختن است ."

قادر بودند ، یقیناً با برخورداری از پشتیبانی توده های مستضعف ایرانی رژیم شاه را به زانو در آورند و زمینه 'شکوفائی حرکت رهایی بخش اسلامی ملت ایسران را فراهم آورند .

رژیم شاه مبدأ تاریخ ایران را از هجرت پیام آور آگاهی و آزادی و قدرت تغییر و براساس شاهنشاهی ذلت و ظلمت و جنایت پایه ریخت . هجرت پیام آور اسلام برای مسلمانان یک مفهوم و مقوله انتزاعی نیست ، بلکه مسلمان بدان به منزله 'هجرت از نا آگاهی به آگاهی ، از ذلت به عزت ، از اسارت به آزادی ، از شر به خیر ، از ستم به عدالت ، از ضعف به قدرت ، از خفتگی به بیداری ، از جمود و سکون به جهاد و شهادت و از شرک به توحید مینگرد و این امر را رژیم شاه خوب دریافته است که تا اسلام بر ایران حاکم است ، خواب راحت بدیده نخواهد دید و تا ارزشهای متعالی اسلام پیشروی توده های مستضعف ایرانی ، آنها را به آگاهی و ایمان و حرکت و آزادی میخواند رژیم هر لحظه در خطر سقوط و سرنگونی و فرو ریختن است و در این رابطه است که با استفاده از تمام امکانات که در اختیار دارد و با بکار بردن خشونت و قهر در حد اعلا ی خود میکوشد اسلام رهایی بخش را حذف کند و اگر نشد مسخ نماید و ارزشهای ذلت آفرین نظام شاهنشاهی را که استوار بر ظلمت و جنایت و غارت و شکجه و اسارت و بردگی و شرک است جایگزین آن سازد .

اگر آن هنگام که این جنایت (تغییر مبدأ تاریخ) صورت گرفت

سایر مراجع عظام نیز با راهگشای نسل ماویاسد از اسلام عصر ما
امام خمینی فریاد بر میآوردند که :

- " بر عموم ملت است که با استعمال این تاریخ جنایتکار "
- " مخالفت کنند و چون این تغییر هتک اسلام و مقدمه "
- " محو آن است خدای نخواستہ ، استعمال آن بر عموم "
- " حرام است و پشتیبانی از ستمکار و ظالم و مخالفت "
- " با اسلام عدالت خواه است . "

این جنایت صورت نمیگرفت . آنان که با سکوت خود تماشاگر عینیت یافتن
ننگین ترین جنایات شاهانه اند چگونه میخواستند در دادگاه عدل
الهی پاسخگو باشند ؟

واگرواگرواگر

این عدم توجه ها سبب شده است که رژیم ظلمتوی شاه
روز بروز گستاخ تر شود . با خشونت و صف ناپذیر مجاهدین
راه حق را ، سعیدی ها ، غفاری ها ، بدیع زادگان ها ، رضائی ها
صادق ها ، سعید محسن ها ، حنیف نژادها و و هزاران نفر
دیگر از پایمردان راه خدا را به قتلگاه کشاند و قربانی هوسهای
شیطانی خود کند . مجاهدین نستوهی همچون آیت الله
طالقانی ، آیت الله منتظری و صدها نفر دیگر از پاسداران اسلام
را به بند گیرد و تحت شدید ترین شکنجه ها قرار دهد .

واکنون که می بینند مراجع عظام باز هم کوچکترین خطری
احساس نمی کنند ، روزنامه های مزدور و نشر را مأمور فحاشی به قائد زمان
امام خمینی میکند .

ملت ایران لحظات پر تب و تاب و نابی را پشت سر میگذارد ، همه چیز در
شرف نابودی است ، ظلمت هر روز سنگین تر میشود ، اختناق هر لحظه
عمیق تر میگردد . با وجودیکه فرصت های عظیمی از دست رفته است ،
باز مردم مسلمان ایران علمای اسلام را مسئول میدانند و از آنها میخواهند
که یک دل و یک جهت ندای خمینی بزرگ را لبیک گفته و در مقابل نظام

طافوتی سلطنت قیام و اقدام کنند .

آری ، هنوز مردم مسلمان ایران از مراجع عظام قطع امید نکرده اند و هنوز به هنگام یورش دشخیم استبداد به ناموس ملت در خانه آنان را میکوبند . ما در قیام خونین و حماسه آفرین ۲۹ محرم الحرام ۱۳۹۸ برابر با ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ شاهد ایمن داد خواهی بودیم .

در راهی که خمینی بزرگ عمل کرد ، تنها عملکرد پیشگامانه مراجع عظام است که میتواند این امید را و این رابطه را گسترده تر و عمیق تر کند و اسلام را بر کسر پیروز گرداند . چه نیکو بود که در جریان قیام خونین ۱۹ دیماه (۲۹ محرم) مراجع عظام پیشتاز و پیشگام بودند .

اسلام در ایران تولدی دوباره یافته است ، و این نهال جوان میروید که به درختی تنومند تکامل یابد و پایه های نظام شاهنشاهی و ضد اسلامی را ویران سازد .

بر اساس رهنمونها و مجاهدتهای امام خمینی امروز بیش از هر زمان دیگر ، دانشجویان و متفکران اسلامی که در لباس روحانیت نیستند در کنار طلاب فداکار حوزه های علمی قرار گرفته اند . این پیوند مبارک که روز به روز عمیق تر و گسترده تر میگردد و روز بروز دانشگاههای ایران را به حوزه های علمی نزدیکتر میگرداند ، آینده ای بس درخشان به همراه خواهد آورد . تلاشهای مذبحخانه رژیم شاه در تفرقه اندازی بین طلاب فداکار و مجاهد که در طول تاریخ نشان داده اند که مرزبانان حقیقی استقلال و آزادی کشور و حامیان راستین اسلام اند و دانشجویان مسئول و آگاه که استعرا مبارزاتشان رژیم شاه را به زانو در آورده است ، هر روز بیش از پیش به رسوائی وسی اثری میانجامد . امروز دانشجویان دانشگاهها دست در دست طلاب علوم دینی در کنار توده های مستضعف ایرانی فریادشان به نشانه " نه " به " نظام شاهنشاهی " پایه های تخت و تاج شاه

را به لرزه در آورده است .

در این لحظات حساس تاریخی نیروهای مسلمان از طلبه، حوزه علمی تا دانشجوی دانشگاه ، از کسبه بازار تا دهقانان و کارگران و سایر اقشار و طبقات جامعه ایران می بایست متحد شوند و برحول اسلام محمدی و تحت زعامت خمینی بزرگ سرنگونی نظام منفور شاهنشاهی را تدارک بینند .

" اتحاد نیروهای مبارز مسلمان " در تشکیلاتی صد درصد استوار بر موازین اسلام و اتخاذ مواضع قاطع و صریح و منطبق با حقیقت (و نه مصلحت) ضامن پیروزی است .



ما در این مجموعه گزارشها و اعلامیه هائی را که تا این لحظه در رابطه با قیام خونین ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ (۲۹ محرم ۱۳۹۸) در قم و قیام خونین ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ (۱۸ ربیع الاول ۱۳۹۸) در تبریز بدستمان رسیده است ، گرد آورده و تقدیم می داریم .

آنچه در این مجموعه آمده است :

- ۱ - پیامهای امام خمینی بملت ایران و اهالی غیر آذربایجان بمناسبت قیام خونین قم و تبریز .
- ۲ - متن سخنرانی امام خمینی بمناسبت قیام خونین قم در نجف اشرف بتاريخ ۱ بهمن ۱۳۵۶ (۱۱ صفر ۱۳۹۸) .
این متن از نواری که در اختیار داشته ایم استخراج گردیده و تنظیم شده است .
- ۳ - دو گزارش از قیام خونین قم و یک گزارش از قیام خونین تبریز .
این سه گزارش را از ایران دریافت داشته ایم و بدون هیچ تغییری (حتی از نظر انشائی) بانتشار آنها در این مجموعه اقدام نمائیم .

۴ - اعلامیه های آیات عظام آقایان مرعشی نجفی ، شریعتداری ، گلپایگانی و وحید .

ما بایشان که دعوت مردم را بلیک گفته اند خوش آمد میگوئیم و امیدواریم که از این پس مبارزه آشتی ناپذیر و همه جانبه ای را علیه رژیم طاغوتی پهلوی آغاز نموده و ادامه دهند . تا کون اگر تصور میکردند که با سکوت و سالمیت و حتی عدم شرکت در کارهای حکومت ، رژیم پهلوی متنبه میشود و براه درست باز میگردد !! اکنون هرگونه وهمی از بین رفته و ماهیت واقعی رژیم پهلوی اظهر من الشمس شده است و نابودی آن فریضه ای است برای هر مسلمان در هر مکان و هر مرحله .

۵ - اعلامیه های طلاب حوزه علمی قم ، دانشجویان دانشگاهها ، جنبش مسلمانان ایران ، اساتید و فضلاء حوزه علمی قم و تهران ، جمعیت ایرانی دفاع از حقوق و آزادی بشر و بازاریان .

۶ - نامه ای از بازار تهران .

این نامه را نیز بهمان گونه که از بازار تهران بدستمان رسیده است ، در این مجموعه آورده ایم .

گرامی باد خاطره همه شهیدان قیامهای قم و تبریز
پیروز باد وحدت و تشکل نیروهای مبارز مسلمان
درود بر امام خمینی
سرنگون باد نظام شاهنشاهی

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۶ (۱۰ ربیع الثانی ۱۳۹۸)

پیام امام خمینی بملت شریف ایران

بمناسبت قیام حماسه آفرینان قم

پیام امام خمینی باهالی غیور آذربایجان

بمناسبت قیام حماسه آفرینان تبریز

متن سخنرانی امام خمینی

بمناسبت قیام حماسه آفرینان قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام به روحانیت مترقی شیعه که باهم پیوستگی زائد الوصف در مقابل سرنیزه، عمال بن حیثیت اجانب ایستاده و از هیاهو و دست و پا زدنیهای مذبحخانه آنها نهراسید، سلام به روحانیت و علما، اعلام مذهب از نجف اشرف تا سراسر ایران که با وحدت کلمه در مقابل استعماران و چپاول گران به جواب مثبت دست زدند، درود بر جوانان غیور حوزه علمیه قم و سایر حوزه ها که با سرفرازی به نهضت روحانیت ادامه و رونق دادند، درود بر جوانان پرشور آگاه دانشگاههای ایران که با قیامهای هوشیارانه پیاپی وفاداری خود را به اسلام بزرگ و کشور عزیز خود ثابت کردند، سلام و درود بر ملت بزرگ و هوشمند ایران که با همه اختناق و فشار از اسلام عزم پرور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند، رحمت خداوند بر مقتولین پانزده خرداد دوازده محرم و نوزده دی و بیست و نه محرم اصسال محرم چه ماه مصیبت زنا و چه ماه سازنده و کوبنده ایست. محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیا خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظلم و شکست استعمار را به فدائی دادن و فدا شدن دانست و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملت ها تا آخر دهر.

نهضت دوازده محرم، پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانسی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحریک و فداکاری روزگار را برستمکاران و خائنان سیاه نمودند و ملت بزرگ را چنان هشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه پرستان ربود و حوزه های علمیه و دانشگاهها و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالت خواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. نهضت اخیر که پرتوی از نهضت

پانزده خرداد است و شعاعش در سراسر کشور نور افکنده خود کوبندگی خاصی دارد که شاه را از خود بیخود کرده و او و دارودسته چاقوکشش رابه تلاش مذبحخانه وارد شده ، جنایات بیست و نه محرم امسال نقطه عطفی است به جنایات شاهانه دوازده محرم آن سال . شاه خواست ضرب شستی به ملت مسلمان نشان دهد . پس از تمامیت حساب با رئیس جمهور امریکا با بهانه مختصری که مأمورین ایجاد کردند مرکز تشیع و حوزه فقهات اسلام را در جوار مرقد پاک فاطمه معصومه سلام الله علیها به مسلسل بست و جمعیت بی گناه فراوانی از جوانان حوزه علمیه و متدینین غیر شهرمذهبی قم را در خاک و خون کشیده به قتل رساند و تاکنون آمار آنها در دست نیست و مقتولین را از هفتاد تا سیصد نفر تا حال گفته اند و عدد مجروحین را خدا میداند و اسف آورتر - که ننگش برجبین آنها خواهد ماند - آنکه کسانی که رفته اند خون به مجروحین در بیمارستان ها بدهند توقیف کرده و مانع شده اند از اعطاء خون و گفته میشود کسانی به این جهت جان داده اند شاه میخواهد ثابت کند که نوکری او تحکیم شده و ملت نباید گمان کند از پشتیبانی اجانب برخوردار نیست ولی ملت ما با تظاهرات عمومی و تعطیل سرتاسری دامنه دار و اظهار تنفر بار دیگر ثابت کرد که او را نمی خواهد و از او و خاندانش بیزار است .

و این رفتارند طبیعی سرتاسری در حقیقت خلع او از سلطنت غاصبانه جابرانه است . کارتر و دیگر غارتگران مخازن ملت های مظلوم باید بدانند محمد رضا خان خائن و یلغی است و ناچار از سلطنت مخلوع است ، بر فرض قانونی بودن ، چه رسد به سلطنت انتصابی از قبل اجانب ، که خودش اعتراف نموده . به ملت شریف ایران مزده میدهم که رژیم جائرانه شاه نفسهای آخرش را می کشد و این قتل عامهای بیرحمانه نشانه وحشت زدگی و حرکاتی مذبحخانه است مضحك و بسیار رسوا این مانورهای وقیحانه و چچه گانه است که پس از داغ باطله از طرف عموم ملت خوردن براه انداخته اند و مشتکی سازمانی و ارازل و اوپاش از خودشان و جمعی ضعفا و بیچارگان را با زور سرنیزه از اطراف جمع آوری و در شهرها بفریاد و جنجال جاوید شاه وارد میکنند و گمان میکنند جبران تعطیل عمومی بازار است و با این سیلیها میتوانند صورت سیاه خود را سرخ کنند .

من به ملت ایران با این بیداری و هوشیاری و با این روحیه قوی و شجاعت بی مانند نوید پیروزی میدهم پیروزی توأم با سربلندی و افتخار پیروزی توأم با استقلال و آزادی ، پیروزی توأم با قطع ایادی اجانب و چپاول گران ، پیروزی با برجیده شدن بساط مستمکاران و انقراض دودمان سیاه روی پهلوی ، ملتی که با هوشمندی و پیوستگی همه طبقات از روحانی تا دانشگاهی از منبری تا بازاری از انشجوی داخلی تا خارجی از کارگران تا دهقانان به پا خواسته و تب و تاب اسلام عدالت پرور دارد پیروز است. ملتی که با دادن بهترین جوانان برومند خود با سرافرازی به مخالفت و تنفر از دستگاه جبار ادامه میدهد پیروز است ، ملتی که حتی بانوان محترمش با تظاهرات محبوبانه بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام میکنند پیروز است ، ملتی که مادران و خواهران شیردلش افتخار به مرگ جوانان برومندش میکنند که در صف شهدا هستند پیروز است ، ملتی که جوانان و دانشجویان داخل و خارج کشورش مجال تفکر را از شاه و اربابانش سلب کرده پیروز است ، ملتی که با همه تشبثات شاه و دارو دسته اش در امریکا با تظاهرات پرشور و رعد آسای جوانان رشیدش در مقابل کارتر و شاه ، کاخ سفید را به لرزه درآورده و تنفر خود را نشان آنها کرده پیروز است ، ملتی که پشتیبانش اسلام و قرآن و نهضتش برای خدا و بسط عدالت و محو مستمکاری است پیروز است ، شما ای ملت شریف بزرگ پیروزید ، با دیدن خسارات بسیار و دادن فدائیان بیشمار .

روسیاه باد رژیم که علماء عظیم الشان اسلام را با رژیم منحط خود و انقلاب خونین رسوای خود موافق معرفی میکند .
رسوای باد رژیمی که از وحشت زدگی میخواهد با افتراء به فقهاء مذهب ملت را لغفاله کند .

ملت ایران که پیشرو آن روحانیت است با انقلاب قلبی که به امر اجانب سودجو انجام گرفت سرسختانه مخالف است . ملت ایران اصلاحات ادعائی را که به بدبختی ملت و بازار سازی برای اجانب به ورشکستگی زراعت منتهی شد افساد و خرابکاری میداند . در کشوری که مردمش در این پنجاه سال

حکومت جائزانه، پهلوی روی آزادی ندیده‌اند، دم‌زدن از آزادی زن‌ها
 مسخره و لغفال است، رژیمی که در مأموریت برای وطنش از جانب
 اجانب سرلوحه، خدمتش محواسلام و احکام آن است و با تغییر تاریخ
 پرافتخار اسلام به تاریخ ستمکاران و روسیاهان تاریخ می‌خواهد اسم اسلام
 را محو کند، دم‌زدن از اسلام و قرآن کریم جز فریب و مضحکه‌عنوانی ندارد،
 باید این رژیم فاسد ارباب و نوکری بداند که وقت‌گذشته و این تبلیغات
 تارنکیوتی نمی‌تواند ملتی را که با کمال‌بیداری و هوشمندی به پاخاسته
 لغفال کند، خدای تعالی و اسلام عزیز پشتیبان ملت است.

من با کمال تواضع دست‌خود را به سوی ملت نجیب ایران دراز میکنم
 از روحانیون عظیم الشان تا خطباء، ارجمند از جوانان محترم حوزه‌های
 علمیه تا دانشجویان دانشگاهها از بازاریان محترم تا کارگران و دهقانان
 و جناحها و طبقات محترم داخل و خارج کشور ایدهم الله تعالی و از همه
 صمیمانه و با عرض تشکر خواستارم که پیوستگی و وحدت کلمه خود را حفظ و از
 مناقشات تفرقه‌انداز احتراز نمایند و با صدای واحد و ندای همگانی در راه
 استقلال کشور و قطع‌ایادی اجانب و عمال وابسته آنها کوشش کنند و با انکا
 به خدای تعالی و احکام عدالت پرور اسلام همدست و همدستان شوند
 و با آنها که از چها چوب قانون اساسی دم‌میزنند تذکر اکید دهند که با
 این کلمه صحه به رژیم سلطنتی فاسد موجود نگذارند که تا این دودمان
 فاسد بر مقدرات کشور حکومت میکند، ملت ایران نه از اسلام بهره‌منند
 میشود و نه از آزادی و استقلال کشور خبری است و نه مردم روی سعادت
 می‌بینند. از خدای تعالی عظمت اسلام را که کفیل وحید عدالت
 و استقلال و مدافع حقیقی مظلومان است خواستار و ملت‌ایران
 خصوصا جوانان متدین برومندش را به خدای تعالی می‌سپارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

۱۲ شهریور ۹۸ روح الله الموسوی الخمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۹ ربیع الاول ۹۸

سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز ، درود بر مردان
برومند و جوانان غیرتمند تبریز ، درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار
خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد مرگ بر شاه خط بطلان بر
گزافه گوئیهای او کشیدند .

زنده باشند مردمان مجاهد عزیز تبریز که با نهضت عظیم خود
مشت محکم بردهان یاوه گویانی زدند که بابوق های تبلیغاتی انقلاب خونین
استعمار را که ملت شریف ایران با آن صد در صد مخالف است انقلاب سفید
شاه و ملت مینامند و این ونوکر اجانب و خود باخته مستعمرین را ، نجات
دهنده ، کشور می شمارند . مردکی نجات دهنده ، کشور است که مخازن بزرگ
ثروت این ملت مظلوم را در دستی تقدیم اجانب نموده و آن پول ناچیز
را که میگیرد تقدیم میکند و در مقابل آهن پاره هائی میگیرد که هیچ دردی از
ملت را دوا نمیکند . آن شخص نجات دهنده است که با مصونیت دادن اتباع
اجانب ، کشور را از حیثیت ساقط و به شکل مستعمره ای عقب افتاده در
آورده است . مردکی حافظ آزادی ملت است ، که در سرتاسر کشور
احدی را حق یک کلمه حقوقی و انتقاد نمیدهد و پلیس ننگینش بر سر این
ملت مظلوم سایه افکنده . شاهی عدالت گستر است که در هر چند گاهی با
قتل عام ، ملتی را به عزا مینشانند .

من نمیدانم با چه زبان با اهالی محترم تبریز و به مادران دغدیده
و پدران مصیبت کشیده تسلیم بگویم . با چه بیان این قتل عامهای پی
در پی را محکوم کنم . من از مقدار جنایات و عدد مقتولین و مجروحین اطلاع

صحیح ندارم ولی از بوق های تبلیغاتی معلوم میشود که جنایت ها بیشتر از تصور ماست . با این وصف شاه افراد پلیس را که به قتل عام بدلخواه او دست نزده اند بمحاکمه میخواهد بکشد . خاطره بسیار اسف انگیز قم هنوز ما را در رنج داشت که فاجعه بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمی را رنج داد و ما را به سوگ نشاند . من شما اهالی معظم آذربایجان نوید میدهم ، نوید پیروزی نهائی . شما آذربایجانیان غیور بودید که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی و خود سسری سلاطین جور بپاخاستید و فداکاری کردید . استبداد محمد رضاخان پهلوی و پدر روسیاهش روی سلاطین مستبد را سفید کرد . تاریخ ایران بیاد ندارد اینچنین سفاکی و قتل عام بی دربی را که به دست این یلغی سفاک انجام میگردد . تاریخ مشروطیت بیاد ندارد اینچنین مجلس سنا و شوری را که اهالی محترم متدین آذربایجان را مشتق اوپاشوبی دین معرفی کند . از مجلسی که دست نشانده شاه است بیش از این توقع نیست . اکنون بعد از آنهمه کشتار و جنایات تبریز و آنهمه خونخواریهای شاه مشتقی سازمانی را با کارگران مجبور با سرنیزه درگوشه و کنار کشور براه انداخته تا با عوبده کشیدن و بنفع دستگاه جنایت و خیانت تظاهرات براه انداختن لکه های ننگ را از سروصورت این مستبد خونخوار شستشو کنند ، غافل از آنکه با آب زمزم و کوشر هم محو نخواهد شد . تاریخ رنجهای ملت و ستمکاری و جنایات این پدر و پسر را ضبط کرده و در فرصتی منتشر خواهد کرد . من الان که مشغول نوشتن این غم نامه هستم نمیدانم که به برادران عزیز تبریزی ما چه میگردد . آیا شاه به جنایات خود ولو موقتا خاتمه داده است یا نه و یا میخواهد پس از آن قتل عام باز ماندگان را چنان سرکوب کند که نفس ها قطع شود . لکن باید بداند که دیر شده . ملت ایران راه خود را یافته و از پای نمی نشیند تا جنایتکاران را بجای خود بنشانند و انتقام خود و پدران خود را از این دودمان سفاک بگیرد . با خواست خداوند قهار اکنون در تمام کشور صداهای ضد شاهی و ضد رژیم بلند است و بلند تر خواهد شد و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند برای انتقام از

این ضحاک زمان باهتزاز خواهد. در آمد و ملت اسلام يك دل و يك جهت به پاس از مکتب حیات بخش قرآن آثار این رژیم ضد اسلامی و مروج زرتشتی را محو خواهد کرد، الیس الصبح بقریب. اهالی معظم و عزیز آزادریاچان اید هم الله تعالی بدانند که در این راه حق و استقلال و آزادی طلبی و در حمایت از قرآن کریم تنها نیستند. شهرهای بزرگ چون شیراز، اصفهان، اهواز، و دیگر شهرها و مقدم از همه قم مرکز روحانیت و پایگاه حضرت صادق سلام الله علیه و تهران بزرگ با آنها همصد و هم مقصد و همه در بیزاری از دودمان پلید پهلوی شریک شمایند. امروز شعارها در کوجه و برزن هر شهر و هر ده مرگ برشاه است و هرچه عمال کثیف کوشش میکنند که جنایات را از مرکز اصلی که شاه است منحرف و بدولت یا مأموران متوجه کنند، کسی نیست که باور کند. عجب آنکه از قرار سموع هیأتی از دستگاه بآذربایجان آمده است که بی خبری شاه را از این جنایات اعلام کند و آنکس که احتمال آنرا بدهد، کیست؟ جز سازمانیها و اعضا مجلسین، که آنها هم احتمال نمیدهند و تظاهر بخلاف میکنند.

از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین و رفع شرار و محو آثار این دودمان را خواهانم.

والسلام علیکم ورحمة الله
روح الله الموسوی الخمينی

بتاریخ ۱۹ ربیع الاول ۱۳۹۸ مطابق با ۸ اسفند ۱۳۵۶

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

من متحیرم که این فاجعه ی بزرگ را به چه کسی تسلیت بگویم؟ آیا برسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و بحضرت حجت سلام الله علیه تسلیت بگویم؟ یا بامت اسلام، بمسلمین و بمظلومین در تمام اقطار عالم؟ یا بملت مظلوم ایران و یا باهالی محترم قم - داغ دیده ها - و یا بپدرها و مادرهای مصیبت دیده تسلیت بگویم؟ و یا بحوزه های علمیه و علمای اعلام تسلیت بگویم؟ به چه کسی باید تسلیت گفت؟ و از چه کسی باید تشکر کرد؟ در این قضایائی که برای اسلام پیش می آید، ملت بیدار ایران در مقابل این مصیبتها استقامت میکند، کشته می دهد، هتک می شود.

بی جهت و بدون هیچ مجوزی مردم را بلسلسل بسته اند، و تا کنون آنچه بما اطلاع داده اند، گرچه مختلف است، لکن بعضی خبرگزاریهها هفتاد نفر و بعضی صد نفر و غالباً که بما تذکر داده اند صد، دویست و پنجاه نفر و در بعضی تلگرافهایی که از اروپا و امریکا رسیده است عدد را سیصد نفر نوشته اند. و باز هم معلوم نیست. عدد مجروحین هم تا الان معلوم نیست. بعد لابد احصائیه پیدا می کند، اگر مثل پانزده خرداد مردم را به دریاچه حوض السلطان نریخته باشند، و اگر بتوانند آمار پیدا کنند. گفته شد و تأیید هم شد که: اشخاصی رفته اند

که خون خودشان را با فرادی که در مرخص خانه ها محتاج خون بودند، بدهند آنها را گرفته اند، و بعضی از آنها تیکه خون بهشمان نرسیده است، مرده اند. کشته ها را به صاحبانشان نداده اند. اگر کسی هم اصرار میکرده است، میگویند: ۵۰۰ تومان میگرفته اند، برای اینکه او را کشته اند.

ما باید از چه کسی تشکر کنیم و به چه کسی تسلیت بگوئیم؟ ما باید از ملت ایران تشکر کنیم، ملت بیداری است، ملت هشیباری است، ملت مقاومی است در مقابل ظلم. در عین حال که اینهمه ظلم می بیند و اینهمه کشته می دهد مقاومت می کند، ایستادگی می کند. و این ایستادگی به نتیجه خواهد رسید. بعد از آنکه ملتها بیدار شدند، و بعد از آنکه حتی زنها برضد دولت و برضد این جباران قیام کردند، یک چنین ملتی پیروزی شود انشاء الله. من شنیده ام که مرحوم مدرس به رضاخان، پدر این خان، گفته بوده است که شنیده ام که شیخ الرئیس گفته است: "من از گاو میترسم برای اینکه اسلحه دارد و عقل ندارد." این حرف اگر از شیخ الرئیس هم نباشد، حرفی است حکیمانه. اسلحه وقتی بدست اشخاص غیر صالح و ناشایسته افتاد، چه مفاسدی که بالا میآورد. از اول بشر مبتلا به همین مشکل بوده است که اسلحه در دست ناصالح بوده است. از اول که بشر بخیال خود تمدن پیدا کرده است، اسلحه ها در دست ناصالح ها بوده است و همه مشکلات بشر همین است. تا این اسلحه دارهای ناشایسته خلع سلاح نشوند، کار بشر سرانجام پیدا نمی کند. انبیا هم آمدند کتسه این اسلحه دارهای بی صلاحیت و بی عقل را خلع سلاح کنند و نتوانستند. آنها قتلدر بودند. در هر عصری هم اشخاص لایق میخواستند، این اسلحه را از نالایق ها بگیرند و خود در دست بگیرند، موفق نشدند. اسلحه در دست نالایق ها و بی عقل ها و غیر صالح ها بودن معنایش همه این مشکلاتی است که شما ملاحظه میکنید. از اولی که بشر

در دنیا بوجود آمده است و باب تنازع بین صالح و غیر صالح پیدا شده است ، در همه این دوره ها اسلحه ها در دست غیر صالح ها بوده است ، مگر بسیار کم ، بسیار نادر . و با این اسلحه ها چه جنایتهای که واقع شده است . ما به آن تاریخ های خیلی دور نمیرویم . این جنگهاییکه اخیرا ، یعنی در این صد سال اخیر در دنیا اتفاق افتاده است ، جنگ اول جهانی ، جنگ دوم جهانی ، این جنگهایی که در ویتنام در ایمن و اواخر اتفاق افتاد ، این کشتارهایی که از مردم شد ، برای این بود که اسلحه ها در دست غیر صالح ها بود و ناشایسته ها اسلحه ها را بدست داشتند .

این خون ریزی هایی که در این پنجاه سالی که مابین داریم - وجه تلخی ها که از این پنجاه سال در ذائقه ما هست - و کمی از شعاب یاد دارید ، یا هیچیک از شما این قضایایی که در این پنجاه سال سلطنت غیر قانونی این روسیاه ها واقع شده است ، بیاد ندارید . ما که سمنان بکسولت رسیده است شاهد سیاه بختی های مردم و جنایات و کشتارهایی که این قداره بندهای غیر صالح انجام داده اند ، بوده ایم .

از اول که آن کودتای اول واقع شد و ما آن وقت در اراک بودیم ، بر حسب چیزهایی که در رادیوهای آن وقت ، بعد از اینکه جنگ دوم شروع شد ، گفتند ، مردم تا حدودی میدانستند و لکن درست نه . تبلیغات سو - نیم گذاشت که مردم بفهمند . لکن بعد از آنکه آن شخص را ، آن آدم سیاه روی را ، رضا خان را از ایران بیرون کردند ، در رادیو دهلسی گفتند که : " ما او را سرکار آوردیم و چون خیانت کرد او را بر داریم . رضا خان را از اول انگلیسهای جنایتکار ، انگلیسهای غیر صالح که اسلحه در دستشان بود ، اسلحه دار کردند و این آدم ناشایسته بی اصل را با اسلحه آوردند و بسر مردم مسلط کردند . چه جنایاتی ! چه جنایاتی ! در مدتی که آن مرد سیاه روی سرکار بود صورت گرفت . نمیشود تصویر کرد . نمیتوانیم تلخی های آن روزها را برای شما تشریح کنیم . این مطالب بطور اطمینان در تواریخ محفوظ است و انشاء الله با انقراض این دودمان

سیاه روی ، تاریخها و نوشته ها بیرون میآید و انشاء الله شماها را ببینید و اگر ماها و شماها ندیدیم ، نسلهای بعد خواهند دید . اگر بتوانند تشریح کنند ، آن جنایاتی را که آن مرد کرد . چه خونها ریخت ، چه قدر از علما را اسیر کرد ، چه قدر با اسم اتحاد شکل ، بایسن ملت بیچاره فشار آوردند و چه قدر مظلوم ها را کتک زدند و چه قدر علما را هتک کردند و چه قدر عمامه ها را از سر اهل علم برداشتند . آن مرد بی صلاحیت وقتی به ترکیه رفت ، آنجا دید که آتاترک چنین کارهایی و چنین غلطهایی کرده است . از همانجا ، از قراری که آنوقت میگفتند ، به عمال خودش تلگراف کرده است که مردم را متحد الشکل کنند ، منتها بعد اینکسه زارمین از باب اینکه در آفتاب میخواهند کار کنند ، کلاه لبه دار داشتند باشند تا اینکه در آفتاب از پیت نشوند . لکن مطلب معلوم بود که اینها نیست . وقتی هم که از سفر آمد فشارها شروع شد . یک رشته فشارهای زیاد بدنبال همین اتحاد شکل بود . چه قدر علما را در این قضایا از پیت کردند ، تبعید کردند و بعضی را کشتند . جنایت دوم که باز بتقلید از آتاترک بی صلاحیت ، آتاترک مسلح غیر صالح انجام داد ، قضیه کشف حجاب با آن فضاحت بود . خدا میداند که در این کشف حجاب بر ملت ایران چه گذشت . اینها حجاب انسانیت را پاره کردند . خدا میداند که اینها چه مخدراتی را هتک کردند و چه اشخاصی را هتک کردند . علما را با سرنیزه وادار کردند که با زنهایشان در مجالس جشن ، جشنی که با خون دل مردم و با گریه تمام میشد ، شرکت کنند . مردم دیگر را هم بهمین ترتیب ، دسته دسته دعوت میکردند و الزام میکردند که باز نهیهای خود جشن بگیرند . آزادی زن این بود که مردم محترم را ، بازرگانان محترم را ، علما را ، اصناف را ، با اسم اینکه خودشان جشن گرفته اند ، با سرنیزه و پلیس الزام و اجبار میکردند که در جشنها شرکت کنند . در بعضی از جشنها - با اصطلاح خودشان - آنقدر مردم گریه میکردند که شاید اگر آنها حیاتی داشتند ، باید از این جشنها پشیمان میشدند . یک رشته دیگر هم ، جلوگیری از منابر و جلوگیری از روضهخوانی و خطابه بهر عنوان بود . در تمام ایران شاید گاهی اتفاق افتاد که در

عاشورا يك مجلس نبود . بعضی از اشخاص که قدری جرأت داشتند ، نصف شب ، آخر شب ، سحر مجلسی داشتند که اول اذان تمام می شد . همه ایران را از این فیض و از اینکه حتی ذکر مصیبتی و ذکر حدیثی بشود محروم کردند .

این برای اینستکه اسلحه در دست بی عقل بود . افاضل باید اسلحه دار باشند . اگر اسلحه در دست نا صالح باشد ، آنوقت این مفاسد از آن پیدا میشود و آن جنایات و کشتار عامی که در مسجد گوهرشاد واقع شد . که بدنبال آن علماء خراسان را گرفتند و به تهران آوردند ، حبس کردند ، علماء بزرگ را حبس کردند ، بعضی از ایشان را محاکمه کردند و بعضی از ایشان را هم کشتند . اسلحه در دست بی عقل بود . علماء اصفهان و علماء آذربایجان بمجرد اینکه کلمه ای گفتند ، نهضتی کردند ، ایشان را گرفتند و تبعید کردند . علماء آذربایجان مدتها ظاهرا در سنقر تبعید بودند . مرحوم حاج میرزا صادق آقا رحمة الله علیه تا آخر عمر هم به تبریز نرفت . آنچه در زمان این مرد خبیث کردند ، قابل ذکر نیست . من که حافظه ندارم ، اگر کسی هم حافظه داشته باشد ، با یک مجلس و دو مجلس نمیشود این مصائب را ذکر کرد .

در زمان شما هم که مبتلای باین شاهزاده بی عقل شده اید ، گمان نکند که در ایران بدون اذن شاه حتی یک تفنگ بطرف یک آدم گرفته شود . گمان نکند که رئیس نظمیة قم ، رئیس سازمان قم ، رئیس پلیس قم ، چنین جرأتی داشته باشد که بطرف مردم تفنگ بگیرد ، شلیک کند . هیچ عاقلی نباید این مطلب را گمان ببرد . تمام اینها گزارش داده میشود که وضع اینطور است و تصریحا خود این خبیث باید دستور بدهد ، که بزنید . در روز پانزده خرداد خود این خبیث ، از قراری که گفتند ، در طیاره ، در هلیکوپتر ، چرخ میزد و فرمان میداد . آیا فرمان میداد که به لشکرهای خارجی ، به لشکرهاشی که به ایران هجوم آورده اند ، حمله کنند ؟

این بی عرضه ها که در مقابل سلاطین یا در مقابل رئیس
جمهورها ، خصوصا رئیس جمهور بالفعل امریکا ، اینقدر خاضع اند
و اینقدر چاپلوسند و خودشان را وابسته و پیوسته به ایشان میدانند
و قتیکه بر جمعیت خودشان وارد میشوند ، چون مسلط هستند ،
آنان را از بین میبرند . آنجا دستبوسی میکنند و چاپلوسی و
و قتیکه به ملکیت خودشان میرسند ، شروع میکنند بکارهای هرزگی .
من قبلا ، قبلاکه میگفتند آزادی هائی داده اند ، همینجا
این مطلب را به آقایان عرض کردم که اگر این آدم نوکری خودش را بسا
جیبی کارتر پلید تحکیم کند ، این دفعه یک سیلی ای بصورت مردم
بزنند که بالاتر از همیشه باشد . لکن ما نمیدانستیم که بایسن
زودی و بلا فاصله بعد از اینکه حسابش را با کارتر تمام کرد و نوکری اش
را تثبیت کرد ، بهانه درست کند که ضرب شست نشان دهد .
در قم بهانه درست کردند و الا آنطوریکه همه نقل میکنند ، غیر از
مطبوعات خودشان ، بنا باظهار اشخاصی که در آنجا بودند ، مردم
با آرامش میخواستند به علماء عرض حال بنمایند . یکفر از بین
آنها - از خودشان - سنگی زده و جایی را شکست و شروع کردند
به تیراندازی کردن . پانزده خرداد هم همینطور بود . پانزده خرداد
هم البته مردم برای مصالحی قیام کردند ، لکن شلوغکاری در کار
نیود . اینها خودشان در تهران یک دسته ای را براه انداختند و
کتابخانه ای را آتش زدند و دکانی را خراب کردند . بهانه درست
کردند و با بهانه مردم را به مسلسل بستند . این جنایات اخیر
هم با بهانه واقع شد . و الا مردم که نمیخواستند جنگ
بکنند . کسیکه اسلحه ندارد با یک گاو اسلحه دار نمیتواند جنگ
بکند . جنگی در کار نبود . لکن ایشان باید بفهماند که من
دیگر آن آدمی که قبلا بود ، نرفته و ملاقات نکرده بود ، نیستم .
من ملاقات کردم . من کارم را درست کردم . من نوکری را تحکیم
کردم . شما حق ندارید ، خیال کنید که من وابسته نیستم ، خیر

من وابسته ام ، من میکشم .

این "اُتلم ها و اُردلم ها" برای همین است که میخواهد مردم ضرب دست نشان دهد که مبادا يك وقتی خیالی بکنند . لکن بدخواند ه بود . نمیدانست که با این کشتار چه فضاحتی بسرش میآید . آدمی که میگردد يك ملت تمامشان با من موافقت و همه به این انقلاب سفید خونین رأی داده اند ، مردم سرتاسر ایران برضد او قیام کردند . از قم و تهران شروع شد و رفت تا خراسان و آذربایجان و از آنطرف تا کرمان و اهواز و آبادان .

سرتاسر ایران قیام کردند برضد او ، اشخاصی که او ادعا میکرد همه با من موافقت ، همه ما را میخواهند ، ملت ما را میخواهد . اگر يك روز این سرنیزه امریکا از سر این ملت برداشته شود در خود دربار پوست این آدم رامیکنند ، در خود دربار ، يك روز . يك چنین تجربه ای را آقای کارتر بکشد ، رها کند این ملت ضعیف را ، رها کند این مردم را .

این سازمانهایی که بگوش ما میرسد ، سازمان مثلا چه و کذا ، همه اش بازی است . قانونیتی در کار نیست که سازمان امنیت باشد ، یا امنیت عمومی باشد . اینها همه برای بازی دادن مردم است . نظیر کمونیستی می ماند . کمونیستی يك مخدری است برای مردم ، نه چینی است که حل عقده ای کند . مگر میشود کسی که خودش آدم نیست برای آدمها کار بکند ؟ مگر میشود يك مسلح غیر صالح برای مردم ضعیف کار کند ؟ من خودم شاهد این قضیه بودم که وقتی در همین جنگ عمومی که بنا بود سران لشکرها و سران دول در ایران با هم ملاقات کنند ، استالین آنوقت رئیس شوروی بود . این استالین که حالا هم عکس هایش را می اندازند ، گرچه اخیرا دیگر آبرویی ندارد . آن دو تنی دیگری که یکی شان از امریکا و یکی شان از انگلستان بود ، اینطور که نقل میکردند بطور عادی آمدند و رفتند به سفارتخانه های خودشان . بنا بود در تهران يك جلسه ای داشته باشند . لکن استالین که همه با او برادر میگفتند

و همه میگفتند ما همه با هم مثل هم هستیم و برای مردم دلسوزی میکرد و باوقار داشت میگفتند ، اینطور میگفتند که حتی گاوی را که از آن شیر میخواهد بخورد ، همراهش آورده اند که مبادا از گاوهای ایران شیر بخورد . طیاره ای که حامل خودش بود ، حامل گاو هم بوده است . هم او اسلحه داری عقل و هم خودش اسلحه داری عقل . بلکه خدا میداند که او بدتر از آن رفیقش بود .

این را من با چشم خود دیدم . دربین راه خراسان از شاهرود و یا قدری جلوتر که منطقه شوروی بود ، من خود دیدم ، ماسادر اتومبیل بودیم و میرفتیم برای زیارت . سربازهای اینها میآمدند جلوی اتومبیل ها گدائی میکردند . وقتی يك دانه سیگار به یکی از آنها میدادند ، آنقدر خوشحال میشد که دستش را به پشتش میگذاشت و شروع میکرد به سوت زدن .

کونیستی برای اینست که مردم را بازی بدهند . مگر میشود کسی بمبادی غیبی اعتقاد نداشته باشد و در فکر مردم باشد ؟ و در فکر اصلاحات باشد ؟ اینها همه بازی است . این اسلحه دارها گاهی با کتک و گاهی با تبلیغات ، توأم با هم ، کار خود را پیش میبرند . الان هم می بینید که مردم را زده اند و کشته اند و اینهمه جنایات وارد کرده اند ، اما حالا تبلیغات را ببینید چه میکنند ؟ تبلیغات دست خودشان است . همه گناهان را بگردن مردم میاندازند . کشته ها هم شش نفر بوده اند ! ! که چند تایشان زیر دست و پای مردم رفته اند و همچون وانمود میکنند که از طرف آنها جنایتی واقع نشده است ! اینها تبلیغات دست خودشان است . از یک طرف اینطور تبلیغات میکنند و از طرف دیگر آنطور کشتار میکنند . تمام این مفاصد بدلیل اسلحه دار بودن غیر صلحا است .

اسلام ، خدایش عادل است ، پیغمبرش هم عادل است و معصوم ، امامش هم عادل است و معصوم . قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد . فقیه اش هم معتبر است که عادل باشد . شاهد طلاقش هم

معتبر است که عادل باشد ، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد ، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد . از ذات مقدس کبریا گرفته است تا این آخر ، زمامدار باید عادل باشد . ولاتشان هم باید عادل باشند . این ولاتی که در اسلام باطراف میفرستادند ، امام جماعت هم بوده اند . همه عادل ، اگر عادل نباشند ، اگر عدالت در بین زمامداران نباشد ، این مفاسدی پیش میآید که می بینید . اینها تعام برای اینستکه اسلحه در دست اشخاص غیر صالح ، اسلحه در دست اشخاص ناصالح ، اشخاص بی انصاف و بی عدالت است . آنان از طرف آدم میکشند و از طرف دیگر از عدالت اجتماعی دم میزنند . از يك طرف بزنان فشار میآورند که باید بی حجاب شوند و از طرف دیگر از آزادی نسوان دم میزنند . اینها مضحکه است ، این آزادی مضحکه است ، آزادی نیست . از سوئی اصلاحات ارضی را پیش میکشند و از سوی دیگر بازار برای امریکا میسازند . نتیجه ، اصلاحات ارضی این شد که در ملکتی که يك گوشه از آن قادر بود آذوقه تمام ملکت را تأمین کند و بقیه محصول میبایست بخارج صادر میشد و پول میآورد ، حالا به هرچه دست میزنیم میگویند باید از خارج وارد شود آنوقت افتخار هم میکنند و میگویند : مائیم که گندم از خارج آوریم ، جو از خارج آوریم پرتقال از خارج آوریم ، تخم مرغ از خارج آوریم . این گریه دارد . منتهی حیا در کار نیست . اصلاحاتشان يك چنین اصلاحاتی است که همه‌اش مفسده است . آنوقت میگویند که همه علماء با اصلاحات ما ، با انقلاب سفید ، موافقتند . در تمام ایران اگر تو يك عالم پیدا کردی که موافق با انقلاب خونین تو باشد ، حق داری بگوئی تمام علماء موافقتند . آن معممی که خودت درست کرده‌ای ، حسابش جداست . او که عالم نیست ، معممی که خودت عمامه بر سرش گذاشته‌ای و هرطور که دلست میخواهد میرقصانی اش و البته در هرجائی يك یا دو نفر از این قبیل افراد هست ، کنار بگذار . تو در ائمه جماعت تهران يك امام جماعت پیدا کن که با تو موافق باشد و بگوید : من با تو موافقم . در تمام

ائمهٔ جماعت ولایات يك امام جماعت پید اكن كه بگويد : من با تو موافقم . در قم يك ملا پید اكن كه بگويد : من با تو موافقم . حیا در كار نیست همهٔ مفسده ها را انجام میدهند ، همهٔ كارهای خلاف را انجام میدهند و بعد برای اینکه مردم را بازی بدهند میگویند كه همهٔ علماء موافقند و آن یکی هم كه مخالف است اهل اینجا نیست .

اسلحه در دست غیر صالح است . همهٔ اسلحه ها را ملاحظه کنید . يك نظر عمومی بکنید ، قلم خودش یکی از اسلحه هاست . این قلم باید در دست اشخاص صالح و در دست افاضل باشد . وقتی كه قلم بدست اراذل افتاد ، مفسده ها زیاد خواهد شد . الان قلم در يك محیطهای و در يك جنبه های در دست اراذل است و این اراذل هرآنچه آن رذل فوق شان انجام میدهد ، بیک صورت زیبایی ، بایك قلم شیوایی ، خوب و بزرگ کرده نشان میدهند . این جنایاتی است كه از قلم به این ملت میشود . مفسده های كه اینها میکنند ، جنایاتی كه اینها میکنند ، خونریزیهایی كه اینها میکنند . اهل قلم غیر صالح كه حربهٔ قلم را در دست دارد ، با قلم فرسائی خود مطالب را وارونه نشان میدهند . اینست كه قلم باید در دست اشخاص صالح باشد .

فرهنگ مبدأ همهٔ خوشبختی ها و بدبختی های يك ملت است . اگر فرهنگ ناصالح شد ، جوان هائی كه در این فرهنگ ناصالح تربیت می شوند ، در آتییه فساد ایجاد خواهند كرد . فرهنگ استعماری ، جوان استعماری تحویل مملكت میدهد . فرهنگی كه با نقشهٔ دیگران درست میشود و اجانب برای ما نقشه اش را میکشند و میخواهند بصورت فرهنگ تحویل جامعهٔ ما بدهند ، فرهنگ استعماری وانگلی است . این فرهنگ از همه چیز حتی از اسلحهٔ این قلدرها بدتر است . اسلحهٔ این قلدرها پس از چند وقت فرسود و شكسته میشود ، اما وقتی فرهنگ فاسد شد ، جوانان ما كه زیربنای همه چیز هستند از دست ما میروند و انگل و غرب زده بار میآیند . الان از همان كلاسهای اول در زهن هایشان مطالبی تزریق میکنند تا برسند به سنین بالا . اگر فرهنگ ، فرهنگ صحیح باشد ، جوانهای ماصحیح بار میآیند . اگر فرهنگ ، فرهنگ

حق والهی باشد ، فرهنگی باشد برای منفعت ملت و مسلمین ، این افرادی که می بینید الان سرکار هستند ، اینچنین فضولی نمیکنند . فرهنگ ما یک فرهنگ استعماری است . فرهنگ ما درست صلحا نیست و صالح اداره اش نمیکند . اگر دانشگاه مایک دانشگاه صحیح و مستقل بود و اشخاص صالحی در آنجا بودند و کارهایی را که صلاح است انجام میدادند ، روزگار مملکت ما به اینجا نمیرسید . و به بدتر از این خدای نخواستہ برای نسل آینده . دانشگاه ما را اشخاصی قبضه کرده اند ، که خودشان انگل و استعماری و نوکر مآب هستند . تمام اینها سرچشمه اش همین یک نفر آدم است (۱) . مگر در دانشگاه ، معلم و استاد قدرت دارد . مطلب حقی بگویند ؟ مگر سازمان امنیت با امر اعلی حضرت میگذارد حرفی بزنند ؟ اگر دانشگاه ما یک دانشگاه صحیحی بود ، این جوانهای ما را که میخواهند در دانشگاه حرف حقی بگویند ، با پلیس خفه شان نمیکردند . دختر را میزنند ، پسر را میزنند . جوان را میزنند و حبس میکنند . تمام اینها برای اینست که دانشگاه ما استقلالی ندارد . ما دانشگاه نداریم ، دانشگاهی که یک نفر بر آن حکومت کند ، دانشگاه نیست . محیط علم باید محیطی آزاد باشد .

اگر مجلس ما یک مجلس صالحی بود و این ابزار درست صلحا بود ، آیا می گذاشتند این قوانین بگذرد ؟ آیا می گذاشتند مصونیت مستشاران امریکائی که ذلت و تنگ ایران بود و هست ، تصویب گردد ؟ ما مجلس نداریم (۲) اینها همه مأمورند . اگر اینها آزاد بودند و اگر مجلس ما مجلس ملی و مال مردم بود ، نمی گذاشتند اینهمه اسلحه بخرند . نمی گذاشتند نفت ما را بدهند و آهن بخرند ، آهنی که نمیتوانند بکار بیندازند . خودشان هم متحیرند و باید مستشار امریکائی و متخصص امریکائی بیاید و بآنهاشان دهد . آنها هم که نشان نمیدهند . آنها یک جانورانی هستند که به این حرفها تأثیر نمیدهند . آنها با حقوقهای زیاد به اینجا آمده اند . ما اطلاع نداریم ، تصورش را هم نمیکیم ، که اینها

۱ - منظور شاه است (ن . آ . ۰) ۲ - استخراج چند کلمه از نواری ممکن نبود (ن . آ . ۰)

هریک در ماه چقدر حقوق میگیرند . عددشان را میگویند که زیاد است ، شصت هزار نفر ظاهرآ . هریک چقدر حقوق از این ملت میگیرند ؟ ازجیب این فقرا و بیچاره ها در میآورند و بجیب این گردن کلفت ها میریزند . اینها مگر به نظامی ما تعلیم نظامی میدهند ؟ اینها میخواهند این نظامی ها را همینطور نکند آرند که هرطور که دلشان میخواهد عمل کنند . اگر مایک ارتش انگلی نداشتیم ، اگر مایک ارتش مستقل داشتیم ، اجازه نمیداد مستشاران بیایند و همه چیز ها تحت دستور آنها باشد و صاحب منصبان ایرانی جز آلت هیچ نباشند . ارتش ما هم ارتش نیست . تمام ارتش تحت نظر یک آدم است ، یک آدم فاسد که همه چیز را فاسد کرده است . یک بز فاسد ، یک بز کچل ، میگویند تمام گله را کچل میکند . منتهی ازباب اختناقی که در ایران هست ، نمیتوانند روی کسیکه همه مفاسد زیر سر او است دست بگذارند . و میگویند : مأمورین . آقا ، مأمورین از چه کسی امر دارند که مردم را بکشند ؟ از چه کسی امر دارند که بعدرسه حجتیه یورش ببرند و طلبه ها را بکشند ؟ از چه کسی دستور دارند که در چهارراه ها مسلسل را بکشند و مردم را بکشند ؟ مگر کسی جز خود آن مردک میتواند چنین دستوراتی را بدهد . همه این مفاسد از خود او است . مگر مجلس حق دارد کلمه ای بدون اذن این مردک بگوید ؟ مگر ارتش حق دارد کلمه ای بدون اذن او بگوید ؟ مگر قضات ما آزادند ؟ مگر ما استقلال قضائی داریم ؟ قضات ما حربه قضایان است ، ولسی صلاحیت ندارند . اشکال ایتست که چرا رفته اند و قاضی شده اند . میگویند نمیتوانیم حکم به حق کنیم . غلط کردی رفتی قاضی شدی . رهاکن . الان بهر گوشه از اداره مملکت دست بگذارید ، می بینید که اسلحه در دست غیر صالح ها است و همه امور هم به دربار و به این شخص بر میگردد . او را باید از بین برد . من نمیدانم که این ارتش چرا خواب است ؟ و چرا اینقدر زلفت میکشد ؟ چند روز بیشتر از رفتن کارتر نگذشته بود که این بساط را بوجود آوردند . اگر به او مجال بدهند ، تازه اول کار است . اگر تنبه پیدا نکرده باشند ، که کشتن چند نفر موجب این هیاهوی

عظیم شد و موجش همه دنیا را گرفت و همه عالم فهمیدند و رادیو صدایش را به خارج و همه جا پخش کرد. رادیو خودشان هم هرچه دلش میخواست بگوید. مگر مردم دیگر از این حرفها گول میخورند؟

ملت بیدار شده است، مردم بیدار شده اند. اگر مردم بیدار نبودند که بازارها را اینچنین نمی بستند. روز پنجشنبه و جمعه از قراری که هم نقل شد و هم مقامات اطلاعات رسمی اطلاع دادند، بازار تهران بعنوان اعتراض تعطیل شده است. مسأله تعطیل بازار تهران يك امر عادی نیست، يك امر خلاف عادت است. هیچ کس نمیتواند این کار را بکند. این احساسات و بیداری ملت است که این کار را انجام داده است. این آقا که میگفت: همه با من موافقاند، ببینند، این بازار تهران، آنهم بازار اهواز، آنهم اصفهان، آنهم شیراز. این کیفیت زندگی ماست.

ما امید داریم که همه طبقات، چه طبقات علما و مجتهدین و چه طبقات محصلین علوم دینی و چه بازاریها و بازرگانان و چه لشگریها و کشوریها که همه از دست این خبیث خون دل میخورند، دست اتحاد بهم بدهند. احزاب سیاسی ما، مستقلا کار نکنند، همه با هم روابط داشته باشند. همانطور که در این قضیه اخیر همه اظهار تنفر کردند. هم احزاب سیاسی اظهار تنفر کردند و هم علما و هم اهل بازار و هم دانشگاهیان. هم آنها تیکه در خارج اند برای ما تلگراف کردند و اظهار تنفر خود را از دستگاه ابراز داشتند. از آمریکا، از اروپا و آنها بعضی شان نوشته اند که در این قضیه ۳۰۰ نفر از بین رفته اند. من امید دارم همه جبهه ها با هم همدست شوند. و اگر ملت با همه ابعادش همدست شوند. اسلحه از دست نا صالح ها خلع میشود و شاخ این گاو شکسته میشود. تشتت نکنند، اسباب تشتت فراهم نکنند. با بهانه های جزئی و بیگانه با هم جنگ نکنند، با هم در نیفتند. این اختلافات را اینها درست میکنند تا مردم را بهم مشغول کنند و آنها استفاده کنند. مردم باید بیدار شوند و با هم شوند و مجتمع باشند. تماشاگران با هم دست بدست هم بدهند. و انشاء الله بحول و قوه خدا با دست هم دادن شما بهم و تفاهم همه جبهه ها با هم، بزودی انشاء الله این ریشه قطع میشود.

من از خدای متعال سلامت همه را خواهانم . من از همه طبقات که علمای اسلام را تنها نگذاشتند ، و همه جبهه ها ، خصوصا علمای اعلام ، خصوصا بازاریهای بزرگوار تشکر میکنم . و از همه آنها استدعا دارم که هم برای اسلام دعا بکنند و هم جبهه های خود را محکم کنند و واحد کنند و کلمه واحد باشند . و آن کلمه واحد قطع ایادی ظلمه و قطع ایادی اجانب باشد . بلکه این مملکت یک سرو سامانی پیدا کند و دست اجانب از آن کوتاه گردد و منافی که مملکت ما دارد ، صرف ضعفا و صرف مصالح اهل مملکت شود . و همه چیز درست شود و این نمیشود ، الا اینکه خلع کنند این سلاح را از دست اینها . و امید است انشاء الله این سلاح خلع شود .

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

دو گزارش

از قیام خونین ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ در

قم

یک گزارش

از قیام خونین ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ در

تبریز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۵۶ مطابق با ۲۷ محرم ۱۳۹۸ روزنامه‌ها اطلاعات در صفحه ۷ مطلبی داشت تحت عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" ، بقلم احمد رشیدی مطلق ، که در آن صریحا به حضرت آیت الله خمینی اهانت کرده بود و در ضمن نوشته بود : "تنها خمینی با دولت و قوانین و انقلاب که همه با اسلام همراه است ، بتحریر مالکین ، بمخالفت برخاست ! وگرنه روحانیون دیگر همه با این قوانین موافقت !! و احترامشان نیز محفوظ است" . علاوه بر اهانت صریح به حضرت آیت الله خمینی ایشان را از سایرین جدا کرده و در ثانی قوانین ضد اسلامی دولت شاه را ، اسلامی دانسته . پیش از این هم مطلبی از جمله : حلال دانستن سقط جنین و ترویج بی حجابی ، بعنوان تمدن و پیشرفت و مهم تر حمله به بزرگداشت چهلمین روز شهادت مجتهد مجاهد حاج آقا مصطفی خمینی در قم و به مسخره گرفتن قطعنامه "روحانیت (۱۴ ماده‌ای) در روزی نامه ها به چشم میخورد . و گاهگاه هم تظاهراتی پراکنده از جمله در مسجد اعظم انجام میشود .

تا که بالاخره وقاحت باوج خود رسید ، که معلوم نیست منظور چه بود . آیا آزمایش بیداری مردم و یا نقشه های مهم تری را منظور داشتند ؟؟
موج خشم و نفرت به بالاترین سطح خود رسید و خبر جریانات بسه

همه مردم رسید. بخصوص از طریق تلفن و ملاقاتهای حضوری و مکرر با مراجع و اساتید و و تماس با شهرستانها و الصاق اعلامیه به دیوارها و . . . و بلافاصله درس و نمازها و منبرها یکپارچه تعطیل شد. طلاب به نحو شگفت و بهت آوری خونشان به جوش آمده بود، تاب خود را از دست داده بودند. روشن است که در عرض مدت کمی تمام نسخه های اطلاعات نایاب شد. مرکز تجمع عمدتاً در مدرسه خان و بیرون آن بود و همه جا احساس میشد که وضع غیرعادی است. اولین حرکت و راه پیمائی از مدرسه خان با جمعیتی بیش از هزار نفر که پیوسته بیشتر میشد بطرف منزل آقای گلپایگانی صورت گرفت.

ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۶ بعد از اجتماع عظیم طلاب در منزل و بیرون منزل آقای گلپایگانی، ایشان برای ایراد سخنرانی به بیرونی آمدند. آنچه در این سخنرانی رفت چنین است:

- " خداوند شما طلاب را تأیید فرماید که با چنین وحدتی "
- " به اینجا آمده اید و در مقابل اهانتی که به مقام "
- " روحانیت شده است، احساس مسئولیت کرده اید. وحدت "
- " شما در این امر مهم بیش از ورود رئیس جمهور امریکا "
- " و هر رئیس جمهور دیگر که به ایران بیاید و نفعی عاید "
- " آنها کند، برای آنها شکننده است. وحدت خود "
- " را حفظ کنید و به اعتراض آرام خود ادامه دهید و "
- " مقاومت کنید . . . اینها دروغ میگویند که ما با "
- " کارهای آنان موافقیم. علما همه مخالفند "

طلاب پس از پایان سخنرانی آقای گلپایگانی بطرف منزل آقای شریعتمداری حرکت کردند و از مسیر خیابان چهارمردان و خیابان ارم قصد داشتند بمنزل ایشان بروند ولی در مراجعت که جمعیت و تشکل آنها بیشتر بود شروع به شعار دادن (درود بر خمینی . . .) کردند. پلیس، در سه راه ارم - چهارمردان، مسلح به اسلحه سرد و گرم آماده شده و ایستاده بود. پلیس برای متفرق کردن جمعیت توسط جواد

طمعون به ماشین گیرداری که آورده بود دستور داد که بوسط جمعیت حرکت کند . جمعیت باز جمع شده و به مسیر خود ادامه داد ، که ناگهان پلیس به آنان حمله ور شد . عده‌ای پراکنده شده و بقیه دعوت به ایستادگسی میکردند . در آن حوالی یک ماشین آجر موجود بود . جمعیت با آجر و پاره آجر به پلیس پاسخ خوبی داد . ترابی ساواکی باتومی را تکان میداد و جمعیت را تهدید میکرد و محمدی - معاون آگاهی شهرتانی - میگفت: " مردم ببینید ، اینها چطور به ما سنگ میزنند ! " تا اینکه پلیس اعلام کرد : " اگر شعار ندهید و آرام و بی شعار حرکت کنید ، با شما کاری نداریم . " تظاهرکنندگان نه بخاطر دستور پلیس بلکه برای ادامه دادن به راه خود بدون شعار حرکت کردند . در مسیر عده زیادی به آنها پیوستند . مسافری و زوار از انگیزه تظاهرات کاملاً آگاه شدند . عده‌ای از آنان به همراه طلاب به منزل آقای شریعتداری آمدند . آقای در منزل نبودند . طلاب با اینکه کمی معطل شدند ، اما برنگشتند . گاه به گاه یک نفر شعار میداد و دیگران جواب گفته و یا صلوات میفرستادند . در این بین کسی فریاد زد که من این مزدور را (اشاره به یک ساواکی) میشناسم ، آمده است اینجا برای شناسائی شما . چند نفر دیگر هم او را شناختند و ریختند به سرش . اما او از رونصرفت و میگفت من یک تاجر ! ! بالاخره کتک مفصلی خورد و سروصورتش به شدت زخمی شد تا از منزل بیرون رفت . پس از آمدن آقای شریعتداری مکرفون آماده شد و ایشان چنین بیان داشتند :

- " بمنزل ما خوش آمدید . آمدن شما نشانه آنست که شما "
- " نسبت به آراء و نظر ما احترام قائلید و ما از اینجهت "
- " از شما تشکر میکنیم . کار شما و راهتان مقدس است . "
- " زیرا در دفاع از مقام مرجعیت و روحانیت حرکت کرده‌اید "
- " و ما قبل از ورود شما مشغول فعالیت در این باره بودیم "
- " و با تلفن و نامه و اعزام افرادی به تهران و . . . بکار "
- " ادامه میدهیم و امیدواریم که آنها دست از این قبیل "

"اهانتها و امثال آن بردارند ، ولی ما بیش از این"
 "فعلا کاری از دستمان ساخته نیست و نمیتوانیم"
 "کاری بیش از این انجام دهیم"

پس از پایان سخنرانی ، طلاب دوباره از راه خیابان ارم بطرف حرم و مدرسه^۱ خان برگشتند و چون ظهر بود برای نماز و غذا پراکنده شدند و وعده گذاشتند که ساعت ۳ بعد از ظهر جلوی منزل آقای مرعشی گردیم۔ آیند . ساعت ۳ بعد از ظهر در مدرسه و بیرون در میدان آستانه جمعیت انبوهی از هر طرف گرد آمدند و متشکلا بطرف منزل آقای نجفی مرعشی حرکت کردند . در اینجا جمعیت نسبت به صبح چند برابر شده بود ، بطوری که حسینی و داخل و بیرون منزل آقای نجفی مرعشی و کوچه های اطراف آن و حتی قسمتهای از خیابانهای بهار و موزه و . . . از جمعیت موج میزد . پس از تجمع جمعیت آقای نجفی مرعشی آمدند و بسر پله^۲ دوم منبر حسینی قرار گرفته و در تقبیح اهانت به مقام روحانیست و مرجعیت سخنانی ایراد فرمودند .

پس از پایان سخنرانی ایشان جمعیت بطرف منزل آقای روحانی حرکت کرد . مدتی طول کشید تا همه از کوچه ها گذشته و به خیابان ارم رسیدند و از آنجا بطرف منزل ایشان رفتند . آقای روحانی حاضر شدند و خواستند پشت بلندگو سخن بگویند ، که در وسط سخنرانی بلندگو خراب شد ! و بجز آنها که در داخل منزل بودند کسی همه سخنرانی ایشان را نشنید اما پس از پایان سخنرانی مردم مضمون سخنان ایشان را برای یکدیگر نقل کردند . خلاصه ای از سخنان ایشان چنین است :

"اهانت به آیت الله عظمی خمینی سر آغاز اهانت به"
 "دیگران است . از چند سال پیش که حادثه^۳ مدرسه"
 "فیضیه اتفاق افتاد ، سکوتی حوزه^۴ علمیه^۵ قسم را"
 "فرا گرفته است و اینها از آن سوء استفاده کردند"
 "و بالاخره چاره^۶ کار اینست که شما وحدت و اتحاد خود"
 "را کاملاً حفظ کنید و به تظاهرات آرام خود"

" ادامه دهید که حتما پیروز خواهید شد . "

پس از سخنرانی ایشان نزدیک بغروب بود که جمعیت بطرف منزل آقای حائری حرکت کرد . در این حرکت به تعداد جمعیت پیوسته افزوده میشد . بخصوص دانش آموزان و محصلین دبیرستان بیست از همه شرکت داشتند . مسیر راه پیمائی از منزل آقای روحانی به کوچه آقای زنجانی و از آنجا بطرف مسجد فاطمیه و گذر خان و خیابان چهار مردان بود . چون بیرونی منزل ایشان گنجایش بیش از چند صد نفر را نداشت ، بقیه - عده جمعیت - در کوچه و خیابان چهار مردان متوقف شدند . ایشان در یک سخنرانی کوتاه فرمودند :

" ما از اهانت به حضرت آیت الله عظمی خمینی سخت "

" ناراحتیم و متنفر . مقام ایشان در میان ما روحانیون "

" از هر جهت محفوظ است و کسی نمیتواند ایشان "

" را از روحانیون جدا سازد و "

انتظار آقایان طلاب و همراهان این بود که ایشان نیز مانند سایرین بیشتر از این سخن بگویند ، لذا اصرار داشتند که ایشان به سخن ادامه دهند ولی ایشان دیگر سخن نگفتند و بیان داشتند که برای همراهی با سایر آقایان روحانیون و حفظ وحدت و اظهار تکذیب آنچه روزنامه نوشته است همین مقدار کافی است ، با اینحال جمعیت قانع نشدند و عده ای فریاد زدند : " آقایان اکنون مغرب است پراکنده نشوید و بطرف مسجد اعظم حرکت کنید ، آقای حائری در آنجا بیشتر صحبت خواهند کرد . جمعیت بطرف مسجد اعظم حرکت نمود ، از طریق خیابان چهار مردان و ارم و خیابان موزه و صحن ها .

در تظاهرات بعد از ظهر و در منزل آقایان نجفی مرعشی ، روحانی و حائری از پلیس و مزاحمت او خبری نبود ، اما پلیس قهرا بفکر تقویت بیشتر و تقاضای کمک از تهران بود تا اگر تظاهرات ادامه یافت کاری بکند . بعد از ظهر یک مواپما چندین بار در ارتفاع خیلی کمی از بالای سر

جمعیت جهت رسیدگی به پرواز درآمد . اما کمی چندان اعتنائی نداشت
 طلاب و مردم به مسجد اعظم رفتند . پس از نماز جماعت با امامت آقای
 حائری باز جمعیت از ایشان درخواست کرد تا سخنرانی کنند . ایشان
 که دیدند باید صحبتی بکنند ، پذیرفتند ، ولی به سخنان قبلی شان مطلبی
 نیفزوده و با اینکه طلاب میخواستند که ایشان با لحن شدیدی سخن
 بگویند ، ولی ایشان با لحن ملایمی فرمودند :

- " البته من از اهانت به حضرت آیت الله خمینی سخت"
 " ناراحتم و آنرا از هر جهت تقبیح میکنم و میدانم که "
 " باید اقدامی هم کرد و میکنم ولی این شکل کار آقایان "
 " را نظرم آنستکه جواری باشد آرام و نه آنطور کوه "
 " مسجد اعظم را نیز مانند مدرسه فیضیه کنند ."

پس از سخنرانی کوتاه آقای حائری و بیرون رفتن ایشان از مسجد
 تظاهرات همراه با شعارهای :

- " درود بر خمینی ، مرگ بر این "
 " حکومت یزیدی ، مرگ بر حکومت پهلوی ، "
 " دانشجو روحانی پیوندت مبارک باد و "

و با حرکت به دور حوض شروع شد . احساسات حاضرین در مسجد
 و حرم باوج خود رسیده بود . پلیس که از این صحنه سخت ناراحت
 شده بود ، فوراً دستور داد که همه مردم را از حرم و صحن قدیم و جدید
 بیرون کنند و بلافاصله همه درهای صحن را ببندند . گاردیهای مزدور
 و مسلح هم همراه با ماشین آب پاشی در خیابان موزه برابر دو در مسجد
 اعظم آماده شدند . ولی بقدری جمعیت زیاد بود که کنترل آنها ممکن
 نبود . چون پلیس هر قدر هم قوی باشد با چندین هزار نفر نمیتواند
 بجنگد . صدای شعارهای تظاهرات مسجد با همه فاصله ای که تا
 اطراف داشت تا حدودی به گوش مردم می رسید . مردم همه منتظر بیرون
 آمدن تظاهرکنندگان از مسجد بودند . پس از یک ساعت شعار قطع شد
 و تظاهرکنندگان آرام از دو در مسجد بیرون آمدند . پلیس ابتدا

کاری نداشت . اما هنگام بیرون آمدن آخرین افراد بد آنها حمله کرد و با باتوم آنها را مضروب ساخت . در تظاهرات مسجد اعظم شعارهایی بر ضد روزنامه اطلاعات و مزدوری نویسنده‌گان آن داده شد و تعداد زیادی از افراد روزنامه‌ها را مجاله کرده و به هوا پرتاب میکردند . دو نفر از مأمورین ساواک در کنار هم ، صحنه تظاهرات را تماشا میکردند که عده ای از طلاب آنها را شناختند و بیکدیگر معرفی کردند . همینکه طلاب آنها را شناختند بطرفشان حمله کردند . یکفرشان فرار کرد و دیگری پایش گیر کرده و بزمین خورد . مردم بسرش ریخته و او را مفصل کتک زدند و از چند ناحیه سخت مجروح شد ، تا بالاخره با قیافه‌ای خون آلود خود را بیرون کشیده و فرار کرد . حمله پلیس در دو محل متمرکز بود . یکی در وسط پل آهنچی در کنار مسجد اعظم که عده‌ای در آنجا سخت مضروب شدند . حتی بعضی از طلاب که سوار ماشین بودند و به محله نیروگاه میرفتند ، از ماشین بیرون کشیده و مضروب گردیدند . محل دیگر سه راه سوزه بود ، طلاب و دانشجویانی که از تهران آمده بودند و نیز محصلین و جوانان قم که از این سه راه بطرف چهارمردان صفائیه می رفتند ، در این محل مورد هجوم واقع شدند ، بخصوص آنها که در نیال بودند . آنها که بطرف صفائیه رفتند در خیابان و کوچه‌ها تا ساعت ۹ شب با پلیس درگیری داشتند . اما آنها که بطرف چهارمردان در حرکت بودند عده ای روبروی مدرسه خان و بازارچه خان تا ساعت ۹ شب شعارهای مسجد اعظم را تکرار میکردند و گاهگاه پلیس تا داخل کوچه آنها را تعقیب میکرد . در چند محل دیگر نیز پلیس درگیر بود . در خیابان ارم و کوچه‌های اطراف آن و بخصوص اطراف حرم و یا آنطرف رودخانه . عده‌ای هم به خیابان چهارمردان رفتند و با اینکه تعدادشان نسبت به جمعیت اطراف حرم و مدرسه خان کمتر بود ، اما تا آخر خیابان راه پیمائی کرده و شیشه‌های تمام بانکها را (صادرات ، طسی ، سپه ، پارس و . .) که در مسیرشان بود خرد کردند و از خیابان چهارمردان به خیابان آذر رفته و از نزدیکی بیمارستان نکویی تا حدود بازار ، شیشه بانکهارا خرد

کرده و متفرق شدند . ضمناً در همین وقت عده‌ای از طلاب که در مسجد اعظم نبودند وقتی حمله پلیس را در سه راه موزه از جلو مدرسه خان مشاهده کردند ، شروع نمودند با فریادهای بلند به دادن شعار " درود بر خمینی " ، تا توجه پلیس را به خود جلب کرده و از حمله به طلاب در سه راه موزه بکاهند . در همین اوقات تظاهرات پیاپیان رسید .

صبح دوشنبه ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ (دوشنبه خونین) ساعت ۸/۵ صبح طلاب ، طبق وعده شب قبل ، جلوی مدرسه خان و درمیدان آستانه جمع شده و بطرف منزل آقای آملی حرکت کردند . روز دوشنبه همه بازار و بیشتر جاهای قسم تعطیل بود ، اطراف آستانه هم که در مسیر طلاب قرار داشت با حرکت مردم که چند برابر روز قبل بودند بسته شد . جمعیت چندین هزار نفری به منزل ایشان رسید و ایشان با سخنرانی خود ، اجتماع و همبستگی طلاب و مردم را مورد تقدیر و ستایش قرار داده و تأکید بر وحدت کردند و از نوشته روزنامه اطلاعات اظهار تنفر نموده و مقداری در باره عظمت و شخصیت فوق العاده حضرت آیت الله العظمی خمینی صحبت کرده و در پایان خواستار شدند که همه آقایان باید در این قبیل مسائل با هم بنشینند و صحبت کنند و گفتند من خودم نیز اقدام خواهم کرد . ایشان هیئت حاکمه ایران را افرادی منفور ملت و مردم و روحانیت دانستند .

پس از پایان سخنرانی آقای آملی جمعیت بطرف منزل آقای علامه طباطبائی حرکت کرد . از راه خیابان ارم و صفائیه به کوچه سعید حرکت بدون شعار بود و هرگاه کسی شعار میداد دیگران جواب نمیدادند و میگفتند سکوت را رعایت کنید . علامه طباطبائی مقدار کمی در باره شخصیت آقای خمینی صحبت کردند و چون صدای رسید یک نفر از طلاب آن را تفریر میکرد تا اینکه بلند گویی آوردند و آقای علامه طباطبائی سخنان قبلی خود را تکرار نمودند . سپس آقای یزدی از طرف آقای علامه طباطبائی به سخنرانی پرداختند و بی پرده و

صریحا به بازگوشی حقایقی پرداختند . از جمله :

- " او - نویسنده " مزدور ساواکی - خواسته است "
- " آیت الله عظمی آقای خمینی را از روحانیت جدا کند "
- " چه اشتباهی و چه خیال خامی ، مگر ممکن "
- " است روح خدا را از بدن خلق جدا کرد ؟ "

در پایان گفتند قرار تجمع ، ابتدا در مدرسه " امام امیرالمؤمنین و سپس منزل آقای وحید خراسانی . جمعیت از منزل آقای علامه طباطبائی بیرون آمده و روانه " مدرسه شد . در مدرسه آقای مکارم پشت میکروفون قرار گرفتند و سخنانی ایراد کردند . از جمله :

- " آیت الله العظمی آقای خمینی نه تنها مرجع و بزرگ "
 - " روحانیت و ملت است ، بلکه او یک مرد جهانی "
 - " است و اهانت بایشان معنایش اینست که در این "
 - " مملکت هیچ کس به آبرویش توجه نمیشود و اکنون "
 - " آبروی همه در خطر است . و اگر "
 - " بناست که همه بمریم پس بیائید دست بدست "
 - " هم داده و همه با هم بمریم و اگر بناست زنده "
 - " باشیم همه با هم زنده باشیم . "
- حضور سه با گفتند صحیح است .

پس از پایان سخنرانی آقای مکارم ، طلاب و مردم و مسافری بطرف منزل آقای وحید خراسانی در اواسط صفائیه حرکت کردند . عجیب جمعیتی بود ، کم نظیر . کوچه ها و خیابان صفائیه پر از جمعیت بودند . ابتدا آقای مروی خراسانی و سپس بعنوان تشکر آقای وحید خراسانی سخنرا کردند . پس از پایان سخنرانی ساعت ۱۱ / ۵ بود که جمعیت از منزل و کوچه بیرون آمده و بدون اینکه مأمورین و پلیس از مقصد حرکت آگاه باشند در طول خیابان صفائیه بطرف حرم براه افتاد و پس از گذشتن از چهارراه ارم به خیابان ارم وارد شد . در این چهارراه گروهی از گارد شهربانی



تلاش اصلاح استاد کردند و مقابل شهر اری نیز گروهی دیگر از گاردیها با سیر و ماشین آب پاش و باتومهای چوبی بلند و کلاههای مصری آماده برای حمله در چند صف ایستاده بودند. هنگامیکه نیمی از جمعیت چندین هزار نفری از جلوی آنها رد میشدند، آنان نیز در کنار جمعیت و بهمراه آنها براه افتادند. مردم در خیابان و پیاده رو با فاصله کمی از آنها بحرکت ادامه میدادند. جمعیت به سه راه بازار رسید و بطرف خیابان آذر حرکت را ادامه داد. مقصد بازار بود. از پائین بازار (حسین آباد) در نزدیک مدرسه رضویه وارد بازار شدند. هنگام ورود جمعیت به خیابان آذر پلیس و کماندوها چند بار جلوی جمعیت رژه رفتند تا مردم را بتراسانند !!!

پلیس جلوی بازار و روبروی خیابان ارم ایستاده بود، جمعیت پستی از بیمون طول بازار، از طریق بازار مسگرها وارد خیابان باجک و چهارراه مسجد امام شد. بخشی از جمعیت نیز وارد مسجد شد. (حدود ۲۰ - دقیقه بعد از ظهر). عده‌ای هم از پل طرف مسجد امام گذشتند و عده‌ای هم وارد خیابان آستانه شدند، با اینکه جمعیت کم کم متفرق میشد ولی همه جا جمعیت موج میزد. در اینجا قرار بعدی منزل آقای نسوری تعیین شد و گوش‌بگوش، به اطلاع همه رسید. (قرار ساعت ۳ بعد از ظهر در مدرسه خان). از قبل از ساعت ۳ بعد از ظهر از همه طرف جمعیت سرازیر بود. نیمسفت بطول انجامید تا جمعیت عظیمی - بسیار زیاد و حتما بیش از ده (۱۰) هزار نفر از همه طبقات - جلوی مدرسه خان و میدان اطراف آن گرد آمدند. ساعت حدود ۳ ربع بعد از ساعت ۳ بود که جمعیت بطرف صفائییه بحرکت آمد.

در منزل آقای نسوری ابتدا آقای موسوی صحبتی کردند و در پایان چنین گفتند: "اینها در نوشته روزنامه اطلاعات سایر روحانیون را موافق با قوانین ضد اسلامی خود معرفی کرده اند و ما از استاد محترم جناب آقای نوری بعنوان یکی از روحانیون معروف حوزه خواهیم تا نظیر خودشان را در این باره بفرمایند." صلواتی از طرف جمعیت فرستاده شد

و پس از آن آقای نوری يك سخنرانی بمدت نیم ساعت ایراد کردند و کمی از ساعت ۴ بعد از ظهر گذشته بود که سخنرانی تمام شد و مردم قصد داشتند بمنزل آقای سلطانی بروند که حوادث خونین عصر دوشنبه پیش آمد .

از قبل در چهارراه بیمارستان ، دارالتبلیغ، حوالی کلا نتری يك گاردیهای زیادی مستقر شده بودند. دوطرف پیاده رو که کلا نتری در آن واقع است ، با نرده آهنی سدود شده بود و روبروی کلا نتری هم با چند ماشین شهرانی بسته شده بود . در طرف دیگر يك ماشین آب پاش ایستاده بود . مردم مجبور بودند از طرف دیگر حرکت کنند . سیل جمعیت بخیبان صفائیه ریخت . جالب توجه است که در این دو روز مدارس و دبیرستانها تعطیل بودند . بخصوص دبستانها بطور کامل تعطیل بود و چون در ضمن این دو روز مزاحمت مہمی از جانب پلیس پیش نیامده بود (بخاطر هوشیاری طلاب و شعارندادنشان و یا تحریم آن با سکوت) . مردم قسم بتعداد خیلی زیادی در تظاهرات آرام شرکت میکردند ، بخصوص روز دوشنبه که همه مغازه ها را هم در سرتاسر قسم يك پارچه تعطیل کرده بودند . در بعد از ظهر دوشنبه با اینکه رهبری تظاهرات بدست طلاب بود اما بی لافراق باید گفت که مردم عادی بیشتر از طلاب بودند حتی زنان زیادی در پیاده روها در حرکت بودند و علت تعطیلی مدارس، دانش آموزان عموماً شرکت داشتند . بهر صورت يك سر جمعیت که تمام عرض خیابان را و پیاده روها را اشغال کرده بود بسه نزدیکی چهارراه دارالتبلیغ میرسید و سردیگر آن هنوز در کوچه بیگدلسی بود . هرچه ماشین از چهارراه باین طرف آمده بود کاملاً وسط خیابان متوقف شده بود . عده زیادی هم به پشت بامها رفته و تماشا ایستاده بودند . جمعیت که رسید به چهارراه اما مانع برخورد کرد بدینمعنی که يك ماشین آب پاش و يك کامیون گارد را در عرض خیابان روبروی بانگ صادرات قرار داده بودند و خیابان کاملاً سد شده بود جمعیت مجبور بود از پیاده روی بانگ بطرف خیابان حجت و از آنجا به خیابان بهار و از آنجا بطرف منزل آقای سلطانی برود . اما قبل از اینکه جمعیت به آنجا برسد ، سخنگوی پلیس فریاد زد : سد معبر حرام است ! !

از پیاده رو بروید! جمعیت نیز چاره ای جز حرکت از پیاده رو نداشت همه پیش خود میگفتند، شما خود سید معبر میکنید. بهر حال در این موقع یکسفر ساواکی که از کما جمعیت با بلندگو حرف می زد پایش را محکم به شیشه بانگ زد و هما نوقت یک ساواکی دیگر با لباس شخصی و یک پاسبان رسمی که در کامیون نشسته بودند با هم هرکدام سنگی بطرف شیشه بانگ پرتاب کردند. بدنبال این صحنه سازی فرمانده گارد ورنجرها و پاسبان ها و مأمورین ساواک اول بعنوان اعتراض به جمعیت گفتند: چرا شیشه بانگ را می شکنید، و روبرو جلا دان که این پدرو سوخته هارا بزنید و حمله شروع شد. آنها بطور دسته جمعی با باتوم به ملت حمله ور شدند. جمعیتی بی دفاع بناچار با دادن شعار به کوچه های اطراف، کوچه مسعود، کوچه آق بانو و... عقب نشست. در جاهای دیگر نیز تا پلیس حمله نمیکرد شعار داده نمیشد. ولی با حمله آنان شعار شروع شد. طلاب بکوچه ریخته و با شکستن شاخه ها و برداشتن سنگ بدفاع برخاستند. مدام حمله و گریز صورت میگرفت و عجیب بلوائی صورت گرفت از همه طرف به زد و خورد پرداختند و عده ای هم بمدرسه حجتیه رفتند و آنجا نیز زد و خورد آغاز شد. در این موقع که حدود ساعت ۵ بعد از ظهر بود، برای اولین بار در این دو روز چند تیر هوایی شلیک شد. جمعیت کمی بیشتر عقب نشینی کرد اما باز میگفتند: هوایی است، هوایی است و برگشتند. در این بین تابلوی مرکز حزب رستاخیز قم که در کوچه آق بانو است کاملاً خرد شد. داد و فریاد و شعار و زد و خورد و تیراندازی همچنان ادامه داشت که ناگاه فریاد بلند شد:

"کشتمند، کشتمند، بیائید." و جنازه بر سر دست بلند شد جنازه شهید شریفی یکی از طلاب مدرسه رسالت، اهل رنسان اصفهان که در این اواخر به شاهین شهر اصفهان آمده بود. این شهید و چند نفر دیگر در کوچه آق بانو روبروی مرکز حزب رستاخیز شهید شدند. تیر به سر او اصابت کرده بود. جنازه لای یک عبا ی مشکی پیچیده شد و سر دست، خون چکان، همراه با فریاد لا اله الا الله و غم و ماتم یاران بطرف بیمارستان حمل شد. جنازه دیگر و جنازه دیگر. دانه تیراندازی بسه

کوچه های دیگر و بمدرسه حجتیه هم کشیده شد . یک نفر در پارک طرف خیابان حجت در طبقه دوم کشته شد که محل شهادتش مزاری است برای مردم و با خونسش نوشته اند : " هرکس این خون را پاک کند در ریختن خونسش شریک است " . بر مقتل شهید و روی قطره خون قالب حوض مقوا گذاشته اند ، تیری هم در دیوار است .

دیگر غروب شده بود و همه مردم شهر از صدای تیراندازی مطلع شده بودند ، اما جالب توجه است که هیچگونه ترسشی بر مردم حاکم نبود و مردم در کوچه ها به گفتگو و بحث پرداخته بودند و عده زیادی هم اطراف مدرسه خان و گذرخان و چهار مردان تا گذر عشقعلی و سه راه آذر و مسجد فاطمیه به تظاهرات مشغول بودند . عده های میگفتند : باخون خود نوشتیم ، از جان خود گذشتیم ، یا مرگ یا خمینسی . این شعار را بیشتر جوانهای قوی میدادند . تیراندازی لحظه ای قطع نمی شد ، از پارک ۴-۵ مدرسه حجتیه که مشرف به خیابان حجت است ، طلاب مرتب سنگ و آجر پرتاب میکردند . کامکار و افاضلی افسر شهرداری نقش عمد های در تیراندازی به طلاب داشتند . البته کامکار کتکی مفصل خورد ولی افاضلی خیلی بی شرمانه تاخت و تاز میکرد . بعد هابعد یوارها و کف های نصب شده بر دیوارها نوشتند که افاضلی حتما ترا خواهیم کشت . و ظاهرا یک روز صبح زود که از خانه بیرون می آید که شیر بخرد ، با کارد مور در حلقه و جوان قرار میگیرد و سخت زخمی میشود . بالاخره در همین پارک ۴ بود که یک نفر کشته شد . جنازه اش را بمنزل آقای نجفی مرغشی بردند . یک نفر دیگر در خیابان بهار کشته شد . تمام جنازه ها را پلیس از بیمارستان ها و جاهای دیگر به تهران میرد . شایع است که زخمی های بد حال را هم با آمبول هوا کشته اند . جنازه ها را با سه شرط میدادند :

۱- ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان پول گللوله !

۲- دفن در بهشت زهرا ی تهران !

۳- نگرستن مجلس ختم !

خیلسی از زخمی ها از ترس گرفتار شدن بعدی و زندان بهرنحوی بود

فرار میکردند و خود را بجائی برای پانسمان و درمان می‌رساندند و حتی چند نفرشان از بیمارستان فرار کردند اما بقیه زخمی‌ها را با کشته‌ها معلوم نیست بکجا برده‌اند. علت بردنشان این بود که طلاب روز سه شنبه میخواستند بعیادتشان بروند. برای شریفی شهید در شاهین شهر مجلس ختم گرفتند و جمعی از طلاب به آنجا رفتند. چند نفر از طلاب را بعلت پخش پوسترهائی که عکس آن شهید رویش بود به اسارت گرفتند و پس از دو سه روزی آزاد کردند، بجز یک نفر. برای خون دادن هم عده‌ای رفتند که راهشان ندادند.

از جمله جاهائیکه کشته‌ها را دیدند کوچه آقازاده، کوچه پشت مسجد فاطمیه و سه راه آذر و... است. در همین محل‌ها با خون به دیوارها نوشته بودند: "سلام بر خمینسی، مقتل شهید". در جیب یکی از شهدا وصیت‌نامه‌اش را پیدا کردند. روز سه شنبه هرجا خونی ریخته بود توسط مأمورین شست و شوشد، بجز خونی که در مدرسه حجتیه ریخته شد، که هنوز هست. تیراندازی تا ساعت ۹ شب ادامه داشت، مخصوصا حوالی سه راه ارم، چهارمردان مدرسه و گذر خان و حوالی مسجد فاطمیه. گاردیها خیلی بودند (بیش از صد نفر) و در نظریه قم، سربازها آماده‌باش داشتند. صبح سه شنبه ۲۰ دیماه ۱۳۵۶ همه شهر تعطیل بود و در تمام چهارراهها و سه راهها گارد شهرتانی بصورت کاملاً مسلح پراکنده بود، بخصوص سه راه آذر - ارم و مقابل بازار - چهارراه مسجد امام، سه راه چهارمردان - ارم، چهارراه بیمارستان، و طرف پل آهنی، سرتاسر خیابان مردان و کوچه‌های اطراف آن از جمله گذر قلعه که در اینجا درگیری جوان‌های قوی با مأمورین خیلی شدید بود. مخصوصا از پشت بامها گاردیها را مورد حمله قرار میدادند، با سنگ و فحش به شاه و فرح و شعار... راستی ناگفته نماند که عصر و شنبه و شب هنگام مردم خیلی از فراریها را که مورد تعقیب گارد بودند در خانه‌های خود پناه دادند و حتی زخمیها را رسیدگی کردند. مردم نفرت خود را بطور علنی آشکار میکردند، نه اینکه

بترسند و فرار کنند .

در خیابان ارم و موزه و قم نوو . . . و همه جا گاردیها لول میخورند ، چند تا چند تا ، چند قدم به چند قدم . يك حكومت نظامی كامل . عده زیادی از طلاب و مردم به خانه آقای گلپایگانی رفتند تا ایشان تصمیمی و اقدامی را اعلام دارند . ایشان منزل نبودند و رفته بودند با دیگر مراجع ششور کنند .

مردم - زن و مرد - در طول خیابان چهارمردان ، سرکچه ها با چوب و سنگ با گاردیها کلاویز بودند و اگر ماشین پلیس عبور میکرد آنها بسنگ میکردند . پلیس در چند مورد مجبور به استفاده از گاز اشك آور شد . در خانه آقای گلپایگانی و حوالی آن جمعیت همچنان منتظر بود تا اینکه آقای یزدی به نمایندگی از طرف آقایان آمدند و صحبتی کردند باین مضمون :

" من از جلسه مراجع در منزل آقای شریعتمداری به "

" اینجا آمده ام ، آنها جلسه داشتند . "

" بسم الله القاصم الجبارین "

" ان الذین قالوا ربنا اله شم استقامو تنزل علیهم "

" الملائکه انا لله وانا الیه راجعون "

" من از پیش مراجع می آیم . من بی پرده به آقایان گفتم "

" که این طلبه ها و مردم کشته و مجروح داده اند و من "

" اگر بروم با آنها روبرو بشوم چه جوابی بد هم . بدانید "

" که دشمن وحشی است و از هر درنده ای وحشی تراست "

" ما فعلا نباید در کوچه و خیابان تجمع داشته باشیم "

" چونکه قانون در این مملکت حاکم نیست و اگر در این "

" مملکت قانون حکومت میکرد این مردك تا بحال باید "

" صد بار بالای چوبه دار رفته باشد . اگر فکر میکند "

" که میتواند آیت الله العظمی خمینی را از ما جدا کند "

" سخت در اشتباه است و حوزه علمیه قم این قبیل "

" صحنه ها را مکرر دیده است و دشمن بداند که ماتا "

" آخرین قطره خونمان از حوزه علمیه و اسلام دفاع "

" خواهیم کرد . یکی از شهدا " ما در این فاجعه اخیر "

" شخصی که وقتی خواست وارد جبهه بشود (شریفی) "

" وصیت نامه خود را نوشته بود ، با قاطعیت تمام "

" وارد صحنه نبرد شد و بالاخره شهید گردید و اکنون "

" باید وارد میدان شد و هرکس که طبق آیه (. . . ومن "

" یولهم یومئذ دبره سوره انفال آیه ۱۶) "

" از وارد شدن بعیدان جنگ تخلف کند کافر خواهد "

" بود ، ولی با این حال چون دشمن وحشی است از "

" تجمع خود داری کنید و نظر آقایان اینست که حوزه "

" فعلا باید تعطیل باشد . آنها در مورد بازار "

" سخن نگفتند و خود بازاریها وظیفه خود را میدانند "

" و من قطع دارم آقایان اقدام خواهند کرد . "

در پایان آقای یزدی دعا کردند و سخنرانی تمام شد . شایع بود
 که آقای حایری گفته اند : " بازار باز باشد ، چهارشنبه به بعد بازکنند "
 و مردم عصبانی ، که ما جریمه اشرا میدهیم و آقایان چرا گفتند بازار باز شود
 بازاریها از این حرف نا راحت بودند . از هر مغازه برای تعطیلی - / ۱۵۰
 تومان جریمه گرفته اند . سرهنگ جوادی ملعون میگفت : " آخر چرا مغازه ها
 را باز نمیکنید ، مردم قند و چای و لازم دارند !!! " جلسه
 آقایان قرار بود که یک اعلامیه مشترک صادر کنند ولی بر اثر بروز اختلاف نظر
 صادر نشد و جدا جدا اعلامیه دادند . اعلامیه ها در اکثر شهرستانها
 از قبیل : تبریز ، تهران ، اصفهان ، اهواز ، مشهد ، آبادان
 و غیره پخش شد . سه شنبه ۲۰ دیماه ۱۳۵۶ رفت و آمد پیاده خیلی کم
 و سخت بود ، بخصوص برای طلاب ، که اگر آنها دیده میشدند ، حسابی
 کتک میخوردند . مخصوصا در خیابان ارم و چها راه بیمارستان . حتی
 اگر طلبه ای سوار ماشین بود ، پیاده اش میکردند و کتکش میزدند . در یک

مسعود حتی خود را ننده تا کسی را هم که طلبه سوار کرده بود زدند. در یک مورد دیگر طلبه‌ای سوار دوچرخه بود، در سه راه ارم - چهارمردان او را گرفتند، او وقتی خواست فرار کند دوچرخه اش به ماشین خورد و بساز گرفتار شد. پس از آن ۷-۸ گاردی تا حالت لغما او را کتک زدند و مجروح کردند. باز در موردی دیگر، دو جوان را از وانتی بیرون آوردند و به اتهام شرکت در تظاهرات سخت مضروب کردند. در مورد دیگر طلبه‌ای را چنسد گاردی آندرز زدند تا بیهوش شد، او را بهوش آوردند، او لنگان لنگان حرکت میکرد که به چند گاردی دیگر رسید، آنها نیز او را مفصل کتک زدند و سپس رهایش کردند.

این وضع تا آخر شب ادامه داشت. لذا روز چهارشنبه کمتر کسی از این خیابانها (ارم، صفائیه و چهارمردان) عبور میکرد تا مبادا بچنگ پلیس افتاده و یا باتهام شرکت در تظاهرات کتک بخورد. کم کم خبر کشتار قم تلفنا و از طریق مسافرین به همه شهرستانها رسید و عکس العمل آنان نیز ظاهر شد. از جمله اصفهان از چهارشنبه تا سه شنبه (حدود ۶روز) همه جا از جمله چهارباغ و جلفا تعطیل بود. نجف آباد از شنبه ۲۴ دیماه تا دوشنبه، بمدت ۳ روز، یکپارچه تعطیل بود. در مشهد در همان روز یکشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۶ تظاهرات مفصلی در خیابان نادری صورت گرفت. علمای تهران يك اعلامیه با امضای حدود ۱۲۰ نفر صادر کردند و بسختی نخست‌وزیری فرستادند که در قم هم پخش شد. همچنین بازاریان تهران و وعاظ تهران اعلامیه هائی در تقبیح اعمال وحشیانه دولت صادر کردند که همه در قم پخش شد. به دیوارهای مدرسه ها عکسهای جالب نصب شده بود، عکسهای از وضع دلخراش مردم و زیر آنها نوشته بودند: " این است ثمرات انقلاب ". یکی از عکسها، کودکان شهیدی از شهدا را نشان میداد. اعلامیه طلاب حوزه علمیه را (هرده صفحه اش را) چسبانده بودند. اعلامیه و عکسهای از تظاهرات واشنگتن نیز بر دیوارها نصب شده بودند. همچنین اشعار زیادی راجع به شهدا بود که طابلا جمع میشدند و آن اشعار را مینوشتند. در این روزها اگر یک نفر سازمانی

پایش را به یکی از مدارس، حجتیه یا نجفی و خان، میگذاشت حسابی کتک میخورد. در یکی از اعلامیه های علمای تهران (بدون امضاء و تند) یک هفته عزای عمومی اعلام شده بود، از شنبه ۲۴ دیماه شهرستانهای دیگر هم پیروی کردند. در اصفهان از چهارشنبه ۲۱ دیماه که تعطیل شده بود تا سه شنبه - هفته عزای - ادامه یافت. روز چهارشنبه با تهدید شخص استانداری و ساواک و شهربانی مغازه ها باز کردند. علاوه بر این اعلامیه، مسئله عزای عمومی رابعضی از علمای تهران به خیلی از شهرستانها اطلاع داده بودند، با این توضیح که یک هفته تعطیل نماز و روزه باشد و شب آخر این تعطیلی، یعنی شب جمعه، آقایان ائمه جماعت به مساجد رفته و مفضل سخنرانی کنند. این برنامه بخصوص در تهران عملی شد. در تهران روز پنجشنبه ۲۹ دیماه بازار و خیابان بوزرجمهری و بخشی از مغازه های ناصر خسرو بطور کامل تعطیل بود. پلیس خیلی تلاش داشت که بازار تعطیل نشود، ولی با این حال تعطیل شد. شب جمعه طبق قرار قبلی در مساجد مجلس ترحیم شهدا و سخنرانی برگزار گردید. در قم پس از "کشتار دوشنبه"، یکی دو روز منزل برخی از مراجع کنترل بود. روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۲۰ و ۲۱ دیماه در کوچه ها و خیابانهای قم زد و خورد گارد با جوانان قعی فراوان دیده میشد. بچه های قعی این شعار را میدادند: "با خون خود نوشتیم، از جان گذشتیم، بیامرگ یا خمینی، بیامرگ یا خمینی".

یک اعلامیه خطی پس از شرح واقعه خونین قم نوشته بود:

"آنها که کشته شدند کاری حسینی کردند و آنها"

"که مانده اند باید کاری زینبیبی کنند."

اعلامیه ای از طرف دانش آموزان دبیرستانهای قم منتشر شد که علاوه بر محکوم ساختن کشتار وحشیانه قم و ، نوشته بود: "شاه بتازگی کتابی نوشته است و در آن به آیت الله العظمی خمینی بعنوان تحریک شده از طرف مالکان و اهانتها کرده است و نوشته اطلاعات آزمایش است برای دیدن عکس العمل مردم".

روز پنجشنبه ۲۲ دیماه تظاهراتی از طرف رژیم با شرکت اجباری
محصلین قمی ترتیب داده شد . محصلین که اجبارا به این تظاهرات کشیده
شده بودند ، در لابلای شعارهایشان فریاد میزدند ، زورکی است ، زورکی
است .

مضحکتر از تظاهرات روز پنجشنبه ، تظاهرات روز یکشنبه ۲۵ دیماه
بود . خیلی ها خودشان ماشین هائی را که تظاهرکنندگان را از تهران
و اراک وسواوه وعده کمی از اصفهان و سه راه سلف چکان آورده بودند
شمرده بودند . قطعی است که بیش از . . . دستگاه اتوبوس شرکی و خط واحد
و اتوبوس کارخانه جات مردم از همه جا بیخبر را برای تظاهرات به نفع
شاه به قم آورده بودند . اتوبوس ها همه آنطرف پل صفائیه (از زنبیل
آباد سالاریه) پارک کردند و مردم قم !!! را از اصناف گرفته تا
کارگران و فرهنگیان !!! برای تظاهرات مهمی ! بطرف میدان آستانه
گسید دادند . حتی برخی شان نمیدانستند اینجا کجاست و یا وقتی
میفهمیدند ، میگفتند : " ما را آورده اند به جنگ امام زمان (ع) " و بر
سرشان میزدند و یا مسئله شکسته و یا تمام بودن نمازشان را می پرسیدند
چون سفرشان سفر معصیت بوده . باین ترتیب بیش از ده هزار نفر آورده
بودند برای تظاهرات میهنی !!! صبح محصلین را جمع کردند که
به جمعیت تظاهرکننده پیوندند ، آنها را بصف کرده و بحرکت درآوردند
محصلین شعار نمیدادند . وقتی آنها را مجبور کردند که شعار بدهند و
بآنها گفتند ، بگوئید " جاوید شاه " ، یکباره همه فریاد زدند :

" درود بر خمینی "

مزدوران شاه هم با باتوم به جانشان افتادند . بچه ها در حال
شعار دادن فرار کردند .

نزدیک کوچه ارک عده ای از طلاب میخواستند تظاهرات میهنی !!!
را بهم بزنند ، ولی دیدند نمیشود . لذا هروقت جمعیت میگفت جاوید شاه
آنها میگفتند ، جاوید خمینی . بعد از تظاهرات میهنی !!! گاردیها
ریختند توی مدرسه آقا نجفی وعده ای از طلاب را گرفتند . از فرهنگیان

قم جز دوسه نفر وابسته کسی شرکت نداشت و حتی از بازار بهیسا خواسته بودند که شرکت کنند، که نکردند. یک عده شان وصیت کرده بودند و گفته بودند: "اگر ما مجبور برفتن شدیم، میرویم و بنفع امام خمینی شعار میدهیم".

آقای فهیم کرمانی را گرفتند و به سقز تبعید کردند. آقای مکارم را به چاه بهار تبعید کردند. حسین نوری را به خلخال تبعید کردند. آقای گرامی را بعلت اینکه در کرمانشاه برای چهلیم حاج آقا مصطفی خمینی و در محلی دیگر نیز منبر رفته بودند به شوشتر تبعید کردند. آقای یزدی به بندر لنگه تبعید شدند. آقای سید علی خامنه ای به ایران شهر و آقای شیخ علی تهرانی بخاطر اعلامیه ای که صادر کرده اند به چاه بهار و آقای محمد جواد حجتی کرمانی به ایران شهر و آقای ربانی املشی به شهر بابک و آقای خلخالی به رفسنجان و آقای ربانی شیرازی به کاشمر تبعید شده اند. ظاهرا برای هر نفر سه سال تبعیدی مقرر شده است. آقای معادی خواه هم اخیرا دستگیر و ظاهرا به سیرجان تبعید شده اند.

هنوز پنج ماشین گاردی در قم هستند، و بیشتر در میدان آستانه و رویروی هتل بلوار و چهار راه بیمارستان مستقرند. بیش از ۳۰ نفر از علمای اصفهان اعلامیه ای خطاب به مراجع نوشته اند و اعمال دستگاه را تقبیح کرده اند. بیشتر آنان دستگیر و پس از اذیت و اهانت آزاد شدند. در بالا بردن سطح آگاهی و جرأت مردم، نوارهای جلسه چهلیم آقای حاج مصطفی خمینی در قم خیلی نقش داشتند و خیلی زیاد این نوارها تکثیر شد. راجع به اسامی شهدا و تعدادشان متأسفانه اطلاع دقیقی در دست نداریم ولی در گوشه و کنار شنیده میشد که آمار دقیقی هست و شاید بدستمان برسد، که میفرستیم. تعداد شهدا حدود ۸۰ - ۹۰ نفر است. از طلاب آقای شریفی اصفهانی و انصاری توسیرکانی و شیخ علی اصغر ناصری از بابل شهید شده اند. این اخبار مختصر راجع به قم و تهران و اصفهان بود و هنوز از شهرستانهای دیگر خبر بدستمان نرسیده است.

بیاد چهلمین روزشهادی (حماسه آفرین) دیماه ۱۳۵۶

حماسه پرشکوه ، برفراز ایران

"پانزده خرداد روی دستگاه حاکمه را سیاه کرد ، پانزده خرداد"
"ننگی بر دامن این حکومت گذاشت که تا آخر محو نخواهد شد"
"خودشان هم گفتند ، پانزده خرداد ننگ بود ، من هم میگویم"
"لیکن ننگه را نگفتند ، من ننگه را میگویم ، ننگ بسود که"
"سلسله‌ها را ، تانک‌ها را ، توپ‌ها را ، که از مال این ملت"
"فقیر بدست آوردند ، وبه روی این ملت فقیر بستند ،"
"و آنانرا پایمال کردند ."

از نطق پیشوا آیة‌الله خمینی ۳/۱۲/۸۳ هـ

"قیام" و "فاجعه" خونین قم که در روز دوشنبه ۲۹ محرم الحرام
۱۳۹۸ هـ برابر ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ پدید آمد ، و خون صدها آزاده
مؤمن و مسلمان متعهد ریخته شد ، این قیام و فاجعه ادامه دهنده قیام
های ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و قیام ۱۵ و ۱۷ خرداد ۱۳۵۴ بود ،
و آنانرا زنده کرد .

حماسه دیماه طپش قلب ملتی بود که زندگی را در اوج عظمت و آزادگی
طالب است ، نه در حضيض ذلت و بردگی ، و این روحیه نتیجه آئینی است
که دعوت خویش را ، بر نفس همه قدرتهای دروغین زمینی پایه نهاد ،

و با زبونی و خسواری در اقتصاد .

در اولین لحظه تولد قیام خونین مردم آزاده ، تظاهرات پرشکوهی با شرکت بیش از ۱۰ هزار نفر ، بر علیه " روزی نامه" اطلاعات رژیم که مقاله‌ای اهانت آمیز به مرجع تقلید شیعیان آیت الله خمینی، تحت عنوان " ایران و استعمار سرخ و سیاه " ، در این ورق پاره ها نوشته بود آغاز گردید .

بد نیال این یاوه سرائی ، موج خشم و نفرت سراسر ایران را ، بویژه شهرهایی که دارای مراکز آموزشی مذهبی هستند فرا گرفت . حوزه های علمیه یکی پس از دیگری تعطیل شد و آیات عظام ، از اقامه نماز جماعت ، و گویندگان مذهبی از رفتن به منبر ، به عنوان اعتراض خود داری کردند ، و تنفر و انزجار خود را به رژیم سفاک شاه ، و قدرتهای دروغین زمینی ، اعلام کردند ، همچنین گویندگان مذهبی و اساتید با سخنرانیهای پر شور در برابر سیاست بر باد رفته رژیم جبهه گرفتند . این حادثه که در سالروز ننگین اجرای مواد باصطلاح انقلاب سفید - که با خون هزاران شهید از مردم رنگین شده - هم زمان بود ، و مردم در مرحله اجرای طرحهای استعماری این انقلاب رژیم بودند ، و میدیدند که سلطه غریبی ، به رهبری امپریالیسم آمریکا ، و رژیم حاکم بر مردم آن را پیاده کردند و هدف این طرحها ، نابودی مذهب ، و ایجاد دیکتاتوری حاکم بر مردم بود . این احساس و آگاهی در مردم وجود داشت که با این طرحهای استعماری ، مبارزه کنند ، و روند این مبارزات ملی در قیامها ۱۵ خرداد ۴۲ و ۱۵ - ۱۷ خرداد ۵۴ ، و آخرینش ۱۹ دیماه ۵۶ متجلی گردید و خشم مردم در حد اعلا ی حماسه آفرینی بروز کرد .

مردم در ستندیدگی ، با ویژگیهایی چون کرسنگی ، درهم پاشیدگی اجتماعی ، نظامی گری رژیم استعماری ، وضع اسفناک اقتصادی ، کوبیدن مذهب راستین اسلام ، اسارت روشنفکران ، فشار پلیسی بر مردم و اختناق در همه دوره حکومت . ۵ ساله خودکامه رژیم پهلوی بیش از پیش آسیب دیده اند .

این مردم، با حمل زخمهای بسیار ژرف، و نفرت و خشم و قهر انقلابی، در برابر این عناصر استعماری به ستیز برخاست، و زمینه یک مبارزه شدید سیاسی و مسلحانه در این قیامهای خونین آماده گردید.

این ستیز، از برخورد دو جبهه، که یکی ضد مردمی و شامل عناصر داخلی (رژیم) و خارجی (استعماری)، و دیگری مردمی و دارای عناصر علما و دانشجویان - در سطح رهبری - و اقشار مختلف مردم از کشاورزان و کارگران و تجار و پیشه‌وران، حاصل آمد.

این ستیزه پیامدهائی از نفرت مردم، بر کشتار و زندانی کردن و تبعید و ترور رهبران مذهبی، و روشنفکران آگاه، و دانشجویان متعهد و مردم زحمتکش، که رژیم اعمال میکند، در برداشت که در نهضت‌های خرد اد ۲۴ و ۵۴ و دیماه ۵۶ متجلی گردید.

خشونت‌های که رژیم در سرکوبی گذشته بکار برد، نشان دهنده وحشتی است که از اوجگیری شور مبارزه آزاد یخواهی خلق مسلمان ما دارد، و معرف نیاز حیاتی سلسله جهانی به زور و چماق، برای پیاده کردن طرح‌های استعماری انقلاب باصطلاح سفید بود، این توطئه ضد انقلابی و پر خون، بفرمان امپریالیسم آمریکا در جامعه ما پیاده شد.

سلسله امپریالیسم جهانی، یکپارچه بحمايت از رژیم و نفی و تخطئه نیروهای مردمی جامعه پرداخت. این بار نیز در ۱۹ دیماه نیروی مستقل مبارزه جوی مسلمان ما با تکیه بر رهبری مرجعیت به مقابله با توطئه انقلاب باصطلاح سفید و دسیسه‌های رژیم و تبلیغات دروغین و بی‌شرمانه پرداخت، و قیام مردمی را در اوج عظمت و استقامت و شهامت، برپا کرد.

پاسخی که توده مستضعف با خون خود برای پاسداری نهاد ارزشهای اصیل اسلامی، و دفاع از روحانیت مسئول، همزمان با جشنهای ننگین رژیم به وی داد، این واقعیت را می‌رساند که خلق مسلمان ما همیشه جواب‌گوی این توطئه‌های استعماری می‌باشد، استفاده از قهر انقلابی در مقابل ادعای ورق پاره‌های رژیم، راه پر شکوهی را، که این مردم تحت تأثیر فرهنگ انقلابی " شهادت " در مبارزات سیاسی اجتماعی

جامعه ما گشودند، نشان داد. تشکیل تظاهرات و تکوین خطابه های افشاگرانه، حمله به پایگاه های استثماری رژیم "بانکها"، یورش به مواضع و مراکز مأموران رژیم، مثل "دفتر حزب رسوا خیز" و "کلاتری ها" از ثمرات تعیین کننده این راه گشائی و آگاهی مردم است. در پانزدهمین سالگرد طرح های استعماری رژیم، مانند باصطلاح "آزادی زنان" - که او عامل اسارت زن در زندانها، و بدبختیها تا بحال است - بار دیگر زن مسلمان، نقش قهرمانانه خود را نشان داد، و با تظاهرات پر شکوه، و قهرآمیز در مشهد و قم و در دانشگاه های تهران و بعضی از شهرستانها، با فریادهای جاودانه، اعمال خائنانه رژیم را هر چه بیشتر افشا نمود و حمایت خود را از جنبش اصیل انقلابی به رهبری آیت الله خمینی نشان داد.

تظاهرات و قیام ۱۹ دیماه، در قم، که به رهبری طلاب آگاه و بازاریان متعهد سازمان یافته بود، از همه جا وسیعتر و پر خروشتتر بود، و به مدت ۵ روز کسبه و مردم با تعطیل عمومی، پیوند خود را با روحانیت مسئول نشان دادند و پایگاه علم و فضل شهر قم، موضع خصمانه خود را در برابر رژیم به جهانیان ارائه داد، و بار دیگر خاطره ۱۵ خرداد ۴۲ را در اذهان جهانیان تداعی کرد. این قیام و حادثه خونین آینده ساز است، چونکه تأثیر آن بر آینده حیات ملت ماسعیق است.

این قیام باز هم از ویژگی خاص شرکت مردم، تمام مردم، برخوردار بود. در قیام ۱۹ دیماه، ملتی با تمام وجودش بدنبال پیشوائی آزاده، کوه مدتهاست دنبال وی برافزوده، و بر اندام دشمن خونخوار لرزه افکننده بپا خاست. این ملت که تحمل توهین و استهزا به این رهبر و مرجع را نداشت، چنان حماسه ای را برافزاند که یکی از پرشکوهترین حماسه ها تاریخ ایران است. و حتی این قیام در شهر مذهبی قم محدود نگشت بلکه به شهرهای بزرگ ایران کشیده شد و مردم آن شهرها با تعطیل عمومی و اعتصاب از آن قیام پشتیبانی کرده و پیوند خود را نشان دادند.

دشمن که غافلگیر شده بود ، برای رفع خطر و جلوگیری از گسترش شورش، بخشونت بیسابقه ای دست زد ، غافل از اینکه نیروی ملت اینبار نیز از عمق آگاهی و وجدان مذهبی بر خاسته ، آنهم مذهبی که همواره هدفش مبارزه خستگی ناپذیر با شرک و طغوت‌هایی بسان پهلویها تا بر قراری نظام عدل و آزادی ، بسان حکومت علی است .

اختناق و کشتاری که در ۱۹ دی از طرف رژیم فاشیستی یزیدی ، علیه ملت ایران اعمال شد ، خیلی شدید بود .

اصولا پس از قیام ۱۵ خرداد ، دانشگاهها و حوزه های علمی اسلامی یکی از محکمتین پایگاههای مبارزه علیه دشمنان ملت گردید ، و دشمن نیز به این واقعیت بخوسی آگاه است و هر روز با یورش تازه‌ای میخواهد این محکمتین دژهای انقلاب را ویران کند و رشیدترین فرزندان ملت را ، که در این پایگاه ها به مبارزه ادامه میدهند ، به بند بکشد . حملات وحشیانه مزدوران ، هر بار چهره دانشگاه ها و حوزه های علمی کشور را ، بخصوص در قم و تهران کنگون میکند . یورش وحشیانه در دو سال پیش به مدرسه فیضیه و کشتار عده‌ای از ارجمندترین برادران انقلابی ما ، و دستگیری گروه کثیری از روحانیون مبارز که به بسته شدن این مرکز علمی و انقلابی نیز منجر شد - که همچنین تعطیل است - همچنین یورش وحشیانه مستمر به دانشگاه های تهران و تبریز و شیراز و اصفهان و آبادان و مشهد ، از نمونه بارز این واقعیت تلخ است .

اما صدای حق طلب روحانیون مسئول و دانشجویان روشن اندیش و گروه های روشن مردم ، به رهبری امام خمینی ، تا سرنگونی رژیم منفور ادامه خواهد یافت و خاموش شدن نی نیست .

ارزهایسی اثرات يك نهضت و حماسه	اثرات و نتایج
را باید بتاریخ آینده محول کرد ، اما	قیام ۱۹ دیماه
چگونه میتوان از اثرات آشکار قیام ۱۹ دی	
چشم پوشید و در باره آن سخن نگفت . در ذیل به پاره‌ای از	

اثرات این قیام اشاره می کنیم :

۱ - این قیام بار دیگر نقش فراموش نشدنی دین خدا را، که سراسر زندگی یک مسلمان واقعی را بحرکت بدل میسازد، در یادها زنده کرد و نشان داد که نهضت انسان ساز اسلام هم چنان زنده و افتخار آفرین به مقصد نهائی خود به پیش میروند و طوفان حوادث و تحریفات و ویرانگریها نتوانسته است مانع این جریان اصیل خدائی گردد. این قیام در روزگار ما مرز میان "اسلام انقلابی" و "اسلام تسلیم قدرتهای ضد مردمی زمانه" را مشخص کرد و مگر نه اینکه خلفا و حاکمان ستمگر تاریخ اسلام نیز همواره میکوشیدند تا بنام اسلام چپاول کنند.

۲ - قیام ۱۹ دیماه امسال و قیام های خرداد سالهای گذشته، مبارزه را در سطح بس وسیعتر از آنچه پیش از آن بوقوع پیوسته بود، گسترش داد و همه، اقتدار ملت را تحت "لسوی نهضت" گرد آورد، وطنی - نه گروه خاصی - با همه وجودش، دریافت که در چه جهنم سوزانسی از بدبختی بسر می برد و تصمیم گرفت نقش عمده خود را بازی کند و مسئولیت انسانی و سیاسی و اجتماعی خود را ادا کند.

۳ - قیام، با رسوا کردن رژیم، بزرگترین ضربه را بر پیکر مصالح امپریالیسم فرود آورد، زیرا پوشیده نیست که منافع امپریالیسم در ایران تنها به چپاول اقتصادی و مادی محدود نمیشود، بلکه رژیم، در سایه همدستی با صهیونیسم بین المللی، توطئه های زیادی در خاورمیانه و بخصوص برای نهضتهای آزاد بیخشم مردمی آن کشورها انجام میدهد، اما با خشم و نفرتی که قیام دیماه در برداشت، امپریالیسم آراش خیال خود را بکلی از دست داد، گو اینکه عملا هنوز امپریالیسم بهره برداری میکند، اما جدائی نیروی مردمی از رژیم، نفوذ امپریالیسم را در ایران کاهش میدهد.

۴ - قیام ۱۹ دیماه رژیم را هرچه بیشتر در سطح سیاسی و اجتماعی و فرهنگی رسوا کرد، رژیم سعی میکند با تمام وسائیل

ارتباط جمعی - روزنامه ، مجلات ، رادیو ، تلویزیون و خبرگزاریها - به ایرانیان و تمام جهان نشان دهد که او بر اساس رضایت مردم حکومت میکند ، اما این قیام جواب دندان شکن و قاطعی بود بر یاوه گوئیهای رژیم و نشان داد چگونه طبقات مردم در تمام گوشه و کنار کشور ، نفرت و انزجار خود را از رژیم دیکتاتوری و استعمارگرانه ، اظهار کردند .

۵ - قیام ۱۹ دیماه به ملت آموخت که چگونه باید از مرحله مبارزات در سطح بحث و شعار دادن و اعلامیه منتشر کردن به مرحله مبارزات عملی انقلابی علیه رژیم فراتر رفت ، بخصوص در مقابل شیوههای عملی رژیم در برابر مردم . شجاعت و استقامت و بخرج دادن قهر انقلابی توسط خلق ما ، در مقابل چوب و چماق و زور و گلوله و بمب اشک آور ، بیانگر بالا رفتن سطح فرهنگ مبارزاتی خلق ما است .

۶ - شکستن شیشهها و تابلوهای مراکز استثمارگر اقتصادی (بانک) نمایانگر آگاهی ملت ما از نقشهای استثمارگرانه رژیم و طبقه سرمایه دار غارتگر بود ، نفرت و خشم مردم در برابر این مراکز ، نمایانگر خواسته های مردم در نابود کردن نظام اقتصادی سرمایه داری غارتگر و ایجاد یک نظام اقتصادی عادل بر اساس پایه های اسلامی است .

انگیزه و ماجرای روز شنبه ۱۷ دیماه که همه جا قیام ۱۹ دیماه را تبلیغات لغواگرانه شاه ، و تجلیل از انقلاب کدائی پر کرده بود ، ننگین

نامه اطلاعات با بی شرمی تمام ، در مقاله ای تحت عنوان " ایران و استعمار سرخ و سیاه " با تحریف حقایق و فحاشی به مرد بزرگی که تمام زندگیش را در مبارزات ضد استعماری گذرانده و در مقابل حکومت فاشیستی شاه ایستادگی میکند ، و پیوسته مدافع حفظ حقایق اسلام و مسلمین بوده ، اتهام بی اعتقادی و شهرت طلبی می زند و ایشان - آیت الله خمینی - را شاعری عاشق پیشه و بنام عامل استعمار و سید هندی معرفی می کند . این مقاله توسط یکی از مزدوران رژیم نوشته شده بود ، تا با خیال خود بتوانند از مقام والای رهبری و مرجعیت

امام خمینی بکاهند ، رهبری که حدود بیست سال است همواره در مبارزه برای آزادی این ملت می کوشد .

روز یکشنبه ۱۸ دیماه جلسات دروس حوزه علمیه قم تعطیل شد و بدنبال آن در روز دوشنبه ۱۹ دیماه تمام مغازه ها و کارگاه های خصوصی بعنوان اعتراض تعطیل کردند . وسعت اعتراض بازاریان و کارگران بی سابقه بود . طلاب و دانشجویان همراه با کارگران و بازاریان و پیشه وران و دانش آموزان ، به راهپیمائی عظیمی پرداختند ، که جمعیت آنها بیش از ده هزار نفر تخمین زده میشود ، و بعنوان پشتیبانی و پیروی از مراجع و علما و اساتید حوزه به منازل آنها رفتند ، و مراجعی چون گلپایگانی ، شریعتداری ، نجفی مرعشی ، روحانی ، و اساتیدی چون نوری ، مکارم ، وحید ، آملی ، روحانی ، موسوی ، یزدی و مروی ، با خطابه های خود ستم و اعمال رژیم و دستگاه فاشیستی شامرا محکوم کردند ، و انزجار کامل مردم و جامعه روحانیت را از رژیم شاه و عمال سفاک آن و قلم در دستان مزدور آنها ، بیان داشتند .

ولسی عوامل ساواکی و گارد نظامی و ژاندارم در این روز با چوب و چماق و بمب اشک آور ، بتظاهر کنندگان یورش بردند و آنانرا متفرق کردند ، و لسی این عمل ، تظاهر کنندگان را از ادامه اعتراض باز نمی داشت ، و هر ساعت تشکل و وحدت میان روحانیت و مردم بیشتر می گردید ، تا اینکه ظهر شد و جمعیت متفرق شد .

در همان روز دوشنبه ۱۹ دیماه حدود ساعت ۳ بعد از ظهر جمعیتی حدود ۱۲ هزار نفر از مسجد اعظم قم حرکت کرد و بطرف منزل آقای نوری - در صفائیه خیابان بیگلری - براه افتاد ، و سپس از سخنرانی پسر شوری از طرف آقای نوری ، مردم به طرف میدان بیمارستان فاطمی - که هم اکنون بنام " میدان شهید ای ۱۹ دی " نام گذاری شده - حرکت کرده تا بمنزل یکی دیگر از اساتید آگاه بنام آقای مشکینی بروند و با آرا مشخص ، بخاطر بهانه ندادن به پلیس برای منع تظاهرات ، براه خود ادامه دادند ، که در این موقع نیروی پلیس

تاب مقاومت و تحمل را نیاورد ، و نیروهای گارد شهرانی و افراد ضد امنیتی ساواک ، با پشتیبانی ژاندارمری و ارتش و ماشینهای آتش نشانی به طرف جمعیت یورش برده و وحشیانه به مردم حمله کردند . پلیس برای آغاز حمله خود با شکستن اولین شیشه بانک صادرات ، بوسیله عوامل ساواک ، بهانه جسته و حمله را بر مردم شروع کرد . در همان حال که گارد با استفاده از چوب و چماق و زنجیر به جمعیت حمله کرد ، نیروهای شهرانی و عوامل ساواک شروع به تیراندازی کردند ، تفنگهای " و - ث " که در ماشین آتش نشانی و آستین مأمورین مخفی شده بود ، به افراد ساواک داده میشد و حمله وحشیانه جلادان رژیم شروع گشت ، حمله وحشیانه گارد به مردم بی سلاح ، حدودا تا ساعت ۴ در یک حمله و گریز ادامه یافت . مأمورین تمام گلوله ها را بر سر و سینه و دست و پای مردم نشانه می رفتند و هر کسی که در مقابل لوله تفنگ قرار میگرفت بگلوله می بستند ، اما مردم با مقاومت و شجاعتی بی نظیر در برابر آنها ایستادگی کرده ، و با سنگ و چوب درختهای منطقه شروع به دفاع از خود ، و هجوم به مزدوران کتیف کردند .

زنهار ، کودکان ، پیر مردان ، جوانان دانشجو و روحانی در این حمله وحشیانه کشته میشدند و ریختن این خونها حماسه مردم را بیش از پیش افزایش میداد . مردم اجساد شهدا را بر روی دستهای خود برداشته - خصوصا اولین کودک ۱۲ ساله که با اولین گلوله کشته شده بود - و با شعارهای ، الله اکبر ، الله اکبر ، لا اله الا الله ، حس علی خیر العمل ، حس علی خیر العمل در خیابانها و کوچه های شهر براه افتادند و بنازل مراجع و علما و اساتید رفتند و حماسه عجیبی را آفریدند .

با تشییع جنازه شهدا روی دست ، دایره تظاهرات از فشرده گسی و پیوستگی خود بیرون آمده گسترده تر میشود و یک دایره وسیعی را در بر می گیرد ، و از میدان صفائیه به اطراف حرم ، صفائیه ، پل حجتیه مدرسه حجتیه ، بیمارستان فاطمی ، یخچال قاضی ، خیابان ممتاز ، میدان

آستانه ، گذر خان و خیابان چهار مردان کشیده میشود و نیروهای گارد و افراد پلیس و ارتش و ژاندارمری و ساواک نیز به اطراف پخش میشوند . در مدرسه^۹ خان سه روحانی که در اطاق خود بودند به گلوله بسته میشوند ، جوانان افراد گارد رابه داخل کوچه ها میکشیدند و با فریاد بچه حرام ، پرورشگاهی مزدور کتیف ، پدرت کیست ؟ ، آنها را وادار به تعقیب خود میکردند ، سپس جوانان بر سر آنها می ریختند و آنها را با زنجیر و چوب میزدند ، تظاهر کنندگان دیگر با فریاد های خشمگین خشم خویش را علیه رژیم دیکتاتوری در تمام نقطه های شهر ابراز میکردند ، و شیشه بانکهای استثمارگر و مقرر حزب رسوا خیز را شکستند ، آن روز تا ساعت ۹ شب این جریان ادامه یافت .

در روزهای بعد ، خصوصا سه شنبه و چهارشنبه ، مردم بطور وسیعتر در این درگیری مشارکت نموده و حتی زنان از پشت بامها بر سر افراد پلیس و ساواک آجر می پرازند . بعضی از جوانان با سوار شدن بر موتور و با حمل قداره نزدیک مأمورین رسیده و با زخمی کردن آنها فرار می کردند ، که رژیم بناچار هر موتور سواری را دستگیر میکرد . این درگیری که در نوع خود کم سابقه بود ، نشان دهنده^{۱۰} استعداد ملت برای مبارزه و قیام است . رژیم وادار گردید در مواضع خود بیشتر متمرکز شود و شبها با اعلام حکومت نظامی از عبور و مرور مردم بشدت معانعت میکرد و حتی در روز سه شنبه اطراف حرم و گذر خان و چهار مردان هر عابری را دستگیر میکردند .

رژیم ضد مردمی بودن خود را با ابعاد گوناگونش در آن روزها نشان داد و بر خلاف همه^{۱۱} موازین انسانی و حقوق بشری و بطور وحشیانه عمل نمود . زمانیکه زخمیها را به بیمارستان هامنتقل میکردند بدستور رژیم و دخالت پلیس دکترها از مداوای زخمیها منع میشوند و حتی چنانکه شاهدان عینی ناظر بوده اند با آمبول هوا آنها را میکشیدند و کسانیکه برای اهدای خون رفته بودند دستگیر میکردند و تمام اجساد یکه یا در کوچه و خیابانها کشته و یا در بیمارستان ها در اثر عدم رسیدگی شهید شده

بودند ، جمع آوری و به سرد خانه دولتی منتقل میکنند ، با این خیال که میتوانند جنایات خویش را بپوشانند ، با این حال بازاریان شریف و آزاده مدت چهار روز مغازه های خود را بسته بودند و پس از این حادثه خونین پرچم های سیاه به نشانه عزای عمومی بر سردر مغازه ها و معابر دیده میشد ، در شبها حکومت نظامی با گارد کمکی از تهران و ارتش پادگان قم تکمیل میشد ، و تا شب هنگام هم صدای گوله بگوش میرسید ، بدین سان که هرکس بهر عنوان که در معابر عمومی دیده میشد بگوله میستند و چه بسیار افرادی که در این حمله های وحشیانه و ضد انسانی جان خود را از دست دادند .

در این قیام ملی و مذهبی رویدادهائی رخ داد که بیانگر وحشیگری افراد گارد و ضد انضیتی رژیم از یکطرف و حماسه های غرور آفرین مردم و طلاب و دانشجویان آگاه از طرف دیگر است . از جمله میتوانیم چند نمونه بعنوان مثال و بنا بنقل شواهد عینی در اینجا بیاوریم :

۱ - مادران مبارز و دختران آگاه همگام با مردان شریف بگونه ای در این قیام شرکت کردند ، و علیرغم ادعای رژیم بر ارتجاعی بودن روحانیون ، و در بند کشیدن زنان ، این خواهران در روز آزادی کذائی و تحمیلی از طرف استعمار ، چنان مشت محکمی بر پاهو سرائیهای بلند گوه های رژیم زدند ، که واقعا غرور آفرین بود ، این خواهران و مادران ، فرزندان و برادران خود را تشویق میکردند که با افراد گارد درگیر شوند و آنها را با سنگ و چوب ادب کنند ، و در ضمن زخمیها را به خانه هایشان می بردند و آنها را پانسمان میکردند .

۲ - جوانان قم برای نشان دادن مخالفت خود با سیاست غلط اقتصادی رژیم و محکومیت نظام سرمایه داری اکثر بانکهای قم را شکستند و در آماري که بدست آمده بیش از یازده بانک صادرات و پنج بانک ملی و یک شعبه بانک عمران ، سپه ، اعتبارات ، بانک تهران ، و بانک تعاونی و توزیع را شکستند . همچنین به دفتر حزب رستاخیز یورش بردند و تمام وسایل آنرا به خیابان پرتاب کردند .

۳ - یکی از مجروحین که از ناحیه پا تیر خورده بود دوان دوان خود را به یکی از کوچه ها رساند و عده ای جوان برای حمل او به یکی از خانه ها به دور او جمع شدند. وی ابتدا گفت لحظه ای صبر کنید سپس با گذاشتن انگشت خود بر روی زخم و آغشته کردن با خون خود بر روی دیوار نوشت " زنده باد خمینی ، مرگ بر این حکومت یزیدی " که آثار این نوشته تا چند روز بر دیوار آن کوچه باقی ماند .

۴ - پس از تمام شدن جریانات قم چند تاجر عده قم که نقش مهمی در بستن بازار و کمک به خانواده های شهدا و مجروحین داشتند ، تبعید شدند و چند نفر از اساتید حوزه ، مانند آقای مکارم شیرازی آقای یزدی ، آیت الله نوری و آقای وحید خراسانی را تبعید کردند . عده ای نیز مخفی شده اند .

۵ - شعارهایی که در این مدت بطور وسیع داده میشد ، بیانگر انواع آزاد منشی و عدالتخواهی مردم بود . مردم نیز با حمل شهدا و مجروحین و در گردش دادن آنها در کوچه و خیابانها شعارهای زیر را تکرار میکردند که موجی از احساس پاک مردمی را برانگیخت . شعار ها عبارت بودند از :

الله اکبر ، الله اکبر
 حی علی خیر العمل ، حی علی خیر العمل
 مرده باد شاه
 یا مرگ یا خمینی
 مرگ بر این حکومت یزیدی
 مرگ بر این حکومت فاشیستی
 خمینی خدا نگهدار تو
 میکشیم دشمن خونخوار تو

۶ - با اینکه رژیم سعی می نمود که بر جنایات وحشیانه خود پرده بکشد و تعداد کشته شدگان و مجروحین را پنهان کند ، لذا کشته شدگان و مجروحین را به بیمارستان کامکار که وابسته به " کامکار "

معاون سازمان امنیت قم می‌باشد منتقل می‌کرد ، و از دادن خون به مجروحین و پانسمان کردن جراحات آنها خود داری می‌کرد و به بیمارستانهای دیگر دستور داد که از پذیرفتن مجروحین خود داری کنند . اما آماري که میتوان بدان استناد نمود و نیز مدارك بدست آمده این آمار را تأیید میکنند ، تعداد کشته شدگان بیش از ۷۰ نفر و تعداد زخمیها بیش از ۶۰۰ نفر هستند (که امید است در آینده نزدیک اسامی شهدا و هویت آنها را منتشر کنیم) .

۷ - رژیم با این همه ارتش و گارد و عوامل ساواک هنوز در اوج ترس می پیچد و تا بحال اجازه تشییع ، اقامه فاتحه و مجلس یاد بسود ، نشر اعلامیه برای شهدای قم نداده ، تا شاید بتواند خاطره این شهدا را از اذهان مردم محو کند ، اما این آرزوی خود را با خود بگور خواهد برد ، چرا که خونهای این شهیدان در رگهای تمام ملت مسلمان ایران و در همه جای دنیا رخنه کرده و میجوشد . و برای ادای دین خود ، آنها را زنده می پندارند ، که آنها هنوز زنده اند و تا گرفتن انتقام خون آنها و تمام شهدای دیگر مشعل مبارزه روشن خواهد بود .

۸ - رژیم برای سرپوشی بر جنایات خود و برای گمراه کردن افکار عمومی از روزی نامه ها و رادیو تلویزیون با تبلیغات وسیعی استفاده کرده و میکند تا بتواند این تظاهرات و قیام ملی را لکه دار کند و آن را بتحریرك استعمار و عوامل ارتجاع معرفی نماید ، همچنین يك عده ساواکی و کارمند و دانش آموز و گروهی از کارگران را با زور و با تطمیع گردآوری کرده و از آنها به عنوان حربه ای بر ضد مردم استفاده میکند ، اما این حقیقت برای همه روشن است که با این بازیها نمیتوان صدای يك ملت را خاموش و یا آگاهی او را خفه کرد ، مثلا چند روز پس از قیام ۱۹ دیماه ۲۰۰۲ دستگاه اتوبوس پر از کارگران - از ساوه و تهران و اراک - وعده قلیلی از دانش آموزان قم وعده کثیری از ساواک در وسط حصارى از گارد مسلح در برابر صحن مطهر قم جمع شده و بعنوان اینکه اهل قم هستند ، اظهار انزجار و نفرت از بعضی که این حوادث را ایجاد

کرده (قیام ۱۹ دیماه) بنمایند و همچنین همبستگی خود را با رژیم اعلام کنند . اما رژیم خود را با این تلاشهای مذبحخانه در برابر مردم آگاه رسواتر میکند .

پیامدهای ۱ - مشارکت تمامی نیروهای

قیام ۱۹ دیماه مبارز مسلمان از اکثر دانشگاه ها و

مدارس عالی کشور در اعتصابات

عمومی و تظاهرات افشاگرانه و یورش بردن بر مراکز دولتی و انتظامی رژیم و این موج عظیم دانشجویی چنان شدید بود که تمامی مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی جهان آنرا گزارش داده و از تعطیل کلاسها بدت یك هفته از طرف دانشجویان نیز هم گزارش شده بود .

رژیم با ترس از شورش دانشجویان و قشر مبارز روشنفکره اغلب

دانشگاه های تهران را ، از جمله : دانشگاه تهران ، علم و صنعت

پلی تکنیک ، صنعتی آریامهر و بعضی از مدارس عالی و همچنین

بعضی از دانشگاه های شهرستانها را رسماً تعطیل کرد .

۲ - همبستگی و اظهار همدردی با حادثه خونین ۱۹ دیماه

و اظهار انزجار و نفرت از اعمال رژیم از طرف جنبشهای انقلابی مبارز

ایران از جمله : روحانیون مبارز ، جنبش دانشجویان ، اتحادیه

دانشجویان اسلامی ، سازمان دانشجویان اسلامی و جنبشهای دیگر

اسلامی و ملی که نام آنها بدست ما نرسیده است .

۳ - اعلام تنفر و انزجار نسبت به شاه از طرف جامعه روحانیت

و حوزه های علمیه و مراجع تقلید و اساتید حوزه ها و وعاظ مسئول و آگاه

در همه شهرها و شهرستانهای کشور . صدور بیانیه ها و نامه های

سرگشاده اعتراض آمیز با طوماری از امضا های معترضین و تعطیل کردن

مجالس وعظ و نماز جماعت و بستن مراکز مذهبی و تعطیل درسهای علمی

بعنوان اعتراض و نفرت از کشتار رژیم در قم . حوزه های علمیه نجف

هم یك هفته تعطیل گردید و از طرف آیت الله خمینی و خوئی

اعلامیه‌ها همی صادر شد . همچنین حوزه‌های علمیه و روحانیون مبارز سوریه ، لبنان ، کویت ، پاکستان ، هند ، افغانستان و دانشجویان مسلمان کشورهای خارج همبستگی خود را با مردم مبارز ایران اعلام کردند . بدنبال این اعتراض‌های عمومی و اعتصاب و سخنرانیهای افشاگرانه از طرف وعاظ و اساتید آگاه مردم به مشارکت همه جانبه و اظهار همدردی با هممیهنان خود در قم ، دعوت شدند و لذا تظاهرات وسیعی در تهران ، اصفهان ، مشهد ، آبادان ، اهواز ، خرمشهر ، کاشان ، ساوه ، زنجان ، تبریز ، آمل ، بابل ، بندرعباس ، شیراز و دیگر شهرستانهای ایران انجام گرفت ، که در بعضی از شهرها با خشونت افراد پلیس و ضد امنیتی ساواک مواجه گردید و تعدادی کشته و زخمی بر جای گذاشت و مردم نیز به مراکز فساد و بانکها و مراکز تجمع وابستگان رژیم حمله کردند .

۴ - تأیید و همبستگی جامعه بازرگانان و پیشه‌وران و کارگران و کشاورزان در سطح وسیع کشور که با تعطیل عمومی بازارها و کارگاههای خصوصی و دادن اعلامیه و بیانیه‌های همبستگی آغاز شد . آنها آمادگی خود را برای مبارزه با رژیم اعلام نموده و با نوشتن پلاکاردهای بزرگبرای تجلیل از شهدای قم رژیم را محکوم کردند و با اعلام عزاداری کامل ملی پرچمهای سیاه را برافراشتند .

کسبه آگاه و مسئول نیز با ارسال پیامها و تلفن‌ها همدردی خود را اعلام نموده و با شرکت در اعتصاب‌های عمومی انسجام و نفرت خود را از رژیم دیکتاتور اظهار داشتند .

پیش‌تازان

بنام خدای شهیدان شیعه

واقعه تیریز در روز شنبه ۲۹ بهمن ، خون بود و انقلاب بود ، خون بود و آتش بود ، خون بود و حسین (ع) بود ، حسین بود و انقلاب حسین بود .

در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۵۶ در تمام شهر ، خصوصا بازار و دانشگاه ، اعلامیه آقای آیه الله شریعتمداری تحت عنوان اعلام عزای عمومی در روز شنبه ۲۹ بهمن پخش شد . روز پنجشنبه آیه الله قاضی (عالم بزرگ تیریز) در مسجد اعلام نمودند که تمام مغازه ها و اماکن روز شنبه را تعطیل کنند و در ضمن اعلام مجلس ختمی در روز شنبه ساعت ۱۰ - ۱۲ صبح در مسجد میرزا یوسف ، واقع در انتهای فردوسی ، نمودند .

روز شنبه ساعت ۸/۵ صبح دانشجویان ، دانشگاه را بکلی تعطیل کرده و بطور انفرادی روانه مسجد گردیدند . در این روز تمام مغازه ها (حتی نانوائی ها و بعضی از حمامها) تعطیل بودند . حدود ساعت ۱۰ در خیابانهای که به بازار ختم میشوند ، سیل جمعیت از تمام طبقات از محصل تا معلم و دانشجو و کارگر و بازاری در حرکت بود . اما جمعیت در جلوی مسجد با معانعت پلیس که نیروهای خود را در اطراف مسجد و بازار تمرکز داده بود مواجه شد . دقایقی گذشت و جمعیت حدود ۲۰ هزار نفر رسیده بود و از کار پلیس ناراحت بوده ، شروع به اعتراض کردند . ساعت حدود ۱۰/۵ بود که پلیس بناچار برای مرعوب کردن جمعیت چند تیر هوایی خالی کرد . در این موقع مردم نتوانستند خشونت پلیس را تحمل کنند ، و با شعار " زنده باد خمینی و صلوات " اعتراض ، همگانی شد .

موتور پلیس که در همان جا بود ، واژگون گردید و سپس آتش زده شد .

بعد مردم بطرف پلیس حمله کردند و چند نفر را مضروب و بقیه را فراری دادند . مردم کیوسک پلیس را نیز شکستند و آتش زدند و جیب گارد و ماشین پلیس را که در بین مردم بود واژگون کرده و آتش زدند . شعارها رنگ خون گرفته بود و ملت با شعارهای "زندمباد خمینی" و "مرگ بر شاه" راه پیمائی بزرگ خود را آغاز کرد . جمعیت از هر طرف به آنها ملحق میشد . و چون قبلا علما تیریز در باره بانک صادرات و همچنین بانکهای دیگر که محل رباخواری است صحبت کرده بودند ، مردم با تنفر زیادی بانکها را میشکستند و بعضی ها را که در بالای آن خانه مسکونی نبود به آتش میکشیدند . با آنکه بعضی از بانکها در کرکوه آهنی را بسته بودند ، اما مردم به کمک هم ، آهن را کج کرده و خود را به داخل بانکها می رساندند . در بین راه پیمائی و تظاهرات به سینماها و مشروب فروشیها حمله کرده ، بعضی را خرد و تعدادی را به آتش کشیدند . مردم چند گروه شده ، در خیابانهای مختلف حرکت می کردند . یک گروه بسوی ساختمان مرکزی حزب رستاخیز آنرا بجان شرقی حمله برد . جمعیت این گروه حدود ۱۵ (پانزده) هزار نفر بود ، که ساختمان مرکزی حزب رستاخیز را با ۱۴ ماشین متعلق به آن که در حیاط آن بود ، به کلی خرد کرده و به آتش کشیدند . گروه دیگری سمت کاخ جوانان که در نزدیکی بازار است حمله کرده ، آنجا را نیز بعد از خرد کردن به آتش کشید . از این دو ساختمان هیچ چیز باقی نماند . نفرت مردم آنقدر زیاد بود که میله های نرده های اطراف ساختمان را نیز کج می کردند و یا از جا در می آوردند . در میدان قیام تابلوهائی را که بر آنها اصول انقلاب نوشته شده بود ، لِه کردند و از جای در آوردند . در میدان خاقانی مردم به مجسمه شاه حمله بردند و تلاش زیادی از خود به خرج دادند ، تا مجسمه را ببندازند ، اما نتوانستند چون هنگامیکه خواستند از ستون بالا بروند با تیراندازی شدید ارتش که از دور سنگر گرفته بود ، روبرو شدند . ولی با زدن آجر و سنگ به مجسمه خشم خود را نشان دادند . جمعیت بزرگی که جلوی ترمینال

(تنها گاراژ مخصوص ماشینهای مسافری) رد میشد ، سه تابلوی بزرگ شاه و فرح و پسرش را پائین آورده و به آتش کشید . (در همین هنگام باز نیروهای ارتش به مردم حمله کردند) . مردم با پرچم های سیاهی که از مساجد تهیه کرده بودند ، در خیابانها می گشتند . در ایمن تظاهرات ملی علاوه بر بانکها ، تمام سینماها و مشروب فروشیهای تبریز خرد ، و بعضی ها به آتش کشیده شد . همچنین کارخانه ' بزرگ پیپسی کولا (هرچند خیلی از شهر دور بود) به وسیله ' جمعیت بزرگی که بسوی آن رفته بود ، بهم ریخته و به آتش کشیده شد . شیشه های یک ساختمان متعلق به خارجی ها و هتل اینترناسیونال معروف خرد شد . مردم در مسیر خود هر ماشین ارتشی و یا دولتی را که میدیدند ، وارونه کرده و سپس آتش میزدند .

در این حرکت افراد ساواکی که در بین مردم بودند ، سعی داشتند که حرکت را منحرف کرده و مردم را به خرد کردن مغازه های معمولی بکشانند . اما هدایت دانشجویان ، تلاش های آنها را خنثی نمود . در یک قسمت که ساواکی ها مردم را تشویق به خرد کردن پرورشگاه کودکان کردند ، چند دانشجو با رفتن جلوی نرده ها و " خود را سپر قرار دادن " ، با فریاد های بلند مردم را آگاه کردند و به آنها فهماندند که این افراد ، مأمورین ساواک هستند و هدفشان ایجاد انحراف در حرکت مردمی است . مردم سریعاً متوجه شده و از این کار دست کشیدند . درحین راهپیمایی و تظاهرات تمام کیوسکهای پلیس خرد و آتش زده میشد و تمام تابلوهائی که " آرم پنجاه ساله " روی آنها بود خرد می گردید .

لبه ' تیز حمله ' مردم متوجه ' مؤسسات دولتی مانند ، پلیس شهرداری ، اوقاف ، دخانیات ، اداره ' آموزش راهنمائی و دادگستری بود .

نیروهای شهرانی که تاب مقاومت در مقابل سیل خشمگین مردم را نداشتند ، در همان دقائق اول مضروب و فراری شدند .

حدود ساعت ۱۱/۵ صبح ارتش با تانکها و کامیونهای که حامل سربازان مجهز به اسلحه (ژ - س) بودند وارد صحنه شد . سربازان به مردم حمله کرده و با کشتن و مجروح کردن آنها ، سعی در متفرق کردن آنان داشتند . اما مردم دلیر تیریز با سنگ و آجر به سوی کامیونها و حتی تانکها یورش میبردند . این درگیری ، ابراز نفرت بود ، انقلاب بود و خون بود . این درگیری تا ساعت ۲/۵ - ۳ بعد از ظهر ادامه داشت . ارتش نیروهای زیادی در شهر پیاده کرده بود و این نشان دهنده ترس شدیدش از این حرکت بود . صدای گلوله همواره از نقاط مختلف شهر شنیده میشد . تیراندازی تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت . در شهر تا آخر روز یکشنبه حکومت نظامی برقرار بود . اکسون بیمارستانها پراز مجروح و کشته است . مأمورین در جلوی درهای بسته بیمارستانها ایستاده اند و نمی گذارند که حتی خانواده مجروحین از آنها ملاقات بعمل آورند . کشته شدگان تعدادشان معلوم نیست و زخمیان چون در چند بیمارستان بستری هستند ، تعدادشان معلوم نیست اما در بیمارستان پهلوی ۸۷ مجروح بستری هستند .

آمار از خسارات وارده بردشمن :

تعداد شعب و بیماران شده	تعداد شعب با آتش کشیده شده	بانکها
۲۱	۲۶	صادرات
۱۱	۵	ملی
۱	۵	بازرگانی
۵	۴	تهران
۵	۲	ایران شهر
۴	۳	سپه

۲	۱	عمـران
۲	—	اعتـبارات
—	۲	شهریار
۱	—	بین الطل ایران
۱	—	تجارتی ایران وهلند
۱	—	تجارتی ایران وزاپن
۳	—	پـار س
۱	—	ر هـنـسی
۱	—	بانک تعاونی وتوزیع
۱	—	بانک صنایع
—	۱	بانک ایران وانگلیس
—	۱	بانک فرهنگیان
۱	—	بانک بیمه ایران

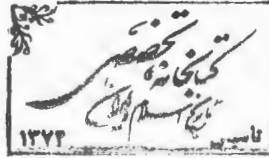
۶۱

۵۰

جمـع

- شیشه های اداره اوقاف شکسته شد .
- نمای وسط میدان باغ گلستان که روی آن اصول انقلاب نوشته شده بود ،
ویران شد .
- ساختمان رستاخیز با ۱۴ اتومبیل متعلق بآن ، به آتش کشیده شد .
- ساختمان کساح جوانان به آتش کشیده شد .
- شهرداری منطقه شـرق به آتش کشیده شد .
- شیشه های شهرداری منطقه غرب شکسته شد .
- کارخانه پیسی کولا به آتش کشیده شد .
- شیشه های هتل اینترناسیونال شکسته شد .
- شیشه های هتل کارون شکسته شد .
- شیشه های هتل آسیا شکسته شد .

- شیشه های سازمان تعاونی ۳ شکسته شد .
- سازمان تعاونی ۲ به آتش کشیده شد .
- ۴ سینما به آتش کشیده شد .
- شیشه های ۵ سینما شکسته شد .
- شیشه های ۸ مشروب فروشی شکسته شد .
- تابلو و شیشه های خانه 'فرهنگ شکسته شد .
- شیشه های انستیتو بازرگانی ، مدرسه 'عالی بهداشت
و دانشسرای هنر شکسته شد .
- ۲۱ اتومبیل به آتش کشیده شد .
- ۱۵ اتومبیل در هم کوبیده شد .
- دو موتور پلیس به آتش کشیده شد .
- دو موتور دولتی در هم کوبیده شد .



اعلامیه های

مراجع عظام در قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

باکمال تأثر و تأسف پیش آمد ناگوار و جانگداز و اسفناک این چند روزه در شهر مقدس قم که منجر به قتل و شتم و ضرب عده‌ای از طلاب حوزهٔ مقدسهٔ علمیه و غیرهم که بدنبال اعتراض به پاره‌ای از مطبوعات که در آن بمقام شامخ روحانیت و مقدسات دینی و اهانت به حضرت آیت الله خمینی دامت برکاته شده، موجب تشنج افکار و جریحه دار شدن قلوب مؤمنین خاصه جامعهٔ روحانیت گردیده. لذا مصادر امور را مسئول این قضایا می‌دانیم و شدیداً معترض هستیم.

امید است خداوند سبحان اجر جزیل و صبر جمیل به اولیاء مقتولین مرحمت و مرتکبین این فجایع و خونریزی را مجازات بفرماید.

اللهم اننا نشکوا اليك فقد نسینا وغیبه ولییننا
وتظاهر الفتن علیینا.

والسلام علی اخوانی المؤمنین والرحمة والبرکة.

فقی ۲ صفر المظفر ۱۳۹۸

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

به مناسبت فرارسیدن اربعین حادثه اسفناک و غم انگیز کشتار و تبعید جمعی از طلاب و موئین در حوزه علمیه قم که قلوب مسلمانان جهان را جریحه دار نموده و به دنبال آن علماء اعلام و طلاب و فضلا و سایر طبقات انزجار و تنفر خود را به وسیله تعطیل دروسها و نماز جماعتها ابراز داشتند و همچنین در سایر شهرستانها با تعطیل مغازهها همدردی خود را اظهار نمودند، لذا روز شنبه ۷م ربیع الاول ۱۳۹۸ روز عزای ملی اعلام میشود، که باعث تسلی قلوب شکسته پدران و مادران داغ دیده شود. زیرا که خفقان و محاصره منازل مانع از این شد که مردم به موقع در مجلس ترحیم و تذکرها شرکت کنند.

ملت ایران فهمیدند که تحریکات و توهینات مطبوعات بی ارزش و غیر قابل اهمیت است و مصادر امور نمیتوانند با سرپوش گذاشتن و یا تحریف هدفهای مقدس جامعه روحانیت و ملت مطالب را واژگون سازند. حقیر به وسیله اعلامیه قبلی مراتب تأثرات و اعتراضات خود را اظهار نموده ام، امید است که مصادر امور تنبه پیدا کنند و از اینگونه ظلمها و تعدیها بپرهیزند و نگذارند این صحنهها تجدید شود و حوادث ناگوار بوجود آورد.

و از عموم طبقات و برادران دینی که با روحانیت همدردی نموده و پشتیبانی خود را اظهار داشتند، تشکر می نمایم.

در خاتمه مجدداً این مصیبت را به حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین له الفداء و بازماندگان و پدران و مادران داغ دیده تسلیت گفته و عظمت اسلام و مسلمین را از قادر متعال مسئلت می نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۷ ربیع المولود ۱۳۹۸

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

حوادث اخیر ، بالخصوص اهانتها و تهمت‌های ناروا که در جرید و مطبوعات بجامعه روحانیت وارد گردید موجب تأشیر و تأسف روحانیت و مسلمین است . علماء اعلام نباید از اهمیت موضوع غفلت داشته و اینهمه تجاوز به حریم روحانیت و اسلام را نادیده بگیرند و الی الله المشتکی . در خاتمه در ظل عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ، از خداوند متعال اصلاح امور را مسئلت مینمائیم .

سید محمد وحیدی

صفر ۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳ صفر ۱۳۹۸

حادثه اسفناک و دلخراش حوزه علمیه قم را بعموم مسلمانان تسلیت میگوئیم .

اخیرا در روزنامه های ایران قلم هایی بکار افتاده و مقالاتی نوشته شده است که متضمن توهین بمقام شامخ روحانیت و انکار بعضی از احکام مسلمانه اسلام است و این قلم‌های کدائی که در نفی و اثبات پاره‌ای از مسائل دینی که بهیچ وجه

صلاحیت دخالت در احکام اسلامی را نداشته و ندارند، موجب جریحه دار شدن احساسات و باعث ناراحتی و تشنج گردید و بدنبال آن اجتماعاتی در شهر قم بعنوان اظهار مخالفت و اعتراض باین سنخ نوشته ها براه افتاد ولی مع الاسف مأمورین در مقابل افراد بی دفاع و بی پناه دست به تیراندازی گشودند و چندین نفر را بناحق و بی گناه کشتند و عده کثیری را زخمی نمودند که عاقبت اغلب آنها معلوم نیست و حتی نمایندگان ما را که برای رسیدگی بمقتولین و مجروحین به بیمارستان مراجعه کرده بودند، راه ندادند فانالله و انالیه راجعون و ماچنین اعمال مخالف شرع و مخالف انسانیت را بشدت محکوم میکنیم و یقیناً خداوند متعال عاملین این جنایات را کیفر خواهد نمود .

وسیعلم الذین ظلمواۤی منقلب ینقلبون

سید کاظم شریعتمداری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت مستطاب آیه الله معظم آقای حاج سید احمد خوانساری د اوت برگاه^{ته} با ابلاغ سلام د روز پیش نامه ای بحضور محترم ارسال شد و چون همه بی صبرانه منتظر اقدام و جواب میباشند مجدداً تصدیع میدهد، مقالات اخیر بعض جراید و حمله باحکام مقدس اسلام و تهمت و توهین بمقام شامخ روحانیت موجب نگرانی و انزجار و تشنج شدید گردید و مأمورین دولت بجای توجه بااعتراض صحیح و منطقی

آقایان طلاب و مردم بسی دفاع اعمالی که در تمام جوامع بشری محکوم است مرتکب و بنا اسلحه، گرم با آنها روبرو شدند و عده‌ای بیگناه را بقتل رسانده و جمع زیادی را مجروح و مصدوم نمودند که حال بعضی آنها وخیم است. انالله و انالیه راجعون .

بطور مسلم اگر با احساسات و اعتراضات مردم احترام و توجه کرده بودند این واقعه خونین پیش نمی آمد . ضمن اظهار تأثر شدید از این فاجعه بزرگ و تسلیت بعموم مسلمین و تشکر از اتحاد و همدردی طبقات مختلف و تعطیل عمومی قم بدینوسیله اعلام میدارم که حقیر و سایر علماء اعلام دامت برکاتهم همیشه مخالفت خود را با تصویبات و مقررات ضد اسلامی بوسیله نامه و تلگراف و تذکرات شفاهی صریحاً اظهار داشته ایم و حجت را بر همه تمام نموده ایم . وساحت مقدس روحانیت و هر مسلمان واقعی از موافقت با مقررات مخالف شرع و همکاری با عمال استعمار منزّه و مبرا است .

مسئد عی است به مسئولین امور اخطار فرمائید که مسئولیت این حوادث فجیع که هم اکنون با دستگیری و تبعید بعضی فضلا و طلاب محترم و سلب آزادی از مردم ادامه دارد متوجه آنهاست و در برابر خداوند متعال مسئول هستند و جوابی نخواهند داشت ولا تحسبن الله غافلاً عما یعمل الظالمون .

در خاتمه نصرت اسلام و مسلمین و مزید عظمت حوزه های علمیه و سلامت و دوام تأییدات عالی را در ظرف توجیحات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه از خداوند متعال مسئلت دارم . ۲ / صفر / ۹۸

محمد رضا الموسوی گلپایگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

فرارسیدن چهلمین روز حادثه خونین حوزه علمیه قم را بار دیگر بعموم مسلمانان تسلیت می‌گوئیم . چهل روز از فاجعه بزرگ عاصمه روحانیت شیعه ، مرکز تشییع جهان میگذرد ، فاجعه ای که در آن خانواده هائی را دافدار کردند و مسلمانهارا عزادار ساختند هنوز زخمها و جراحات دلخراش این حادثه التیام نیافته و مصیبت های وارده تخفیف پیدا نکرده است ، هنوز هیچگونه تدارک و جبرانسی بعمل نیامده و عاطمین این جنایت وحشتناک تعقیب و محاکمه نشده اند . والی الله المنتکی و انما اشکویتى و حُزنى اِلی الله لذا بدین مناسبت روز شنبه دهم ربیع الاول ۱۳۹۸ هـ را بعنوان اربعین این مصیبت بزرگ روز عزای عمومى اعلام میکنیم و در این روز حوزه های علمیه برای بزرگداشت خونهای بناحق ریخته شده و شرکت در مجالس ترحیم و همدردی با بازماندگان حادثه تعطیل خواهد بود .

انتظار داریم که عموم مسلمانان در برگزاری مراسم مزبور کمال متانت و آرامش را مراعات نمایند .

از خداوند قادر متعال نصرت اسلام و مسلمین را مسئلت داریم . ششم ربیع المولود ۱۳۹۸

سید کاظم شریعتمداری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

فاجعه عظیمه روز ۲۹ محرم الحرام ۱۳۹۸ که جمعی از طلاب عزیز و مردم بید فاع مقتول و مجروح شدند قلوب همه را جریحه دار نمود و مسلمانان همچنان دافدار و عزادار میباشند و مقامات مسئول بجای تنبیه و جبران جراحات وارده جمعی از فضلا و مؤمنین را بدون جهت تبعید کردند ضمن اظهار تشکر از همدردی همه طبقات که در شرایط بسیار نامساعد با تعطیل عمومی و تلگراف و طومار همکاری و پشتیبانی خود را از جامعه روحانیت و حوزه علمیه قم که پایگاه تشیع و از بزرگترین مراکز رهبری فکری عالم اسلام است ابراز داشتند ، بدینوسیله اعلام میشود که روز شنبه دهم ربیع الاول بمناسبت چهلمین روز این حادثه تاریخی و ابراز تنفر از مسببین آن و تسلیت ببازماندگان ، حوزه های علمیه تعطیل میباشد انتظار می رود عموم طبقات ضمن شرکت در مجالس ترحیم از اجتماعات و تظاهراتی که موجب سوء استفاده دشمنان روحانیت باشد خودداری فرمایند .

مزید توفیقات همه را در نصرت اسلام و حمایت از احکام قرآن مجید با اتحاد و اتفاق کامل از خداوند متعال مسئلت دارم .

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

تاریخ ششم ربیع المولود ۱۳۹۸

محمد رضا الموسوی الکلایگانی

اعلامیه‌های

طلاب حوزه علمیه قم

جنبش مسلمانان ایران

اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم

و عاظ تهران و حومه

بنام خدا

"فوق كل ذي بربر حتى يقتل في سبيل
الله، فاذا قتل في سبيل الله فليس
فوقه بر" "رسول الله ص"

"شما دانشجویان جدید و قدیم صبور باشید،
استقامت داشته باشید، اینها رفتنی هستند
و شما باقی هستید. سرنیزه در مقابل
عواطف يك ملت و ام ندارد. این شمشیر-
های کند عاریتی به غلاف خواهد رفت."

"از پیام امام خمینی به حوزه های علمیه"

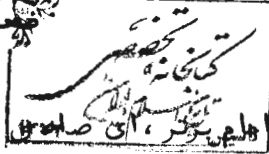
۸ محرم ۱۳۸۲

در سیاهترین شب تاریخ و در زندانی به گستردگی سرزمین
ایران شهیدانمان با خون سخن میگویند تا زندگی را بکسام
دشمن خدا و مردم تلخ سازند و تا خونشان زندگی ها بر
انگیزد و در شوره زار تسلیم و سکوت، جوانه حرکت برویانند و
حرکتهای موجود را به طوفان مبدل سازد.

بسم الله القاصم الجبارين و مبير الظالمين

" اللهم . . . و فرق بينهم (= العدو) و بين اسلحتهم
 . . . اللهم عقم ارحام نساءهم و بيس اصلاب رجالهم
 . . . و اعمم بذلك اعداءك في اقطار البلاد . . . اللهم
 و ايما غاز غزاهم من اهل ملتك او مجاهد جاهد هم
 من اتباع سنتك ليكون دينك الاعلى و حزبك الاقوى و
 حظك الاوفى - فلقه اليسروهيمى له الامر و توله بالنجح "

فلقه اليسروهيمى امام سجاد (ع) دعا ۲۷



نه ،
 نه ای امام سجاد، ای صاحب

هرگز پیام ترا از یاد نخواهیم برد ، که فریاد تو اکنون رساتر
 و پرتوان تر در گوش جانمان طنین افکن است که :

" همه روز عاشورا و همه جا کربلا است "

نه ، ای امام ،

به زلت تن نخواهیم داد و دست در دست دشمن خدا
 و بندگان خدا نخواهیم گذاشت که امروز ، شهادت یعنی " سنت
 تاریخی تشیع خونریز " ، درخت تناوری است که بار دیگر با خون
 پاک جوانانمان به شکوفه نشسته است تا جاودانگی کلام ترا که
 کلام خدا است باثبات برساند .

ای امام ، اگر بر شهادت عمویت " زید " گریستی و صلابت ایمان را راستودی ، اینک
 بیرون راه تو و شاگردان مکتب تو در شب شهادت این قهرمان ، با خون گرم خود
 خاطره شهادت آن بزرگ را در یادها زنده کردند .
 ای امام ،

محرم امسالمان را با خون و شهادت بی پایان بردیم تا آغاز
 عاشورائی دیگر را اعلام کنیم و استواری پیمانمان با " حسین "
 علیه السلام را نشان دهیم .

ای امام ، مددی که دشمن با تمام نیرو نابودی دین خدا
 و خدایمردان را کمر بسته است و از این روشاگردان مکتبی که

نام افتخار آفرین ترا بر پیشانی دارد بیرحمانه هدف گرفتسه
است .

و تو ای ملت !

ملتی که تمام هستی خویش را در گرو پیروی و محبت علی (ع)
نهاده ای باز هم همتی بیشتر تا پرچم مبارزه با بیداد از دوش
فرزند ان جان بر کف تشیع فرو نیفتد که طوفان سهمگین است و
مسئولیت سنگین .

و شما ای شهیدان !

برادران ، ای وارثان شرف و صلابت اسلاف ، خون پاکتان که
نشانه عصمت مبارزه بی امان ما است هیچگاه خشک نخواهد
شد و راهتان ادامه خواهد یافت . شما رسالت بزرگ خود را
مردانه بانجام رساندید و هرچند که جلاد نگذاشت که حتی
پیکر بیجان تان در میان ما بماند تا با تجلیلی که در خور یک
شهید است بخاک سپرده شود اما یادتان همواره آتش انقلاب
را در جانمان فروزان نگاه خواهد داشت و پیامتان که پیام همه
شهیدان تاریخ اسلام و انسان است بگوش جهانیان خواهیم
رساند .

برادران ،

شما بما آموختید که در سیاهترین شب زندگی که دشمن بتمام
وسائل ویرانی و فریب مجهز است میتوان با خون ، آتشی افروخت و
دیده ظلمت زدگان را بروی واقعیتها گشود و چهره تاریکی
آفرینان را بی پرده در معرض تماشای تاریخ قرار داد .

برادران !

گمان مبرید که با شهادت شما کار ما نیز به پایان رسیده است
بلکه دیگر برادرانتان امروز براهی سخت تر از آنچه د یروز همگام
با شما پیموده اند قدم نهاده اند .

برادران !

مزدوران جلاد آنگاه که شما را ب خاک و خون کشیدند و سینه - های آتشین و قلب پرتپش شما را با گلوله سوراخ کردند و سسیل خونتان را در خیابانها و کوچه ها جاری ساختند و صدها تن دیگر را مجروح و نیمه جان نمودند مست و عریده جو در خیابانها پایکوبی کردند و شهر قم را زیر سایه سنگین حکومت نظامی لرزاندند . و اکنون ادامه دهندگان راه شما روزها و شبها است که هم نفس با غم شکننده " عزای شما زیر سایه " سرنیزه ها ، گلوله ها چوبها و چماقها برد بارانه راه را طی میکنند و پایان شکوهمند آن امیدوارند .

برادران !

جلاد می پندارد که با از پای در آوردن افتخار آفرینانی چون شما میتواند شعله " خشم انقلاب را فرو نشاند و با ایجاد محیطی سرشار از ترس و نا امنی ، آزادگان را وادار به تسلیم یا دست کم سکوت کند و نیروهای مقاوم و مبارز علیه نظام فاشیستی موجود را درهم شکند . غافل از اینکه انقلاب اصیل اسلامی در این سر - زمین تحت زعامت پیشوای عالیمقام " خمینی بزرگ " وارد مرحله " تازه ای شده است که مآلاً اقتدار و شوکت در روغن د یکتاتور راد رهم خواهد شکست و ملت مسلمان ایران را بر مقدرات خود حاکم خواهد گردانید و دیده ایم که علیرغم همه " سختگیریها و فشارها روز بروز طوفان خشم این ملت دامنه " وسیعتر پیدا میکند و فرزندان برومند اسلام لحظه بلحظه ضربات ویران کننده تری را بر پیکر فرسوده " رژیم ورشکسته " ایران وارد میآورد .

حادثه " خونین این روزها علیرغم ظاهر قضیه هیچگاه نشانه " اقتدار رژیم جلاد نیست بلکه درست بعکس از پایگاه نیرومندی حکایت میکند که ملت و در راه " س آن روحانیت مبارز از آن برخوردار است و حرکت انقلابی اسلامی امروز با ریشه ای در ۱۴ قرن شور و حماسه و خون ، به درجه ای از بلوغ و کمال رسیده است که حتی

ابرقدرتها را نیز به وحشت بیفکند تا چه رسد به دست نشاندهٔ مفلوک مسخ شده ای که در صحنهٔ شطرنج بین الطلی مهره ای پست و بی ارزش، بیش نیست.

شاه اگر از ملت می طلبد که در برابر او برده ای بسی اراده باشند از آن روست که خود برده ای ناتوان در دست خداوند - گان زور و ثروت روزگار ما است و از آنجا که طعم تلخ بردگی کام او را آزرده است نمیتواند به حدی پائین تر از خدائی بر ملت قانع باشد.

بدینسان دیکتاتوری چنین مسخ شده که همهٔ فلاکت و پستی و زالت و حقارت خویش را میخواهد با زورگوئی و انحصار طلبی و خدائی کردن بر ملت جبران کند، تاب شنیدن کوچکترین صدای اعتراض و مخالفتی را ندارد.

شاه و سازمان پاسدار حکومت ضد مردمی او "ساواک" امروز لبهٔ تیز بیشرمانه ترین حملات خود را متوجه فرزنانگان آزاده و مردان بزرگی کرده اند که تا کنون عنصر مقاومت در برابر هیولای دیکتاتوری را در وجود خود حفظ کرده اند. و روشن است که شدیدترین حملات و هتک حرمتها در این صحنهٔ غم آور، متوجه تجسم آزادی این ملت و نمایندهٔ اصیل ترین حرکت انسانی زمان ما در این مملکت و پاسدار مکتب توحید و رهبر ملت و قائم عظیم الشان شیعه امام خمینی، میگردد و از بخت یاری، ملت ایران همین حملات را نشانهٔ عظمت آن پیشوا میدانند و نیز جهان آزاد که از سرشت ضد انسانی حکومت شاه آگاه است امام خمینی را به عنوان نستوه ترین نیروی مقاوم در برابر رژیم می ستاید.

چهره امام خمینی نه برای حکومت ناشناخته است، نه برای ملتی که اکثریتش جان بر کف در راه آرمانهای والای او گام بر می دارند. و دیدیم که در روزهای گذشته بهنگام عاشورا و نیسب بمناسبت شهادت فرزند برومندش چه شور و هیجانی نسبت بسه

امام از خود نشان دادند .

در این روزها يك لحظه فریاد رسای ملت که از خمینی دم میزد از گوشها نیفتاد و فضای دانشگاه، بازار و مسجد هم آکنده از نام و یاد خمینی بود . و دیدیم که دانشجویان و دیگر طبقات ملت در صورت دسته های با شکوه عزاداری در روز عاشورا نام حسین را با نام خمینی و دیگر رزمندگان آزاده در هم آمیختند و سیل نفرت و انزجار را متوجه " حکومت یزیدی " شاه نمودند .

و نیز دیدیم که به یاد چهلمین روز شهادت فرزند امام، سراسر ایران شاهد برگزاری مجالس با شکوه بود و بویژه شکوه مجلس یادبودی که به همت دانشمندان و طلاب پرشور در مسجد اعظم قم برگزار شد فراموش ناشدنی است و حضور دهها هزار نفر از سراسر مملکت در این مجلس که استواری پیمان مسلمانان و قائد اسلامی را نشان میداد، حکومت را بشدت هراسناک کرد، بویژه که سخنوران متعهد و آگاه، صریح و مستدل پرده از روی جنایات و توطئه های خائنه، حکومت قانون شکن و آزادی کش برداشتند و خواسته های منطقی ملت و در رأس آن روحانیت آگاه را بگوش جهانیان رساندند .

اوج گیری اعتراضات و افشاگریهای بیدارگر، دیکتاتور را در تنگنا قرار داد و آنگاه که مجدداً مجال بدست آورد وحشیانه تر از همیشه بسوی ملت تاخت :

ابتدا اعتصاب دانشجویان دانشگاه تهران و آریامهر و دیگر دانشجویان مملکت را با چوب و سرنیزه گارد پاسخ داد که طی آن عده های کشته و عده، بیشتری زخمی گردیدند . آنگاه با برآوردن تظاهرات فرمایشی بوسیله، ماموران مزدور، آزادگان این ملک را مشتاق " خرابکار و اوباش " معرفی کرد و در نهایت به تصفیه وسیعی در دانشگاهها دست زد و دانشجویان رزمنده

و حق طلب را از تحصیل محروم نمود ولی علیرغم همهء سخت-
گیریها و وحشیگریها هنوز شور التهاب دانشگاهها در اوج است
و اعتصاب ادامه دارد .

از سوی دیگر روحانیت مبارز را مورد حمله قرار داد و تنی چند
از بزرگان دانشمند حوزهء علمیهء قم و تهران و مشهد را دستگیر
و پاره ای را زندانی و بقیه را تبعید نمود .

دیكتاتوری سهمگین ایران که بر پایهء خون و ترور و خفقان و
شکنجه استوار است نمیتوانست باین حد قانع باشد . این بود که
منتظر ماند تا کارتر با ایران بیاید و پیمان نوکری و سرسپردگی را
با وی محکم کند و آنگاه بسوی ملت باز گردد و آتش خشم و کینهء
خود را با خون جوانان فرو نشاند و دیدیم که چنین شد ،
و طبیعی است که اولین صحنهء خونین را در شهری بیافریند که
طی ۱۵ سال اخیر پایگاه بی امان ترین مبارزات ، علیه دیكتاتوری
و بیداد رژیم غیر قانونی و دست نشاندهء ایران بوده است .

و همهء ماجرا از اینجا آغاز شد : مزدوری بساحت اسلام تاخت و
امام خمینی را بعنوان سمبل اسلام راستین مورد حمله قرار داد .
این وقاحت که از توطئهء عمیق علیه اسلام در ایران حکایت میکرد ،
قم را یکپارچه طوفانی کرد ، درسها و بازار تعطیل شد و طلاب
فداکار اسلامی بعنوان اعتراض باین جنایت با آرامش کامل بسوی
منزل مراجع و دانشمندان قم پناه بردند . گو اینکه ماموران حکومت
با شکستن شیشهء چند شعبهء بانک کوشیدند تا حرکت اصیل ولی
آرام طلاب را به آشوب مبدل سازند ولی بیداری طلاب بازهم
ابتکار عمل را از دست مزدوران خارج کرد .

مراجع و مدرسین یکصد حرکت طلاب را تایید کردند و مقام
والای امام خمینی را ستودند و تمام مردم نیز روحانیون ارجمنند
خود را در این داد خواهی همراهی کردند .

موج انزجار نسبت بدستگاه ، بشهرستانها نیز سرایت کرد . صدای

اعتراض همه^۱ مردم سراسر ایران بلند شد و ایران یکباره بلرزه در آمد .

حکومت که در این توطئه خطرناک خود را برآستی بازنده می دید منتظر نماند و هنگامیکه هزاران نفر از طلاب و مردم قسم با آرامش و سکوت بسوی منزل یکی از مدرسین در حرکت بودند بوسیله^۲ صد ها تن مامور مسلح که برای سرکوب این حرکت آرامولی سازنده به قم آمده بودند محاصره شدند و لحظه ای بعد صغیر گوله فضای قم را پر کرد و پیکر عزیزترین فرزند ان روحانیت و مردم شرافتمند را در خون غرقه ساخت .

از تعداد دقیق کشته شدگان این حادثه اطلاعی در دست نیست اما تا آنجا که روشن است آمار موجود چندین برابر تعدادی را نشان می دهد که ساواک در روزنامه ها اعلام کرد . و اما از تعداد مجروحین تنها همین را میتوان گفت که تمام اطاقها و کریدرهای بیمارستانها را مجروحین حادثه اشغال کرده اند .

رژیم خونخوار ایران پاسخ همه^۳ اعتراضاتی را که بمقتضای یک سیاست موسمی بین المللی برای چند ماه امکان بروز یافتند با گوله و آتش می دهد تا خط بطلان بر همه^۴ خوش باوری کسانی بکشد که می پنداشتند میتوان با تکیه بر سیاست حقوق بشر کارتر، آزادی حقوق از دست رفته^۵ ملتی را باز بدست آورد و دیکتاتور را بر سر عقل . در حالیکه دیکتاتور، انسانی مسخ شده است که با از دست دادن همه^۶ خصائل انسانی و نابودی آنها، اژدهائی را میماند که جز خون و تسلیم ملت، هیچ چیز نمیتواند آرامش کند و اصلاح وی جز با مرگ امکان پذیر نیست .

اما آنچه توجه بدان حائز کمال اهمیت است پیش بینی روشنگرانه^۷ پیشوا است که در سخنرانی خود (بتاریخ ۱۰/۸/۱۳۵۶) می فرمایند : " و من میترسم این مردک (شاه) حسابهایش را با آنها

(اربابان آمریکائیش) جور کند . . . اگر خدای نخواستہ کسار اینها تمامشود و جای پایش را محکم بدانند این دفعه دیگر مثل دفعه های سابق نیست، لطمهٔ بزرگی باسلام وارد خواهد کرد .
و اینک رژیم با کشتار وحشیانه اش در قم، آغاز دوره ای را اعلام میدارد که بمراتب سیاهتر از آنست که در مدت نیم قرن اخیر از طرف رژیم بر این ملت گذشته است .

بی گمان از این ببعد شاهد درگیریهای بازهم خونین تر میان ملت و رژیم خواهیم بود ولی با وجود فضائی چنین تنگ و شکننده و هستی سوز و شرف برباد ده، ملت ایران به پایمردی اراده ای پولادین و سازماندهی بیشتر مبارزات خود، راه دشوار مبارزه با رژیم که مظهر فساد و دشمن قانون و آزادی است، را ادامه میدهد و با توجه به بی آبرویی فزایندهٔ حکومت ضد دینی و ملی ایران در مجامع آزاد بین المللی و ورشکستگی سیاسی و اخلاقی و اقتصادی آن، پایان راه مبارزه و نیل با آزادی را نزدیک می بیند و خشونت فزایندهٔ رژیم را نشانهٔ سستی بنیاد آن بحساب می آورد .
ملت مسلمان ایران گرچه شهادت عزیزان را بسوک نشسته است و بخصوص شهر قم که یکپارچه ماتم است و بازار قم همچنان تعطیل و بازاریان شرافتمند، درخواست پاره ای از مقامات روحانی را دایر بر بازگشودن بازار رد میکنند، اما نگرانی رزمندگان و روحانیست دادگار، بیشتر از اینست که مبادا هدف شهیدانمان در این میان گم شود .

احترام به شهید و پاس خون او در ادامهٔ راه او میسر است و راه شهیدانمان، راه اسلام و راه آزادی است، راه اعتلای حق در همهٔ ابعادش و رسوا کردن باطل در همهٔ چهره هایش و برداشتن پرده از روی توطئه های ناجوانمردانه ای که هستی و حیثیت اسلام و مسلمین را تهدید میکند .

در این لحظهٔ حساس مساله ای که ممکن است برای بسیاری از

مردم پیش‌آید اینست که سست‌گیری نسبی چند ماهه اخیر چرا و چگونه محو شد و چرا دوباره رژیم آشکارا از پایگاه خشونت و کشتار با ملت روبرو گردید؟

و اگر خون شهیدانمان باین چرا پاسخ نگوید، باید آنرا لوٹ شده انگاشت که فاجعه‌ای سخت سهمگین در پس این چرا نهفته است و با توجه به سیر وقایع، میتوان سؤال فوق را چنین پاسخ داد:

در صحنه رقابت هستی سوز ابرقدرتها بر سر اقتدار عالم، ایران بدست نوکری پست و خود فروخته بمعرض معامله‌ای شرم آور گذارده شد تا در اساس دیکتاتوری لجام گسیخته حاکم بر این سرزمین شکافی ایجاد نشود.

شاه که طی ماههای اخیر از اظهارات توخالی رئیس‌جمهور آمریکا در زمینه دفاع از حقوق بشر - که در اصل يك تاکتیک انتخاباتی بود و بعد وسیله‌ای شد در دست يك ابرقدرت استعماری برای خارج کردن ابتکار عمل در صحنه بین‌المللی از دست امپراطوری استعماری کمونیسم - سخت بدست و افتاده بود کوشید تا به بهای همه هستی يك ملت، کارتر را وادار کند که از شوخی مسخره‌اش - دست‌کم در باره ایران - دست بردارد و موفق هم شد. اما این موفقیت شاه، اسارت بیش از پیش ملت نجیب و آزاده ایران را در پی دارد.

شاه برای تثبیت موقعیت متزلزل و ناپایدار سلطنت جابرانه‌اش درهای تازه‌ای را بروی یکی از "میراث‌خواران" استعمار، نه تنها در ایران که در منطقه گشود و تمام منابع و نیروهای این مملکت را در اختیار آمریکا و اسرائیل قرار داد و در برابر این بخشش بیدریغ، شخص شاه بعنوان تنها مرجع تصمیم‌گیری! در این مملکت طاعون زده، مورد ستایش رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفت و از درایت و واقع‌بینی! او تجلیل بعمل آمد و همه آرمانهای بشری

و ادعاهای انسانی، در برابر منافع بیشماری که از طریق حکومت دست نشانده^۵ شاه عاید آمریکا میشود فراموش گردید .
درست است که در ملاقاتهای اخیر " قرار داد دراز مدت مبادلات اقتصادی " میان آمریکا و ایران با مضا رسید که از نظر حجم بزرگترین قرار دادی است که تا کنون میان ایران با یک کشور دیگر منعقد شده است (کیهان یکشنبه ۱۱ دیماه جاری صفحه ۲۳) .

درست است که شاه برای حفظ منافع آمریکا و دیگر متحدان تجاوزگر او تحت عنوان فریبنده^۶ کمک با اقتصاد بین المللی با افزایش قیمت نفت مخالفت کرد ،

درست است که ایران یکی از مهمترین بازارهای جذب کنند^۷ه^۸ فرآورده های کارخانجات صنایع نظامی آمریکا است ،

درست است که در پرتو اصلاحات شاهانه ! ایران امروز نه تنها در زمینه^۹ کالاهای صنعتی نیازمند و وابسته به غرب است ، بلکه بهترین بازار مصرف گند م ، برنج ، مرکبات ، گوشت ، تخم مرغ ، و خارجی است ،

درست است که سرمایه گذاریهای زندگی بر باد ده خارجی در ایران در قبال درآمدهای کلانی که نصیب سرمایه گذاران واسطی^{۱۰}های آژمند داخلی آنان میکند ، اکثریت قریب باتفاق مردم این مملکت را به افلاس واقعی کشانده است ،

درست است که در برابر هر دلار نفتی که باین مملکت داده می شود چند برابر ارز مملکت در ازای کالاهای مصرفی و مواد غذایی به جیب چپاولگران بین المللی ریخته میشود ،

و درست است که ایران امروز گشاده ترین سفره برای شکمبارگان آژمند جهانی است ، اما این مسائل که بیان کنند^{۱۱}ه^{۱۲} فلسفه وجودی رژیمهای فاسد و دست نشانده ای چون رژیم دیکتاتوری ایران است چیز چندان تازه ای را نشان نمیدهد .

آنچه تازه است و عمق فاجعه را نشان می‌دهد اینست که شاه برای جلب توجه ارباب و تغییر سیاست باصطلاح اخلاقی او در باره ایران و استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت ظالمانه فردی و بازگشت بدوران سیاه دیکتاتوری و کشتار آشکار، بفرمان آمریکا و برای حفظ منافع تجاوزگرانه این ابرقدرت در برابر "امپریالیسم کمونیسم"، ایران را وارد توطئه‌ای علیه ملت‌های منطقه میکند و بخرج ملت ایران، تعهدات کمرشکنی را در برابر سرمایه‌داری انحصار طلب غرب متقبل میگردد و ملت ایران در این میانه بصورت قربانی مظلومی در می‌آید که باید تاوان رقابت‌های توسعه طلبانه ابرقدرتها را با جان و مال خود بپردازد و بار سنگین مخوف‌ترین دیکتاتوری تاریخ را بدون کوچکترین اعتراضی تحمل کند .

شاه برای اینکه آمریکا را راضی کند نه تنها باید امنیت رفت و آمد در تنگه هرمز را - که مهمترین راه ورود کالاهای غرب به کشورهای منطقه و نیز خروج نفت از کشورهای مزبور است - تقبل کند، بلکه باید بآمریکا این امکان را بدهد که نفوذ خود را در شاخ آفریقا بکمک ثروت ایران توسعه دهد .

شاید بنظر بیاید که تعهدات نظامی و مالی ایران در حوزه خلیج فارس یا شاخ آفریقا بمنظور جلوگیری از نفوذ کمونیسم در این منطقه‌های حساس است و این اندیشه هنگامی قوت میگیرد که مردم جهان شاهد تجاوزات ابرقدرت کمونیسم در صحنه‌های بین‌المللی هستند .

باید دانست که "مارکسیسم" پس از نیم قرن که از عمر نظام‌های کمونیستی میگذرد تقریباً همه جاذبه خود را نزد اندیشمندان واقع بین از دست داده است و بهشت افسانه‌ای "جامعه بی طبقه" عملاً بصورت دیکتاتوریهایی فردی و متجاوز درآمده است و ایدئولوژی باصطلاح انسانی دیروز ابزار خیانت در سراسر دنیای

امروز گردیده است و در يك جمله، آنچه پیشترها در از هسان
زیبا مینمود، امروز چهره^۱ نازیباى خود را در خارج نشان داده
است^۲.

صرفنظر از سستی و بی پایگی مبانی نظری و نادرستی جهان
بینی مارکسیسم، واقعیتهای تلخ و خیانتهای پیاپی نیز راههای
تازه تری را بروی انقلابیون جهان گشوده است و انقلابی راستین
ایران، امروز با دسترسى بمنابع بیکران زندگى ساز و سعادت آفرین
دین خدا راه نجات خویش را در بثمر رساندن يك انقلاب همه
جانیه^۳ اسلامى یافته است.

انقلاب راستین ایران نباید و نمیتواند کمونیسم را که از یکسو
انسان را از انسانیت خود تهی میکند و از سوی دیگر زمینیه را
برای تجاوز يك ابرقدرت استعماری دیگر باز میکند بپذیرد. و اگر
لبه^۴ تیز حملات خود را متوجه رژیم دست نشانده کرده است - که
همه^۵ بدبختیهای موجود را ناشی از وجود چنین رژیمی میدانند -
بخوبی نیز دریافته است که اگر خطری از ناحیه^۶ کمونیسم ایران را
تهدید میکند نه در حقانیت مارکسیسم ریشه دارد و نه در جاذبه
ذاتی ایدئولوژی خیانت. بلکه فشار بیش از حد حکومت فاشیستی
ایران بر ملت است که زمینه را برای پیدایش گرایشهای تنسـد
کمونیستی پدید آورده است.

نه تنها رژیم ایران، که شعار همه^۷ حکومتهای خودکامه^۸ دست
نشانده، مبارزه با کمونیسم است تا بدینا نشان دهند که تنها
کمونیسم، دشمن چنین رژیمهای ضد مردمی است و در چنین جوی
طبیعی است که ملتهای تحت سلطه^۹ ترور و اختناق بسـوی
کمونیسم بعنوان تنها عامل نجات روی آورند.

اما شعار حکومتهای مزبور از سر خیرخواهی انتخاب نشده است
بلکه وسیله^{۱۰} سرکوبى هر نوع جنبش آزاد یخواهانه و رهائی طلبی
است که در میان ملتهای عقب نگه داشته شده پدید آمده است و

منافع امپریالیست های شرق و غرب را بخطر انداخته است. مبارزه ای که عوامل مزدور شناخته شده ای چون شاه با لفظ کمونیسم دارند، در واقع هدفی جز تثبیت و ابقای حکومت های خودکامه و از آنراه گسترش نفوذ امپریالیسم غرب بر کشورهایشان ندارند.

مبارزه با کمونیسم در این کشورها بدین معنی است که باید سرنوشت ملت های مزبور، با توجه بمنافع سیاسی و اقتصادی سرمایه داران غرب تعیین شود.

هیاهوی مبارزه با کمونیسم سرپوشی است بر روی جنایتها و خیانت های که کارگزاران سیاست استعماری غرب در این کشورها انجام میدهند و بهمین سبب است که شاه همه دشمنان خود را کمونیسم می نامد تا از آنراه وابستگی کامل و تام ایران را بمراکز قدرت امپریالیسم غرب و باز کردن راه تجاوز بیشتر بروی این قدرتها تأمین کند.

با توجه باین واقعیتهاست که انقلاب اصیل ایران برهبری امام خمینی که خواهان آزادی و استقلال میهن اسلامی است مبارزه بی امان خود را با شاه بعنوان عامل مستقیم استعمار غرب و عامل غیرمستقیم امپریالیسم کمونیسم ادامه میدهد.

و اینهاست عوامل ناپیدا (یا پیدائی) که سبب قبول تعهدات ایران در منطقه خلیج فارس و شاخ آفریقا میگردد.

از همه شرم آورتر اینکه شاه برای تثبیت موقعیت متزلزل خویش نقش شرم آور دفاع از نقطه نظرهای آمریکا و اسرائیل را در جریان باصلاح صلح خاورمیانه بعهده میگیرد.

شاه ناگهان بدستور آمریکا به مصر می رود تا نقش خائنانه خود را ایفا کند و بصراحت تقریباً از تمامی مواضع آمریکا و اسرائیل دفاع نماید.

اونیز همانند آمریکا نمایندگی سازمان مقاومت فلسطین را برای

مردم فلسطین منکر است و با صراحت تصمیمات سران عرب را در ریاط د اثر براینکه " سازمان مقاومت فلسطین تنها نمایند ه ملت فلسطین است " رد میکند . (کیهان چهارشنبه ۱۴ دی صفحه ۳۱) او نیز همانند بگین با تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی - که سادات نیز با همه اتهاماتی که به او وارد است تا کنون سخت روی آن پافشاری کرده است - مخالفت میورزد و در پاسخ یک خبرنگار در زمینه " تشکیل یک کشور مستقل فلسطین رندانه پاسخ میدهد " در این مورد من بسیار جانب احتیاط را میگیرم " - کیهان ۱۴ دی .

و در پاسخ سوال دیگری که : ملك حسين نمایند ه فلسطینی ها است یا یاسر عرفات ، میگوید : " حداقل ملك حسين شخصی است که میتواند نمایند ه سرزمینی باشد که از اردن گرفته شده است ، منظورم کرانه " باختری رود اردن است " کیهان ۱۴ دی صفحه ۳۱ .

و بدین ترتیب توطئه ای که علیه ملت قهرمان فلسطین و نمایند ه واقعی آن " سازمان مقاومت فلسطین " سالها است بدست آمریکا و اسرائیل در جریان است ، بوسیله مزدور دست نشاند ه سرمایه داری غرب وارد مرحله " تازه ای میشود که هدفش تفرقه در صفوف فلسطینی ها و از آنجا نابودی ملتی است که سالها است همه مرارت ها و محرومیت ها را برای کسب حقوق مسلم خود تحمل کرده است و در برابر تجاوزات و توطئه های پیدا و ناپیدا ای استعمار مقاومت نموده است .

روشن است که سد بزرگ در برابر حل بحران خاورمیانه بنفع آمریکا و اسرائیل و بزبان همه " ملت های عرب و مسلمان ، وجود ملت فلسطین و آرمانهای آزاد یخواهی و حق طلبی این ملت است و اکنون شاه برای تثبیت پایه های لرزان حکومت فردی خود ، تن ب شرم آورترین تعهدات در برابر دشمنان ملت فلسطین و همه

آزاد یخواهان تاریخ معاصر می دهد .

شاه اگر حمایت کارتر را نسبت بحکومت ستم بنیاد خویش جلب کرده و او را بسکوت در زمینه نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی در ایران وارد نموده است و با استحکام پایه های نوکری اینک خشم آلود و دیوانه وار گلوله هائی که از پول این ملت محروم تهیه کرده در سینه گرامی ترین فرزند ان این ملت جای می دهد، در برابر، ایران را بخطرناکترین مرحله تاریخ خود کشانده است که طی آن همه امکانات و ثروت این ملت در بند ستم و بیداد به نفع امپریالیسم خونخوار جهانی و بزبان همه ملت‌های آزاده منطقه و جهان بکار گرفته است.

اگر خون شهید انمان بخاک ریخت و گرامی ترین برادر انمان را از دست دادیم مفتخریم که باز این روحانیت مبارز بود که با دادن قربانی و تحمل کردن اولین یورش وحشیانه رژیم پس از سفر کارتر مشت شاه و نوکران دون صفت او را باز کرد .
و امروز که مبارزه ملت ایران وارد مرحله تازه ای شده است از همه نیروهای مبارز اسلامی میخواهیم که با سازماندهی رساترو پیوستگی بیشتر و آگاهی افزون تر راه مبارزه را تا سرنگونی حکومت دست نشانده ایران ادامه دهند و انتقام خون هزاران شهید را که طی سالهای حکومت استبدادی شاه ریخته شده است، بگیرند .

درود به پیشوای مجاهد اسلامی امام خمینی .
درود به شهیدانی که با نثار خون پاک خویش شکل تازه دیکتاتوری رژیم ایران را رسوا و مبارزات آزاد ساز را جهتی نو بخشیدند .
نفرین بر حکومت جلا و رژیم دست نشانده شاه .

" طلاب حوزه علمیه قم " دیماه ۱۳۵۶

الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

آنان که به جنبش و مکتب ایمان آورده‌اند مبارزه و جنگشان در راه خداست و کسانی که حق را نادیده گرفتند در راه محکوم بفساد طاغوت و ستمگران و اهل باطل می‌جنگند ، پس (شما که بر طبق سنت الهی آفرینش پیروزی را خواهید داشت) با طرفداران و یاران شیطان بجنگید که نقشه‌ها و توطئه‌های شیطان سست و محکوم به نابودی است .
(نساء ۷۶)

مردم مسلمان ایران :

همانگونه که در اولین بیانیه ، ریشه‌ها و علل تحولات سیاسی و تناقضات بین رژیم و استعمار مسلط امریکا را تجزیه و تحلیل کردیم و نتیجه گرفتیم که امریکا برای نابود ساختن زمینه‌های فکری و اجتماعی انقلاب مسلحانه و تضمین منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه تغییراتی رونمایی در نحوه اداره مملکت را خواهانست و اختلاف او با رژیم هرگز به یک درگیری که منافع و موقعیت او را متزلزل سازد منجر نمی‌گردد . اینک حوادث سریعتر از آنچه انتظار میرفت برده‌های او هام و خیال بافیها و امید های واهی بعضی از عناصر و قشرهای غیر انقلابی سطحی‌نگر را از هم پاره کرد و چهره بیرحم و متجاوز و خون آشام رژیم یکبار دیگر عریان و کریه و نفرت انگیز در معرض نگاه مردم ستمکشیده ایران قرار گرفت ، شاه خائن با تقدیم همه ارزشها و منابع و ثروت‌های ملی و قبول واسطگی امپریالیسم و صیهونیسم ، سادات و دیگر شاهان دست نشانده و خائن عرب را در خیانت به انقلاب فلسطین یاری میکند و بیشتر از گذشته در نقش زاندارمی آمادگی خود را برای سرکوبی نهضت‌های ضد استعماری و انقلابی در منطقه اعلام میکند و با خیانت آشکار به ملت و کشورهای عضو او یک بزرگترین هدیه مالی را به امریکا تقدیم می‌کند ، و چون امریکا پس

از رسوائی عظیمی که در ویتنام دچار شد دیگر نمی خواهد آشکارا درگیری تازه‌ای در نقطه دیگری از دنیا داشته باشد و علاوه بر آن نمی تواند مخارج کم شکن جنگ را و تلفات انسانی آن و در نتیجه بحران اقتصادی و افکار عمومی امریکا را تحمل کند ، شاه فرمانبردار که آزمایش مطلوبی در ظفار داده مأموریت مییابد که در شاخ افریقا دخالت کند .

سیاست تازه امریکا تعیین چند دلال عمده سیاسی - نظامی در هر منطقه از جهان است و شاه سگ به زنجیر بسته‌ای است برای دیگر کشورهای وابسته به امریکا ، مانند : پاکستان و اردن و سومالی و عمان و . . . نیز دستور میگیرد . و در برابر همه این سرسپردگیها و خیانتها و رشوه دادن ها به صورت تثبیت معامله شصت میلیارد دلاری آزادانه به سرکوبی مردم رنج دیده و نیروهای مرفقی و مبارز ایرانی به شیوه جدیدی ادامه میدهد و به جای سرکوبی مستقیم ملت که تا کنون انجام میداد اکنون با مهارت افراد و نیروها و صاحبان افکار مختلف را به جان هم می اندازد و به بهانه ایجاد نظم به قلع و قمع طرفین می پردازد . جلاد که مدتی تشنه به خون ملت بیگار و مترصد نشسته بود ، با ولع و حرص سیمانه خون می طلبد و فرمان کشتار دستجمعی مردم بی دفاع و معترض را صادر می کند .

به دنبال تشدید انواع فشارها و اختناق و ضرب و شتم و تغییر تاکتیک و وارد آوردن انواع اتهامات ناروا به نیروهای مبارز اینک در آستانه ورود کورت والد هایم دبیر کل سازمان ملل متحد و برای یادآوری قدرت همیشگی و نشان دادن به مردم که حوادث اخیر جهانی تغییری در سیاست ترور و وحشت شاه ایجاد نکرده در خیابان های قم و در صحن حضرت معصومه و در گذرهای این شهر بیگارجوی ضد استبداد و سنگر مقاومت و پاسداری خون جاری میشود و اجساد صدها شهید بر روی زمین می افتد . رژیم فریبکار و رسوای شاه اعتراض مردم را نسبت به استبداد و ستمگری دستگاه حاکمه و توهین یکی از نوکران بی شخصیت و بی شعور سازمان امنیست به پیشوای آزاده و شجاع حضرت آیه الله خمینی را که در روزنامه

اطلاعات روز شنبه ۱۷ دی درج شده بود ، با وقاحت تمام به صورت مسخ شده ای جلوه می دهد و وانمود میکند که اعتراض علیه اصلاحات ارضی شاه و آزادی زنان بوده است . در حالیکه هیچگونه ارتباطی به این دو موضوع نداشته است و اساساً این اتهام سلاح زنگ زده و رسوا شده ای است که همه مردم از پیش آنرا خوانده اند و فریب چنین تبلیغاتی را نمیخورند .

به دنبال کشتار قسم روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه دانشجویان دانشگاه صنعتی ریا مهر تهران در محوطه دانشگاه جمع شده به کشتار بیرحمانه و سایر بیدادگریهای رژیم اعتراض میکنند که همه نیروهای کاندوی دانشگاه و نیروهای کمکی دیگر به دانشجویان حمله میکنند و چندین ساعت به مضروب و مجروح کردن دانشجویان اقدام میکنند و بالاخره حدود هشتاد دانشجوی مجروح و مضروب را دستگیر و روانه زندان مینمایند . غیر از دانشگاه صنعتی ، شهر اصفهان و کاشان و اهواز و خرمشهر و تبریز و روز ۲۲ دیماه هم تهران و چند شهر دیگر بعنوان اعتراض به این اقدام و حشیانه به تعطیل بازار و تظاهراتی دست میزنند .

بـــرادران و خواهران

در شرایطی که رژیم خون آشام به جای بر کردن زندانها از زندانیان بیگانه و در نتیجه گرفتار شدن در مسائلی که جوابی برای آنهاند اشت اینک مستقیماً در خیابان به کشتن مخالفین و راحت کردن خود از مزاحمت معترضین دست میزند ، و در شرایطی که رژیم خون آشام همه گونه امکانات و آزادی عمل و دفاع را از نیروهای مترقی سلب کرده است و هرصدای اعتراض و مخالفتی را در پوششی از اتهامات مسخره سرکوب و خاموش میکند ، و در شرایطی که جریانات روشنفکری و رفرمیستی عجز خود را از انجام هر اقدام مؤثر در چارچوب امکانات به اصطلاح آزادیهای داده شده ثابت کرده اند و ضعف آنها در ایجاد یک تشکل و اقدام مؤثر سیاسی و بسیج توده ای شریکشان علیه استبداد و برای کسب آزادیهای قانونی آشکار شده است ، جز پیگیری و ادامه نبرد انقلابی با رژیم باقی نمی ماند ، شاه بدستور ارباب امپریالیست خود میکوشد با حفظ ظواهری از آزادی های سیاسی

و تبعیت از شیوه های تازه به راهنمایی سفیر تازه امریکا سولیوان کسه تجربیات گرانبهایی در شیوه های سیاسی و روانی سرکوبی جنبشهای انقلابی دارد ، شرایط ذهنی و روانی و پایگاههای ایدئولوژیک انقلاب مسلحانه را از بین ببرد و متلاشی سازد . اما رژیم در وضعیتی نیست که بتواند در این طرح خود موفق شود ، زیرا اندک کاهشی در فشار و اختناق ، تسوده خشمگین و در پیشاپیش آن نیروهای مترقی و آزاد یخواه را به میدان اعتراض و عصیان سیاسی و اجتماعی وارد میکند که اگر ادامه یابد به آسانی می تواند موفقیت رژیم را به خطر بیندازد و سریعا به یک شورش و قیام عمومی تبدیل گردد . در مقابل چنین وضعیتی ، چنانکه عملا هم اتفاق افتاد ، رژیم ناچار است شیوه های سرکوبی و کشتار و قتل عام را دوباره زنده کند که دیدیم عملا بدان دست زد و در نتیجه علیرغم میل ارباب بار دیگر زمینه رشد روحیه انقلابی و حمایت از انقلاب مسلحانه در بین مردم فراهم گردد .

بـــرادران و خواهران مسلمان

مسئولیت شما که ستون فقرات جنبش انقلابی مسلمانان ایران هستید بسیار سنگین است . از یک سو باید در خنثی کردن نقشه های تازه رژیم و ارباب امپریالیست او و زنده نگاه داشتن روحیه انقلابی در جامعه یک لحظه از پای ننشینید و با روشنگری و تبلیغات آگاهی بخش خود مردم را از نقشه های خائنانه رژیم مطلع سازید ، از دیگر سو اقدامات نفاق افکنانه رژیم را برای از بین بردن وحدت فکری در بین نیروهای مسلمان مبارز و تجزیه پایگاه جنبش بی اثر سازید . رژیم با همه امکانات و وسایل مستقیم و غیر مستقیم میخواهد در بین نسل جوان و انقلابی مسلمان شک و تردید را جانشین یقین و ایمان و تفرقه و نفاق را جانشین همبستگی و اتحاد سازد . با هر کوشش نفاق افکنانه و هرگرایش انحرافی که هدفش ایجاد تزلزل و تردید در ایمان راسخ شما به جهان بینی و ایدئولوژی انقلابی اسلام است سرسختانه مبارزه کنید ، صفوف خود را فشرده تر سازید ، فریب آزاد پهای دروغین و ادعای را نخورید ، نیروها و سازمانهای خود را از دستبرد

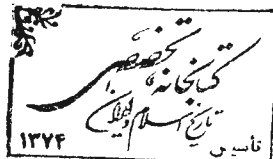
پلیس سفاک در امان نگاهدارید و هسته های تشکیلاتی مجزا دور از چشم مأمورین دشمن بشکل نیروهای پیشرو مسلمان را پیش برده در اشاعه آگاهی انقلابی و اعتلاء روحیه انقلابی در بین توده های زحمتکش و نیروهای جوان و روشنفکر از هیچ کوششی باز نایستید . و حدت عمل و پیوند های خود را از طریق تأکید بر خطوط اصلی ایدئولوژیک مشترک و خط مشی واحد مبارزه تعیین کنید . از افتادن در دام مباحثات و منازعات کلامی که هدفی جز ایجاد شک و تردید و تفرقه و نفاق ندارند پرهیز کنید و با مطالعه عمیق سطح آگاهی و ایمان ایدئولوژیک خود را افزایش داده و پرچم پر افتخار انقلاب توحیدی را علیرغم کینه توزیهای خاص دشمن بر افراشته نگاهدارید .

رژیم غدار و خون آشام بیش از همه مسلمانان انقلابی را دشمن میدارد و لبه تیز حملات سرکوب کننده خود را در وحله اول متوجه مواضع نیروهای پیشرو مسلمان می سازد . با پرهیز از خرده کاری و اقدامات پراکنده و ناشی از عدم احساس مسئولیت، نیروها و سازمانهای خود را از آسیب حملات سریع و بی درپی پلیس مصون دارید .

همانند گذشته مبارزه با رژیم را بر هرگونه درگیری در منازعات گروهی و ایدئولوژیک مقدم شمرده توطئه رژیم را برای سرگرم ساختن نیروهای مبارز به کشمکشهای جزئی خنثی و نقش بر آب سازید . با تبلیغات مثبت و به کمک آگاهی دادن و تأکید بر روی مواضع فکری و ایدئولوژیک خط مشی جنبش زمینه را برای موفقیت اقدامات انحرافی ناموفق سازید .

پیروز باد وحدت و تشکل نیروهای انقلابی و اصیل مسلمان
سرنگون باد رژیم خائن و ضد مردمی پهلوی
جنبش مسلمانان ایران

دی ماه ۱۳۵۶



اعلامیه، اساتید و فضلاء حوزه، علمیه، قم به مناسبت فاجعه

خونین دوشنبه ۲۹ محرم ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

فاجعه خونین قم که در روز دوشنبه ۲۹ محرم الحرام ۱۳۹۸ برابر نوزدهم دیماه ۱۳۵۶ هجری پدید آمد، به دنبال مطالب توهین آمیزی بود که در روزنامه، اطلاعات به مقدسات اسلام و مراجع عظام امت اظلام، بخصوص مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی شده بود، و موجب هیجان و نگرانی شدید همگان گردید. بلافاصله بدستور مراجع محترم تمامی درسهای حوزه، علمیه تعطیل شد و مسلمانان شریف و غیور شهرستان قم به حمایت از مذهب و پشتیبانی از مراجع بزرگ، دست از کار کشیده، بازار و خیابانها را عموماً تعطیل کردند. آقایان طلاب علوم دینی و مردم محترم با نهایت نظم و آرامش به منازل مراجع عظام و بعضی از علمای و مدرسین رفتند و هر کدام از آقایان معظم به نوبه خود بیاناتی پیرامون حقایق جاری ایراد فرموده متحداً مخالفت خود را با قوانین ضد اسلامی ابراز داشتند. جمعیت به هنگام حرکت به طرف منزل برخی دیگر از اساتید با آنکه در کمال نظم و آرامش بودند ناگهان مورد حمله، کماندها و مأمورین مسلح دولت قرار گرفتند و آنان بدون کمترین بهانه ای آتش به روی مردم بی گناه گشوده و به کوچک و بزرگ رحم نکرده حتی کودکان و نوجوانان را مورد یورش و حمله خود قرار دادند. اولین فدائی، یک کودک سیزده ساله بود و صدای شلیک گلوله چند ساعت در فضای پایگاه تشیع شهر مقدس و مذهبی قم به گوش میرسید و بالنتیجه گروه زیادی از طلاب و مومنین کشته شدند و جمع کثیری مجروح و مصدوم گردیدند و تاکنون تعداد مقتولین بطور دقیق معلوم نشده است، زیرا پلیس و مأمورین مسلح اجساد را بالاچار گرفته و حتی کسانی را که در بیمارستان جان دادند در اختیار گرفتند و بازماندگان آنها که برای گرفتن جنازه ها مراجعه می کردند، باخشونت پلیس و مأمورین مسلح روبرو می شدند و تاروهای بعد در قسمت عمده شهر حتی به غابرین، بدون جهت حمله نموده آنان را مذبذب می ساختند به حدی که

سراسر شهر را ترس و وحشت فراگرفته بود ، متأسفانه مطبوعات مثل همیشه حقایق را وارونه جلوه داده و برای مشوب کردن اذهان عمومی لاطائفالاتی را نوشته و من نویسند . آیا این است معنی آزادی و دموکراسی و طرفداری از حقوق بشر که هیأت حاکمه از آن دم میزند ؟ ! آیا این همه جنایات و خونریزی را که در این چند روز مأمورین مسلحش مرتکب شدند چه گونه توجیه مینماید ؟ ! آیا حمله مسلحانه و به آتش بستن عده‌ای بی‌گناه که با کمال نظم و آرامش در حرکت بودند ، طرفداری از حقوق بشر است ؟ ! آیا فضای باز سیاسی همین است که اگر کسانی به مطالب غیر واقعی روزنامه اعتراض کنند در برابر گلوله قرار گیرند ؟ ! آیا اگر مردمی برای دفاع از حریم مقدس اسلام در کمال آرامش به منزل زعمای دینی رفتند و اظهار تظلم نمودند ، باید به آتش بسته شوند ؟ !

ما ضمن تسلیت به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء
و عالم روحانیت و عموم مسلمین بدین وسیله مراتب انزجار و تنفر شدید خود
را از این اعمال وحشیانه و مجریان این جنایت ، ابراز داشته ، توفیق عموم
طلب مسلمان را در دفاع از حریم مقدس اسلام از خداوند بزرگ
مسألت داریم . والی الله الممشتکی

ابوالفضل النجفی الخونساری - جواد تبریزی - الاحقر محمد حسین مسجد
جامعی - الاحقر محمد شاه آبادی - سید موسی شبیری زنجانی
- علی المشکینی - ناصر مکارم - حسین النوری - محسن حرم پناهی -
محمد حسن المرتضوی اللنگرودی - محمد تقی ستوده - علی احمدی میانجی
- عبد الله جوادی - محمد محمدی گیلانی - غلامرضا صلواتی - حسین
راستی کاشانی - سید عبد الرسول شریعتمداری - محمد یزدی - محمد تقی
مصباح - محسن روزدو زانی - حسن حسن زاده - حسین مظاهری - سید
علی محقق - یحیی انصاری - یوسف صانعی - سید محمد حسینی
کاشانی - حسن تهرانی - محمد مؤمن - سید حسن طاهری -
رضا توسلی - محمد علی شرعی - محمد علی فیض - عباس محفوظی
- مرتضی بنی فضل - محمد علی کرامی - ابولفضل موسوی .

بسم الله

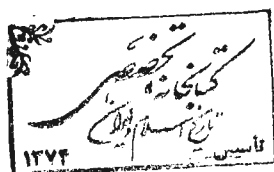
باطلاع عموم ملت شریف ایران بخصوص اهالی محترم تهرآن میرسانند
بر ایننکته :

روزنامه "معلوم" احال اطلاعات با انتشار مقاله‌ای در روز شنبه ۱۷ دیماه پنجاه و شش زیر عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" جامعه "جامعه" روحانیت شیعه را بواقفت با برنامه های غیراسلامی و ضد مردمی متهم نموده و بساحت مقدس زعیم عالیقدر و مرجع تقلید شیعه حضرت آیت الله العظمی خمینی متع الله بطول بقائه اهانتها کرده است حوزه "علمیه" قم که مسئولیت خطیر پاسداری و حفظ مقدرات اسلام و حقوق مسلمین را بر عهده دارد به دنبال انتشار مقاله "مزبور" بلافاصله بعنوان اعتراضیه این گستاخیهادر رسها را و حوزه ها را تعطیل اعلام کرده و طلاب و مدرسین در منزل مراجع تقلید اجتماع نموده و طی سخنانی مراتب انزجار و نفرت خود را ابلاغ کردند و خواستار اقدامی جدی برای جلوگیری از انتشار اینگونه نوشته های ضد اسلامی شدند و مراجع تقلید نیز مندرجات مقاله "مزبور" را محکوم نموده و تنفر و انزجار خود را طی نامه‌ای بعموم مسلمین ابلاغ فرمودند . در روز دوشنبه ۱۹ دیماه تجار و کسبه "قم" بعنوان پشتیبانی از حوزه "مقدس" قم و اعلام وفاداری به زعیم و پیشوای عالیقدر شیعه دست به تعطیل عمومی زدند و در اجتماعات روحانیون شرکت نمودند و لکن با کمال تأسف عمل دولت برخلاف همه موازین انسانی و حقوق بشری این اعتراض منطقی و درخور تحسین شهر مذهبی قم را با چوب و چماق و گلوله پاسخ دادند و دریک یورش وحشیانه صدها نفر را مضروب و مجروح و دریک کشتار دسته جمعی عده ای را به قتل رساندند (که حتی از قربانیان این حادثه طبق نقل خبرگزاریهای خارجی به هفتاد نفر میرسد) و این حملات ناجوانمردانه از تعرض نسبت به زنها و بچه های معصوم نیز خود داری نکردند . متعاقب اینن حوادث موج خشم و نفرت شهرهای ایران را یکی پس از دیگری فرا گرفت

دانشگاهها در نقاط مختلف کشور دست به تظاهرات و پیاده روی زدند در بعضی از شهرستانها بازارها علیرغم تهدیدهای پلیس بصورت تعطیل یا نیمه تعطیل درآمدند. «علماء» و روحانیون تهران و حومه متعاقب نامه‌ای بحضور مراجع تقلید شیعه که مراتب همدردی و نیز پشتیبانی خود را نسبت به حوزه علمی و مردم غیور و شرافتمند قم ابراز داشتند اقامه نماز جماعت در مساجد را به مدت یک هفته تعطیل اعلام نمودند و خطبای گویندگان مذهبی نیز در همین مدت برنامه‌های خود را تعطیل نمودند و به اطلاع عموم میرسانند که در پایان این تعطیلات روز پنجشنبه ۲۹ دیماه پس از نماز مغرب و عشاء در مساجد بی‌پاس احترام به شهدای قم مجالس بزرگ داشت و ترحیم منعقد می‌باشد.

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

«علماء» و عاظ تهران و حومه



اعلامیه‌های

دانشجویان مسلمان دانشگاهها

دانشجویان مبارز دانشگاه

دانشجویان دانشگاه مشهد

دانشجویان دانشکده علم و صنعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما ياتكم مثل الذين خلوا من
قبلكم مستهم الباساء والنصراء وزلزلوا حتى يقول الرسول
والذين امنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب (۱)
(سوره بقره آیه ۲۱۴)

پیام غبار دانشجویان مسلمان ، به پیشگاه پاسداران انقلاب
محمد (ص) ، وارثان خون حسین . که درتوالی حرکت های حق طلبانه
طل مسلمان ، نقش مهمی را در راهبری امت ، علی رغم سنگینی و شکنندگی
اش بردوش میکشند و بیای خویش ، بسوی مصرع مقدس و همیشه جوشان
شهادت در تلاش دائمی اند ، و تاریخ ما این نقش را در " جنبش تنباکو " و
" قیام مشروطیت " و " پانزده خرداد چهل و دو " بخوبی شاهد است .
برادران گرامی ، اساتید ارجمند ، در آستانه رسواسازی
همه جانبه و هرچه بیشتر چهره ستگر و فاجعه آفرینان همه
زمانها و زمین ها ، و در این عصر ، تکرار کنندگان جنایات نابخشودنی
" خرداد " و " نوزدهم دیماه در قم " ، این فرصت را یافتم ،
که با تداعی رسالت آگاهی بخش شما و تلاش پیگیر خویش ، پیوند ناگسستنی
و بیعت مستحکم خود را ، به همراه تسلیتی که ، از چشمه سار عشق
الهی ، و کینه انقلابیمان ، نسبت به طغوت ، بر می خیزد
ابراز داریم .

ما ، با اعتقاد راسخ به منشور جاوید امام راستین خویش ،
حضرت صادق (ع) که : " کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا " آمده ایم
تا صدقانه درسنگر تلاش ، بندای همیشه مکرر حسین (ع) که : " هل
من ناصر ینصرنی " لبیکسی از جان گفته باشیم ، و شتابان ،
در حرکتی سریع ، به اردوگاه حسین بییونددیم .

برادران روحانی ، اینک که جلال ، تیغ بدست و عریده کش
- باتکیه بر عرش طغوتی خویش - دست به ایجاد جامعه فسیلی ، زد

و بگمان باطل و زشتش، به اضمحلال خشن، در جبهه، خلق پرداخته، ما با ایمان به اینکه، رسالتان پایان نمی پذیرد تا دیوارهای اسارتیمان را درهم بشکنیم، در استان شور آفرین خویش را، در دستهای پرمهرشما، به نشانه، پیوندی دوباره میگذاریم، تا با این عمل ییادآور شکوهمندانترین حرکت تاریخ باشیم، آنجائی که دست پر شور علی (ع) در دست نیرومند پیامبر آزادی و آگاهی رسول الله (ص) قرار گرفت و سرنوشت تمامی زمین و مسیر حرکت تمامی زمان را بدیگر گونه برهم زد و بنیاد عظیم ترین و عادلانه ترین نظام خداپسندانسه را، پی ریخت.

باشد که در نهایت دردها و دلتغهای خویش، انهدامی درکل، وارد سازیم و بسیج همه جانبه دشمن را با تمامی سطره سیاسی، نظامی، فلسفی اش، با آوای رسا و فریاد بلند خویش درهم بشکنیم. و اینک بدنبال یاهه سرائیهای نویسندگان ساواک و توهین بسط پیشوای مجاهد حضرت آیت الله خمینی در مطبوعات و متعاقب آن و کشتار خونین مردم مبارز و معترض قم توسط رژیم و تعطیل شدن یک هفته ای دانشگاه ها، فریاد همه جانبه ایست در جهت نفی همه این سطره ها.

ما دست پروردگان مکتب انقلابی توحید، در چشم انداز طلوع نخستین ثمره اتحاد و همبستگی همه اقشار مسلمان مشتاقانه بسط همگامی چهره های مصمم و آگاهی بخش عصرمان چشم دوخته ایم. در روزگاری که تمامی صداقتها در ظاهری زیبا و باطنی نابودگر عمل میکنند و رژیم منفور، جوانه ها را بیرحمانه دشمن است بهمراهی شما یاران همراه در صدیم تا، لاله های حرکت و حیات را که آیه های خون شهیدان اند برویانییم و صبحگاهان را با آشفته ساختن خواب ژرف ملت، و شکستن جام باده گساران خون آشام، که در این سرزمین اساطیری به غنود مرگ رفته اند، در شهر شهادت جشن گیریم و بر این امیدیم که در این

مسیر هرزه گیاهان را در انقلاب رسول بخشانیم ، و در پی آمد حذف عنصر یأس و واهمه ، دانه های انفرادی مردم را برچینییم و شب سرد و سیاه و سرشار از وقاحت ایام را که یادآور فضاحت فرعونى است به روز نوید بخش بهروزی توحید و عدالت اسلامى مبدل سازیم .

و در پایان این مقال ، ناگزیر به بیان این حقیقتیم که در انتقال پیامهای خویش به مردم و عموم طبقات از هیچ کوششی فروگذار نکرده و با تلاش پیگیر و همه جانبه ، به هر وسیله ممکن رسالت تبادل اندیشه ها و ره آورده های انقلابی خود را به نحو کامل ایفا مینمائیم ، و تحقق این مهم را بیان رسای شما که از نفوذی ارزشمند و کار ساز در متن توده های مردم برخوردارید آسان میکند و تلاشهای خستگی ناپذیر ما را شمر بخش تر میسازد .

ستحکمتر باد پیوند همه جانبه جنبش های روحانیت مبارز

و

نهضت های دانشجویی

((دانشجویان مسلمان دانشگاهها))

۱۳۵۶ / ۱۱ / ۴

با رعایت مسائل امنیتی در

تکثیر و توضیح آن بکوشید .

۱ - گمان کردید که بیبهشت داخل شوید بدون امتحانی که پیش از شما برگزشتگان آمد که بر آنان رنج و سختی هارسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آنگاه که رسول و گروندگان باو از شدت اندوه از خدا مدد خواسته و عرض کردند بار خدا یا کی باشد که ما رایاری کنی و از سختیها نجات بخشی در آن حال برسول خطاب شد ، هان بشارت ده که همانا یاری خدا نزدیک خواهد بود . (ن . آ .)

۱۹ دی

، عاشورای دیگر و قم ، کربلا

هموطنان

رژیم جلاّد منش پهلوی این نوکر حلقه بگوش امیرالیم که در میان طبت ایران هیچگونه پایگاهی ندارد و با شعارهای فریبنده آزادی ، آزاد مردان را قربانی میکند و با فریاد اسلام ، اسلامیان را بگولسه میکنند ، بار دیگر چهره کسریه خود را از پس نقاب فریب و تزویر نشان داد .

و این باصطلاح سایه خدا ! (جلاّد قرن) مردان خدا را بنا مردی در مبارزه ای نا برابر بر خاک افکند . واقعه خونین ۱۹ دی در قم که مطبوعات وابسته بدستگاه جلاّدی با خونسردی و پرروئی تمام در گوشه ای از روزی نامه هایشان با تلخیص و تحریف حقایق بیان داشته اند ، ۱۵ خرداد دیگر خلق ما بود .

روز هفده دی که همه جا نوکران شاه بستایش از رضا خان جلاّد پرداخته بودند ، ننگین نامه اطلاعات با بیشرمی تمام تحت عنوان ، " ایران و استعمار سرخ و سیاه " با تحریف حقایق به فحاشی بسمرد بسزگی که یکنه در مقابل حکومت تزاری شاه ایستاد پرداخته بود و باو که سنگر آزاد مردان ظلم ناپذیر است ، اتهام بی اعتقادی و شهرت طلبی زده بود . روح الله خمینی مرجع بزرگ عالم تشیع را شاعری عاشق پینه و بنام عامل استعمار و سید هندی معرفی کرده بود . او که تبعید را پذیرفت و زیر بار ظلم و جنایت دستگاه دیکتاتوری شاه نرفت . بدنبال انتشار این مقاله (صفحه ۷ اطلاعات ۱۷ دی) روز ۱۸ دی جلسات درس حوزه علمی قم تعطیل و بدنبال آن تمام مغازهها تعطیل و طلاب ، دانشجویان ، کارگران و کسبه به راهپیمائی عظیمی پرداختند و بعنوان اعتراض بمنازل علما و روحانیون رفته و روحانیونی چون آقایان گلپایگانی ، مرعشی نجفی ، نوری ، روحانی ، مکارم ، وحید و . . . با

خطابه های خود ستم دستگاه و دیکتاتوری شاه را محکوم و انزجار کامل جامعه روحانیت و مردم را از رژیم شاه بیان داشتند و حتی چنانکه شاهدان عینی شنیده اند حکم بر مبارزه با رژیم را در بعضی محافل داده اند.

ولی عوامل ساواکی در این روز با چوب و چماق بتظاهر کنندگان حمله کرده و آنان را متفرق میکنند، ولی این عمل، تظاهر کنندگان را از ادامه اعتراض باز نمیدارد. در روز ۱۹ دی حدود ساعت ۳ بعد از ظهر جمعیتی در حدود ده هزار نفر بطرف منزل آقای نوری براه افتاده و پس از سخنرانی در این محل به طرف میدان صفائیه حرکت کرده و با آرامش خاصی بخاطر بهانه ندادن به پلیس برای حمله، براه خود ادامه میدهند که در این موقع نیروهای گارد شهربانی با پشتیبانی آتش نشانی و ارتش وارد جریان میشوند، پلیس برای شروع حمله خود با شکستن چند شیشه بوسیله عوامل ساواکی بهانه ای جسته و حمله را شروع میکند. در مرحله اول گارد با باتون و عوامل ساواکی با زنجیر و چماق جمعیت حمله میکنند و زمانیکه در مقابل مقاومت جمعیت قرار گرفته و حمله مردم با چوبهائیکه از درختها کنده میشود، شروع میشود، تفنگهای (ژ.ت.) که در یک ماشین آشنانشناسی مخفی شده بود بمأمورین گارد داده میشود و حمله وحشیانه جلادان رژیم شروع میگردد. حمله وحشیانه و نابرابر گارد ب مردم بی سلاح حدود ساعت در یک حمله و گریز ادامه مییابد. مأمورین تمام گلوله ها را به سرافراد نشانه میروند و هر کسی که در مقابل لوله تفنگ قرار میگرفت بگلوله می بستند، زنهای کودکان، پیرمردها، جوانها و از همه اقشار مردم در این حمله کشته میشوند. از میدان صفائیه حمله باطراف حرم، مدرسه خان و مدرسه حاجتیه کشیده میشود. در مدرسه خان در یک حمله سه طلبه را که در اتاق خود ایستاده بودند به گلوله می بندند و سپس مدرسه را باشغال نظامی در میآورند و در مدرسه حاجتیه تعداد زیادی از طلاب در زد و خورد کشته میشوند (در این بین دانش آموزان مدارس با فریادهای خشمگین خویش علیه رژیم دیکتاتوری در نقاط مختلف شهر شروع بتظاهرات کرده و شیشه بانکها و مقر حزب رستاخیز را میشکنند).

زمانیکه زخمیها را به بیمارستان منتقل میکنند بدستور رژیم و دخالت گارد کترها از مداوای زخمیها منع میشوند و حتی چنانکه شاهدان عینی ناظر بوده اند با آمبول هوا آنها را میکشند و کسانیکه برای اهدای خون رفته بودند دستگیر میشوند و تمام اجسادیکه یا درکوچه و خیابانها کشته شده و یا در بیمارستانها در اثر عدم رسیدگی شهید شده بودند جمع آوری و بسردخانه دولتی منتقل میکنند باین خیال که میتوانند جنایت خویش را بیوشانند و زمانیکه حمله درشکل مستقیم آن پایان مییابد از ساعت حدود ۹ شب به بعد یک حکومت نظامی اعلام نشده برقرار میشود ، بدین شکل که هرکس بهر عنوان که در معابر عمومی دیده میشد ، بگلوله میبستند و چه بسیار افراد که در این حمله ضد انسانی جان خود را از دست دادند .

روز بیست و یک در حالیکه تمام بازاریان مغازه های خود را بسته بودند ، پرچم های سیاه به نشانه عزای عمومی بر سر در مغازه ها و معابر دیده میشد . حکومت نظامی با گارد کمکی از تهران تکمیل شد و تا شب هنگام هم صدای گلوله بگوش میرسید .

این وقایع تا بعد از ظهر بیستم دیماه تا آنجا که اطلاع حاصل شده ، حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر کشته و تعداد بیشماری زخمی که تعداد زیادی از آنها را با آمبولهای هوا میکشند از خود بر جای گذاشته است .

دانشجویان مبارز و مسلمان دانشگاه از تمامی اقشار مردم میخواهند که بعنوان اعتراض به این جنایت فجیع رژیم ضد اسلامی شاه و بیپاس احترام بخون پاک شهدای وقایع خونین قم حمایت خود را از خواهران و برادران مسلمان قم باشکال گوناگون و از جمله بازاریان با تعطیل عمومی بازار نشان دهند .

دانشجویان مبارز دانشگاه
بیستم دیماه پنججاه و شش

فَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِلِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

ما دانشجویان مبارز پشتیبانی و همبستگی کامل خود را از جنبش مسلحانه در ایران که تنها راه رسیدن به یک دموکراسی واقعی میباشد اعلام کرده و تلاش بی امان خود را مبنی بر براندازی رژیم سلطنتی در ایران با تمام وجود ، جان برکف میدول داشته و مراتب انزجار و تنفر همه جانبه خود را نسبت به مفاد زیر که همگی ناشی از حاکمیت ضد خلقی و ضد انسانی رژیم سلطنتی دیکتاتوری شاهنشاهی در ایران است اعلام میداریم :

۱ - زیر پا گذاشتن و نقض کامل کلیه اصول قانون اساسی که به قیمت خون شهیدان و مجاهدان راستین راه حق تمام گردیده است . که چند نمونه عینی آنرا ذیلا متذکر میشویم :

الف - کشتار فجیعانه و بیرحمانه مردم قسم و قتل عام پاسداران انقلاب حسینی (شمه کوچکی است که این رژیم سفاک دریده آبرو و جیره خوار بیگانه و خائن بلط و مملکت و به کرات در طول تاریخ ننگین و کثیف خود به ثبت رسانیده است) و کوچکترین فریاد اعتراض خلق را با رگبار و مسلسل پاسخ گفتن .

ب - سلب مالکیت از مردم بی پناه که در اکثر نقاط ایران بمرخلسه اجرا در میآید ، نظیر خرابی مشهد ، خرابی شهرری و اعلام خراج از معدوده و عناوین دیگر .

ج - سلب هرگونه آزادی بیان و قلم و اندیشه و

د - کشتن نجیب ترین فرزندان خلق زیر مهیب ترین و مهلك ترین شکنجه های آریامهری و تبعید و زندان مجاهدان و مبارزان پاک طینت

ه -

و -

۲ - وابسته کردن ایران به امپریالیسم و صهیونیسم بین المللی و متابعت محض از کلیه اهداف نامقدس ضد خلقی جهانی آنها و رسالت زانندارم

منطقه را بردوش کشیدن . بعنوان نمونه :

- الف - دخالت ایران در شاخ افریقا .
 ب - روابط نزدیک با اسرائیل در زمینه های سیاسی ، نظامی و اقتصادی .
 ج - قرار دادها و پرتکل های شرم آور اقتصادی اعم از سسری و علنی که روی تاریخ را سیاه کرده است .
 د - تزلزل سیستم اقتصاد ملی و ایجاد تورم در رابطه با سیاست خارجی ایران .
 ه -
 و -

و معجون دیکته شده ای بنام " انقلاب سفید " که هدفی جز بیازی گرفتن ملت و رواج هرچه بیشتر فحشا ندارد .

ما بعنوان اعتراض به این رژیم خون آشام پهلوی
 بعدت یک هفته دست به اعتصاب می زنیم

" دانشجویان دانشگاه مشهد "

تابود باد رژیم دیکتاتوری پهلوی

پیروز باد انقلاب مسلحانه

پاینده باد آرمان مصلح عصما

امام خمینی

۱۰ ربیع الاول ۱۳۹۸ (اربعین شهدای قم)

إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ الْأَبْسُّ الصُّبْحُ بَقَرَةُ (هود ۸۱)

" بدرستی که هنگامه عذاب آنها در سپیده دم است ، آیا "
" سپیده دم نزدیک نیست ؟ "

در سردی بی انتهای زمان خشم آتش افروز خلق مسلمان تبریز به
وجود مان گرمی می بخشد .

فریاد خروشان آزادگان در رگهایمان خونی تازه می دمد .
موج انقلاب عدالتخواهان آنچنان رژیم پوشالی محمد رضا شاه را
به وحشت انداخته که ایادی آنها با تانکها و زرهپوشهای امریکائی و
انگلیسی رویا روی مردم قهرمان تبریز ایستاده اند و ندای حق طلبانه شان
را با مسلسلهای اسرائیلی پاسخ میدهد . اما این تلاش مذبحخانه است
چه اینک مردم مبارز ایران با شناخت صحیح چهره رهبران مردمی اش و
دشمنان رو در رویش راه خویش را باز یافته است :

" راه نابودی رژیم دیکتاتوری ضد خلقی پهلوی "
و پیام رهبران امام خمینی نوید بخش پیروزی ماست که : " من به ملت ایران
با این بیداری و هوشیاری و با این روحیه قوی و شجاعت بمانند ، نوید
پیروزی میدهم . پیروزی توأم با سربلندی و افتخار ، پیروزی با استقلال
و آزادی " . جنبش مردم آزاده تبریز که آغازش ۲۹ بهمن مصادف با اربعین
شهدای قم (دیماه ۱۳۵۶) بود ، نمایانگر تداوم همیشگی مبارزه و جهاد
مستضعفین در راه عدالت و آزادی است که هنوز نیز در زیر سلطه دژخیمان
رژیم فریاد رسای آزاد زنان و آزاد مردان خلق ماست که مارا بیاری فرامیخواند
و ما ، و ما اینک آتش انقلابی خواهران و برادران تبریز را فروزانتر
شعله ور خواهیم ساخت و برای همکامی با آنها و ارج نهادن به این قیام و عزیز
داشتن خون پاک شهدا از روز چهارشنبه ۳ اسفند ماه از رفتن به

کلاس خود داری میکنیم و این کوچکترین عملی
است که میتوانیم انجام دهیم .

پیروز باد همبستگی همه جبهه های
مبارز مسلمانان
" دانشجویان دانشکده علم و صنعت "

نامهٔ جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

اعلامیه‌های بازرگانان

نامه‌ای از بازار تهران

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

بسمه تعالی

قم - محضر مقدس مراجع عظام دامت برکاتهم

ضمن تشکر از عنایاتی که در طریق حفظ حرمت اسلام و حقوق اساسی ملت ایران مبذول میفرمایند " کمیته " اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر " باینوسیله مراتب تأثر و تسلیت خود را در مورد فجایع متوالی شهرستانهای قم و تبریز که در روزهای ۱۹ دی و ۲۹ بهمن و اول اسفند ۱۳۵۶ رخ داده است بحضور انور پیشوایان معظم و علمای اعلام و تمام مردم ایران اعلام میدارد و شعور بیشتر توجهات مغتنم عالیه رانسبت به حقوق اسلامی و انسانی و قانونی ایرانیان مسئلت می نماید .

برای این جمعیت و همه افراد آگاه و روشن ضمیر ایران و جهان مسلم است که علیرغم تبلیغات دروغین و یکجانبه دولت ، محرک و مسبب اصلی حرکت مردم در قم و تبریز و شهرستانهای دیگر برای تجمع و تظاهر ، انزجار عمیق و درونی عمومی از رفتارهای ظالمانه ضد ملی و ضد قانونی و از تعدیات مستمر هیئت حاکمه نسبت به حقوق ملت ایران طی سالهای بعد از ۲۸ مرداد خصوصا موضع گیری اهانت آمیز آن علیه روحانیت و پیشوایان مورد احترام و اطاعت مسلمانان است .

تظاهرکنندگان نه گناهی داشتند نه خیالی و سلاهی که لغتشاش و آشوب و جنگی براه اندازند . در قم این پلیس بود که به قصد زهر چشم گرفتن و در نطفه کشتن هرگونه اعتراض حتی راه پیمائی آرام و مسالمت آمیز عمومی ، به حمله بیرحمانه برای ایراد ضرب و جرح و سپس تیراندازی و کشتار دسته جمعی مبادرت نموده آن فاجعه سهمگین را (که مایه خشم و جنبش برای ملت و مایه شرمساری جهانی برای دولت) بوجود آورد و حال آنکه پلیس می توانست در صورت لزوم و اقتضا بجای گلوله و آتش ، از گاز اشک آور

و آب برای متفرق ساختن جمعیت استفاده نماید .

در تبریز هم تدارك قبلی مقامات دولتی برای منع ورود هزاران نفر به مساجد در اربعین شهدای قم خصوصا قتل يك نوجوان دانش آموز (که فقط سرگرد حقشناس افسر شهربانی را به رعایت عفت کلام و ادب در برابر خانه خدا و مردان خداپرست تبریز دعوت نموده است) موجبات تأثر و خشم و طغیان مردم دافندیده و بسته آمده را فراهم نموده عقده های بیست و چند ساله ناشی از انواع فشار و مردم آزاری را علیه مظاهر و مؤسساتی که مغایر و مخالف معتقدات مذهبی و ملی مردم بوده و عامل تعدیات اجتماعی و اقتصادی شناخته شده اند ، ظاهر ساخت . ناگفته پیداست که آتش زدن ساختمان حزب رستاخیز یا کاخ جوانان وابسته به سازمان امنیت یا اتومبیلها و کیوسکهای پلیس عکس العمل طبیعی در مقابل رفتارنا هنجار هیئت حاکمه علیه قاطبه ملت ایران است . متأسفانه در بروز چنین عکس العمل های غیر قابل کنترل ، گاهی خشک و تر نیز با هم میسوزد . آنچه در تبریز بوقوع پیوست در حقیقت مصداق قسمتی از مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجلسین ایران است که اشعار میدارد : " حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت نمود تا بشر بعنوان آخرین علاج به قیام بر ظلم و فشار مجبور نگردد . در کشور ما قانون اساسی بر اثر حکومت فردی عملاً منسوخ گردیده اجرا نمیشود . با تعطیل مطلق مشروطیت ایران با نقض مستمر و بی پروای حقوق ملت ایران ، با نفی احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر ، با درماندگی هیئت حاکمه در رفع تنگناها و نابسامانی ها (که خود عامل اصلی بروز و ظهور و رشد آنها بوده و هست) وقوع حوادث خونین و اسف انگیز از آن قبیل که در قسم و تمبریز اتفاق افتاد يك امر طبیعی و قهری ، غیر قابل پیشگیری و اجتناب بوده است . هتك حرمت و امنیت و آزادی مراجع عالیقدر توأم با نفی آشکار اصول مشروطیت ایران علت العلل برانگیختن مردم از پیر و جوان ، زن و مرد ، عالم و عامی علیه حکومت استبدادی بوده و مسئولیت عواقب نامطلوب هر جنبش و حرکت عمومی در گذشته و آینده در شرایط و اوضاع فعلی بدون تردید متوجه هیئت حاکمه و فرماندهی آن

خواهد بود که حقوق و شئون ملت ، ثروت و حیثیات مملکت ، قوای مقننه و قضائیه یعنی قانون و قضا را یکسره در اختیار خود گرفته عرصه زندگی را در جمیع موارد برای اکثریت قریب باتفاق مردم تنگ و تلخ ، کمرشکن و طاقت فرسا ساخته است .

اکثریت قریب باتفاق مردم ایران در حد امکان برای تعطیل کار و کسب خود از نیت پیشوایان معظم در بزرگداشت چهلیم شهدای راه حق و حقیقت ، شهدای پاسداری از علو و عظمت اسلام ، شهدای دفاع از حرمت و منزلت پیشوایان مذهبی پیروی کردند و حال این امید در دل‌های قاطبه ملت پیدا شده است که عزم و همت و اراده راسخ مراجع عظام تجاوزتعدی به حقوق شرعی و طبیعی و قانونی افراد این مملکت را خاتمه خواهد داد .

اعضا جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر همواره در تمام مراحل با شما مراجع معظم دین و شما ملجأ و پناه بزرگ مردم اسیر مملکت همصدا خواهند بود و صدای حق طلب شما را در مراجع بین المللی و برای مردم جهان منعکس خواهند نمود .

از خداوند قادر متعال سلامت و بقا و توفیق علمای اعلام و محترم را مسئلت داریم .

کمیته اجرائی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر علمی تابنده	مهندس مهدی بازگان
دکتر کریم سنجابی	دکتر علمی اصفر حاج سید جواد
دکتر عبد الکریم لاهیجی	احمد صدر حاج سید جواد
حسن نزیه	دکتر ناصر میناچی

بسمه تعالی

بازاریان شرافتمند تهران

بدنبال کشتار دستجمعی مردم مسلمان قم و اعتراض مراجع تقلید و آیات عظام به این رویه، ضد اسلامی حکومت، بازاریان تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان تعطیل و عزای عمومی اعلام شد، اینک که از طرف جامعه بازرگانان و پیشه‌وران بازار تهران روز پنجشنبه ۲۹ دیماه تعطیل عمومی اعلام شده است، ما بازاریان آذربایجان مقیم تهران این دعوت را اجابت و ضمن شرکت در این تعطیل عمومی تسلیت خود را به پیشگاه جامعه روحانیت تقدیم می‌داریم.

۸ صفر ۱۳۹۸ - ۲۸ / ۱۰ / ۵۶

آذربایجانیهای بازار تهران

بسم... الرحمن الرحیم

بازرگانان و پیشه‌وران بازار تهران :

انتشار مقاله‌ای در سیاه‌نامه، اطلاعات در اهانت به
ساحت حضرت آیت... العظمی خمینی کشتار بیرحمانه، هموطنان

مسلمان ما را در قم بدنبال آورد ، به محض وصول خبر به شه
شیراز بازار و دانشگاه شیراز تعطیل گردید و مجالس
سوگواری برپا شد . اکنون که از طرف بازاریان تهر
برای حمایت از جامعه روحانیت و تسلیت به خانواده های
شهیدا روز پنجشنبه ۲۹ دیماه تعطیل عمومی اعلام شده است ،
با بزرگانان و پیشه وران شیرازی بازار تهران هم پشتیبانی خود
را از این دعوت اعلام و در این روز تعطیل عمومی شرکت
می کنیم .

۱۳۵۶ / ۱۰ / ۲۷

شیرازیهای بازار تهران

فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما

بیست و هشتم دیماه سال ۱۳۵۶

بازاریان مبارز مسلمان ایران

جامعه مبارز روحانیت سالیان دراز است با سرسختی همه جانبه
در قبال استبداد ایستادگی نموده است فاجعه دلخراش کشتار مسلمانان
بی دفاع در شهرستان قم و ایراد تهمت و افترا بمرجع عالیقدر تشیع
حضرت آیه الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی و بی حرمتی به
احکام اسلامی و تبعید و زندان کردن آیات عظام و حجج اسلام نمونه
بد کرداری حکومت جابر ایران است .

مردم مسلمان شهرستان اصفهان بشدت از این همه توهین به
مراجع عالیقدر تقلید و کشتار مسلمانان پاک نهاد اعتراض نموده نخست بازار
و سپس تمام شهریکپارچه به حالت تعطیل عمومی درآمده است .

ما بازرگانان و پیشه وران اصفهانی مقیم مرکز نیز با شرکت در تعطیل
عمومی روز پنجشنبه ۲۹ / ۱۰ / ۵۶ بازار تهران همدردی خود را به جامعه
روحانیت اعلام و نسبت به کشتار فجیع مردم بی گناه شهرستان قم ابـراز
نفرت می نعائیم . بازرگانان و پیشه وران اصفهانی مقیم مرکز

بازار و بازاریان

بعد از سالها سکوت دوباره آتش زیر خاکستر بازار پیدا شد و بازار تهران و سایر شهرستانها برای خاطر مبارزه اسلامی ایران علنا وارد میدان شدند. در واقع بازاریان همیشه در این طریق حرکت میکردند بجز عده کمی که دنباله روی آقای خوانساری بودند و مذهب را با دید خشک میدیدند و یا سرمایه داران بزرگ که اصل کارشان در جاهای دیگر بود و حجره ای هم در بازار برای چاپیدن بقیه داشتند. بازاریان خصوصا دکان داران و شاگردان خیلی خیلی طرف مسلمانان را دارند و با آقای خمینی علاقه دارند. واقعا آقای خمینی برای آنها همه چیز است و هر وقت که اعلامیه ای از ایشان میرسد در تمام بازار پخش میشود. هیچکس دیگر از مراجع و سیاستیون اینقدر نفوذ ندارد چون واقعا آقای خمینی در همه را میگویند. آخر بازاریان با شهرها و دهات همیشه طرف دادوستد هستند و نبض ناراحتی های مردم را در دست دارند و میدانند که مردم چقدر ناراحت هستند.

در اتفاقات جدید از مدتی قبل بازاریان در تدارک يك تعطیل عمومی بودند. مخصوصا بعد از شهادت مرحوم آقای مصطفی. آنها میخواستند نشان دهند که فقط آقای خمینی مرجع آنها است و از او تقلید میکنند. همه منتظر فرصت بودند تا وقتی مصیبت قم پیش آمد و آنوقت بازاریان تصمیم گرفتند کسه موقعش رسیده که مخالفت خود را با رژیم و تبعیت خود را از آقای خمینی نشان دهند و بلافاصله روز هفتم را در نظر گرفتند و تعطیل کردند. پلیس خیلی فشار آورد عده ای را از خانه های شان بیرون کشید که دکانها را باز کنند و نکردند. پلیس تهدید کرد که اعتبارات قطع میکند، ۱۲ نفر را هم گرفتند و اجازه ندادند

د کانه‌شان را باز کنند و با‌آقای خوانساری مراجعه کردند آنهم توسط پسر پلید ایشان . آقای خوانساری به بازاریان توصیه کردند که دست از تعطیل بردارند . مردم بازار از این کار آقای خوانساری خیلی ناراحت شدند . حال ایشان با گسار پلیس به نماز می‌روند . آخر شما ببینید که يك مرجع میشود خمینی و یکی هم میشود خوانساری آدم چه بگوید . جریان واقعه را مفصلاً برای شما خواهیم فرستاد . ولی از همه خنده دارتر و مسخره تر این بود که دوسه نفری اعلامیه دادند بنام اصناف بازار که روز هفتم را تعطیل کنید . روغن چراغ ریخته وقف امام زاده شد . این اشخاص ابداً در بازار راه نفوزی ندارند خودشان هستند و خودشان . آنها خواستند از این فرصت بنفع دارو دسته خودشان سوء استفاده کنند و خوشبختانه خیلی هم اثر بد داشت و در نظر همه يك حقه بازی بود . آنها نوشتند که وابسته به جبهه ملی هستند آخر کدام جبهه ملی . از زمان صدق به بعد کی بازار به دستور جبهه ملی بسته است که این دفعه ببندد . اگر اسم خمینی نبود بشما میگفتم که نتیجه کار چطوری میشد . آنها اگر راست میگویند خودشان و جبهه ملی‌شان اعلام اعتصاب عمومی کنند برای کار خودشان آنوقت می بینید گه چند نفر بطرف آنها می‌روند . لا اقل در بازار که ما هستیم میدانیم پنج تا حجره هم بسته نمیشود . این نامه را زود میفرستم که مطلع باشید در اینجا چه خبر است . خدا شما را تأیید کند . دوستان شما پیام مجاهد را خوب تکثیر میکنند . مطالب شما خوبست و خیلی اسلامی است . اگر مسلمانها در داخل ایران هم همینطور متشکل شوند و کار کنند خیلی خوب خواهد شد و همه خواهند آمد .

خدا یار و یاور شما باشد

نقشه مسیر تظاهرات شهر قم

